

ماہنامہ تحلیلی
ویژہ ہادیان سیاسی بسیج

حد اپٹ

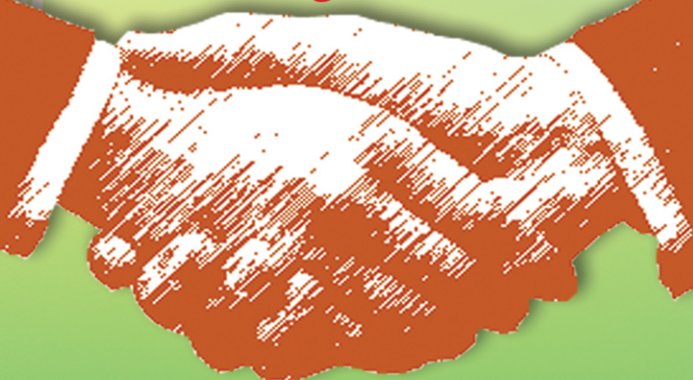
سال پانزدہم

سال ۱۳۹۴

شماره - ۱۵۶-۱۵۷

دولت و ملت
ہمدلے
ہم زبانے

سال ۹۴



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماهنامه

هدایت

«نشریه تحلیلی سیاسی»

«ویژه هادیان سیاسی»

معاونت سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

شماره ۱۵۷-۱۵۶، سال ۱۳۹۴

(شماره ۱۵۵ به صورت الکترونیکی تهیه شده و از طریق سایت هادی thadinews.ir قابل دریافت می باشد).

«هدایت»

«ماهنامه تحلیل سیاسی»

صاحب امتیاز: نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

مدیر مسئول: عبدالله داورزنی

سردبیر: حمید عبداللهی

تایپ و صفحه آرایی: شهلا مهدوی

طرح جلد: عباس رستمی

ویراستار: غلامرضا گودرزی

مخاطبان: هادیان سیاسی بسیج

همکاران این شماره:

۱- احد کریم‌خانی ۲- بهزاد کاظمی ۳- عباسعلی بیگدلی

۴- محمدابراهیم ساور ۵- محمدرضا فرهادی ۶- سمیرا خطیب‌زاده

شمارگان: ۷/۵۳۲

نشانی: تهران - صندوق پستی ۳۶۴ - ۱۷۸۴۵

تلفن و نمابر نشریه: ۶-۳۳۲۳۹۶۷۳

پست الکترونیکی هادی (ایمیل): ssb۱۱۰@chmail.ir E-mail:

نشانی ما روی شبکه: www.hadinews.ir

سامانه پیامکی: ۶۶۰۰۰۰۰۸۰

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

خوانندگان ارجمند:

- ✓ ماهنامه هدایت متعلق به هادیان سیاسی است، بنابراین بخشی از مقالات نشریه به مطالب ارسالی هادیان سیاسی اختصاص دارد. انتظار می‌رود هادیان، عزیز ما را یاری فرمایند.
- ✓ انتقادات و پیشنهادها برای ارسالی هادیان سیاسی، موجب غنای مطالب این نشریه خواهد شد.
- ✓ مقالات و مطالب ارسالی برای نشریه، مسترد نخواهد شد.
- ✓ نشریه هدایت در اصلاح، ویرایش، تلخیص و چاپ مطالب آزاد است.
- ✓ نقل مطالب با ذکر مأخذ، بلامانع است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
------	-------

۱.....	سفن هدایت
--------	-----------

۵.....	کلام نور
--------	----------

بخش سیاسی

۱۱.....	* همدلی و همزبانی دولت و ملت؛ نقشه راه نظام اسلامی
---------	--

۳۲.....	* مقایسه خواص صدر اسلام با خواص دوره انقلاب
---------	---

۴۹.....	* ایمان و معنویت در اندیشه شهید مطهری
---------	---------------------------------------

۶۷.....	* حماقت ائتلاف عربی - غربی در یمن؛ اهداف و پیامدها
---------	--

۸۴.....	* چارچوب تحلیلی بیانیه اقدام مشترک (بیانیه هسته‌ای سوئیس)
---------	---

مفاهيم

تبيين اعتماد متقابل..... ۱۰۹

بخش پرسش و پاسخ..... ۱۱۵

همدلی و همزبانی بین دولت و ملت معنایی بدیع و مهم در فرهنگ سیاسی دارد. رهبر فرزانه انقلاب نیز با توجه به درک ضرورت‌ها و شرایط پیش روی کشور، این سال را به نام «همدلی و همزبانی دولت و ملت» نامیده‌اند. این نام‌گذاری می‌رود تا فضای همکاری و تعامل میان دولت و ملت را به نحو شایسته‌ای رونق بخشد و برگی دیگر بر دفتر مضامین بلند برخاسته از فرهنگ انقلاب اسلامی بیفزاید.

همدلی را «توان خود را جای دیگران گذاشتن» تعریف کرده‌اند. یکی از مؤلفه‌هایی که نشان می‌دهد ملتی با دولت خویش همدل و همزبان می‌باشد آن است که مصائب و مشکلات دولت را مشکلات خود بداند. مردم باید دولت و کشور را از آن خود بدانند. اگر در زمینه‌ای نیازی جمعی وجود دارد آن نیاز را مانند نیازهای شخصی خود تلقی کنند و برای رفع آن همت و تلاش نشان دهند. برای روشن شدن بحث می‌توان به مثالی اشاره کرد. به عنوان نمونه با توجه به تأکیدات مکرر مقام معظم

رهبری بر اقتصاد مقاومتی، منحصر شدن مصرف مردم به کالاهای داخلی، اهتمام همدلانه و جدی مردم در امور اقتصادی با دولت و تلاش بی وقفه برای کاهش میزان مصرف و تبلیغ «انضباط مصرف» را می طلبد که شاید حداقل اقداماتی باشد که مردم می توانند برای تحقق شعار سال ۹۴ در دستور کار خویش قرار دهند و بدین ترتیب همدلی خویش را با دولت به نمایش بگذارند.

البته به نظر می رسد برای تحقق شعار همدلی و همزبانی ضروری است فهم درستی از حقوق و رابطه دولت و ملت نیز درک شود تا در بستر این فهم، مصادیق همدلی و همزبانی آشکارتر گردد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نخستین روزهای خلافتش فرمودند: «فانکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم» (۱) شما مسئولید (و حقوقی بر عهده شماست)، حتی در قبال زمین و چهارپایان. این حق در مورد انسان ها نسبت به یکدیگر و در روابط انسان ها با حکومت نیز حاکم است. حضرت می فرمایند «لایجری لاحد الاجری علیه و لایجری علیه الاجری له» (۲) حقی برای کسی نیست مگر آن که به عهده اش هم حقی هست و به عهده کسی حقی نیست مگر آنکه برای او و به نفع او حقی است (یعنی تکلیف و حق از یکدیگر جدا نیستند).» (۳)

همچنین از منظر شهید مطهری نیز «حکومت در اسلام از نوع خدمتی است که یک امین صالح انجام می دهد. اعتراف حکومت به حقوق واقعی مردم و احتراز از هر نوع عملی که مشعر بر نفی حق حاکمیت آنها باشد از شرایط اولیه جلب رضا و اطمینان آنان است» (۴)

در واقع مردم و حکومت در جامعه اسلامی علاوه بر این که در قبال یکدیگر مسئول و موظفند، دارای حق و حقوق ویژه و تعریف شده ای نیز می باشند، که «همدلی و همزبانی» را نیز می توان از جمله این وظایف و حقوق متقابل برشمرد. چنانچه دولت و مسئولان باید از نزدیک شدن به

مردم، آشنایی با دغدغه‌ها و نظرات آنان حتی پیرامون کوچک‌ترین مسائل دریغ نورزیده و از این سرمایه همیشگی و ماندگار در جهت پیشبرد بهتر امور حداکثر استفاده را بنمایند.

همچنین شهید مطهری مردم را از ارکان حاکمیت دینی دانسته و هیچ‌گونه منافاتی بین دین و حاکمیت مردم نمی‌دیدند به طوری که در نوشته‌های خویش ضمن انتقاد به استبداد کلیسا این‌گونه بیان کردند: «درست در مرحله‌ای که استبدادها و اختناق‌ها در اروپا به اوج خود رسیده بود و مردم تشنه این اندیشه بودند که حق حاکمیت از آن مردم است، کلیسا یا طرف داران کلیسا و یا با اتکا به افکار کلیسا این فکر عرضه شد که مردم در زمینه‌ی حکومت فقط تکلیف و وظیفه دارند نه حق. همین کافی بود که تشنگان آزادی و دموکراسی و حکومت را بر ضد کلیسا بلکه بر ضد دین و خدا به طور کلی برانگیزد (۵).

از این رو با استناد به متون اسلامی، حاکمان و دولتمردان را باید در برابر مردم مسئول دانسته و از آنان به عنوان امین و نگهبان مردم یاد کرد و در مقابل برای مردم نیز حق بازخواست از مسئولان و دولتمردان قایل شد که خود از مصادیق همدلی و هم‌زبانی است. البته نکته اساسی اینجاست که آیا همدلی و هم‌زبانی یک راهبرد است و یا یک روش؟

با اشاره به راهبرد مقام معظم رهبری لازم به یادآوری است که همدلی گاهی راهبرد است گاهی روش. گاه صرفاً می‌خواهیم با رواج همدلی «منازعات موجود» را به پایان برسانیم، اما گاه قصدمان فراتر از این است و می‌خواهیم به «ریشه درگرفتن منازعات» نگاه طبیبانه بیندازیم. حال که رهبر فرزانه انقلاب امسال را به نام همدلی و هم‌زبانی دولت و ملت مزین کرده‌اند شاید نگاه سطحی و غیر کارشناسانه باشد که آن را صرفاً یک «روش» در نظر بگیریم.

به نظر می‌رسد فرصتی مغتنم پیش‌روی ماست تا «همدلی و هم‌زبانی» را به چشم «راهبردی ملی» نگاه کنیم. نگاه راهبردی به همدلی و هم‌زبانی می‌تواند «شکاف‌های متراکمی» را که اثری جز تعمیق درهم‌ریختگی و افزودن بر سطح تنش‌ها در جامعه ندارند را به «شکاف‌های متقاطع» تبدیل کند که اجازه دوقطبی شدن را به جامعه را نداده و در جهت رشد و شکوفایی جامعه قدم بر می‌دارد.

پی‌نوشت:

- (۱) نهج‌البلاغه؛ خطبه ۱۶۶.
- (۲) همان خطبه ۲۰۷.
- (۳) بیست گفتار ص ۷۴ و ۷۷ و حکمت‌ها و اندرزها، ص ۱۰۸-۱۰۶.
- (۴) همان ص ۴۹، ۳۰.
- (۵) سیری در نهج‌البلاغه، شهید مطهری، مرتضی، ص ۸۵.

بیانات مقام معظم رهبری

تذکر مهم رهبر معظم انقلاب پیرامون مذاکره
و مسایل هسته‌ای؛

- ممکن است طرف مقابل که یک طرف لجوج، بدعهد، بد معامله، اهل دبه در آوردن، چک و چانه کردن، از پشت خنجر زدن و این جور کارها و سیاه کاری‌ها است، سر جزئیات بخواهد کشور ما را، ملت ما را، مذاکره کنندگان ما را در یک دایره‌ای محصور کند.
- اینکه به بنده تبریک می‌گویند، به دیگران تبریک می‌گویند، بی‌معنی است، چه تبریکی؟ آنچه تاکنون انجام گرفته است نه اصل توافق و مذاکره منتهی به توافق را تضمین می‌کند، نه محتوای توافق؛ حتی تضمین نمی‌کند که این مذاکرات تا به آخر برسد و به یک توافق منتهی بشود.
- با وجود اینکه من خوش بین نبودم به مذاکره

با آمریکا، با این مذاکرات موردی، مخالفت نکردم، موافقت کردم؛ از مذاکره‌کنندگان هم با همه وجود حمایت کردم، الان هم حمایت می‌کنم.

- از رسیدن به یک توافقی که منافع ملت ایران را تأمین کند و عزت ملت ایران را حفظ کند، صددرصد من حمایت می‌کنم.

- توافق نکردن از توافق کردنی که در آن، منافع ملت پامال بشود، عزت ملت از بین برود، ملت ایران با این عظمت، تحقیر بشود، توافق نکردن شرف دارد بر یک چنین توافق کردنی.

- بنده در جزئیات مذاکره دخالتی نکردم، بازهم نمی‌کنم؛ مسائل کلان، خطوط اصلی، چهارچوب‌های مهم و خط قرمزها را به مسئولین کشور گفته‌ام.

- اینکه حالا گفته بشود که جزئیات این مذاکرات تحت نظر رهبری است، این حرف دقیقی نیست.

- این آقایانی که مشغول کار هستند، اینها افرادی هستند مورد اعتماد ما، من در مورد آنها هیچ تردیدی ندارم لکن درعین حال جداً دغدغه دارم؛ این دغدغه ناشی از آن است که طرف مقابل به شدت اهل فریب و دروغ و نقض عهد و حرکت در خلاف جهت صحیح است.

- بعد از آنکه مذاکره‌کنندگان ما مذاکره‌شان تمام شد، بعد از چند ساعت بیانیه‌ی کاخ سفید منتشر شد در تبیین مذاکرات. این بیانیه‌ای که آنها منتشر کردند — که اسمش را می‌گذارند «فکت‌شیت» — در اغلب موارد خلاف واقع است.

- آنها گفتند که ممکن است بعد از آنکه این مذاکرات انجام گرفت، رهبری برای آبروداری یک اظهار مخالفتی بکند؛ کافر همه را به کیش خود

پندارد. ما حرفمان با مردم بر مبنای اعتماد متقابل است؛ مردم به این حقیر ضعیف اعتماد کردند، بنده هم به تک تک این ملت اعتماد دارم.

- مسئولین باید مردم را و به خصوص نخبگان را از جزئیات و واقعیات مطلع کنند؛ ما چیز محرمانه و مخفی نداریم. این مصداق همدلی با مردم است.

- مسئولین یک جمعی از مخالفین را — از آن افرادی را که شاخصند — دعوت کنند، حرفهای آنها را بشنوند؛ ای بسا در حرفهای آنها یک نکته‌ای باشد که این نکته را اگر رعایت کنند، کارشان بهتر پیش برود؛ اگر چنانچه نکته‌ای هم نبود، آنها را قانع کنند.

- این مذاکراتی که دارد انجام می‌گیرد فقط در موضوع هسته‌ای است؛ فقط. ما در هیچ موضوع دیگری فعلاً با آمریکا مذاکره نداریم.

- من یک خواسته‌هایی از مسئولین داشتم... یکی این مسأله است که بدانند، دستاورد کنونی هسته‌ای ما چیز باارزشی است؛ این را بدانند؛ به چشم کم‌ارزش و چیز سبک به آن نگاه نکنند. صنعت هسته‌ای برای یک کشور، یک ضرورت است.

- مطالبه بعدی ما از مسئولین این بوده است که گفتیم به طرف مقابل اعتماد نکنید.

- در این جزئیات مذاکرات — که خیلی هم این چند ماه آینده مهم است — اتفاقی که باید بیفتد این است که تحریم‌ها به طور کامل و یکجا بایستی لغو بشود. تحریم‌ها بایستی — اگر چنانچه حالا خدای متعال مقدر فرموده بود و توانستند به یک توافقی برسند — در همان روز توافق به طور کامل لغو بشود؛ این باید اتفاق بیفتد.

- به هیچ وجه اجازه داده نشود که به بهانه نظارت، اینها به حریم امنیتی و دفاعی کشور نفوذ کنند؛ مطلقاً. مسئولین نظامی کشور به هیچ وجه مأذون نیستند که به بهانه نظارت و به بهانه بازرسی و مانند این حرف‌ها، بیگانگان را به حریم و حصار امنیتی و دفاعی کشور راه بدهند.
- هیچ شیوه نظارتی غیر متعارف که جمهوری اسلامی را به یک کشور اختصاصی از لحاظ نظارت تبدیل می‌کند، به هیچ وجه مورد قبول نیست.
- توسعه علمی و فنی هسته‌ای در ابعاد گوناگون، به هیچ وجه ناپیستی متوقف بشود.

هشدار به سعودی‌ها در قضیه یمن؛

- کاری که امروز دولت سعودی در یمن دارد انجام می‌دهد، عیناً همان کاری است که صهیونیست‌ها در غزه انجام دادند.
- اگر آنها [صهیونیست‌ها] توانستند در غزه پیروز بشوند، اینها هم خواهند توانست در اینجا پیروز بشوند؛ البته اگر آنها هم پیروز می‌شدند، باز پیروزی اینها احتمالش صفر بود؛ الان احتمالش زیر صفر است. اینها قطعاً ضربه خواهند خورد؛ قطعاً بینی سعودی‌ها به خاک مالیده خواهد شد.
- چند جوان بی جربه، امور آن کشور [عربستان سعودی] را در دست گرفتند و دارند آن جنبه توحش را غلبه میدهند بر جنبه متانت و ظاهرسازی.
- من هشدار می‌دهم به سعودی‌ها، از این حرکت جنایت آمیزی که در یمن می‌کنند باید دست بردارند؛ این در این منطقه قابل قبول نیست.
- ملت [یمن] این ظرفیت و توانایی را دارد که بنشیند برای خودش تکلیف دولت را معین بکند.
- کسانی سعی کردند خلأ قدرت ایجاد کنند، جنجال درست کنند؛

خوشبختانه نتوانستند.

- شیعه، سنی، شافعی، زیدی و حنفی و همه جورشان ایستاده‌اند در مقابل هجمه دشمن و ان شاءالله پیروز خواهند شد و پیروزی متعلق به ملت‌ها است.

(بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مداحان اهل بیت (ع) ۱۳۹۴/۰۱/۲۰)

عدم مداخله در امور دیگران، اما دفاع جانانه در برابر تهاجم؛

- امروز دشمنان ما، جمهوری اسلامی را متهم می‌کنند به دخالت در اینجا و آنجا، که این خلاف واقع است؛ چنین چیزی وجود ندارد؛ ما در هیچ جا دخالت نمی‌کنیم. ما در آنجایی که مورد تهاجم قرار بگیریم البته دفاع می‌کنیم، دفاع جانانه، اما دخالت نمی‌کنیم.

- طرف مقابل با وقاحت تمام ما را تهدید نظامی می‌کند؛ باز چند روز قبل از این یکی از آنها دهن باز کرد و راجع به گزینه‌های روی میز و گزینه نظامی بنا کرد حرف زد. خب این لاف را می‌زنند، این غلط زیادی را می‌کنند، آن وقت می‌گویند جمهوری اسلامی قدرت دفاع را از خود سلب کند؛ این حرفی که آنها می‌زنند ابلهانه نیست؟

جمهوری اسلامی برای هیچ کشوری تهدید نیست؛

- جمهوری اسلامی برای هیچ کشوری تهدید نیست؛ ما برای همسایه‌های خودمان هم هیچ وقت تهدید نبودیم، چه برسد به جاهای دوردست؛ این را تاریخ نزدیک ما به طور واضح نشان می‌دهد... حتی [جمهوری اسلامی] در موارد زیادی بدرفتاری‌های برخی از همسایگان را هم با بزرگواری تحمل می‌کند.

رژیم آمریکا مایه تهدید در دنیا است؛

- امروز بزرگ‌ترین مایه تهدید در دنیا رژیم آمریکا است؛ آمریکا دنیا را ناامن کرده است. در این منطقه ما، ناامن‌کننده، رژیم صهیونیستی است که سگ زنجیری آمریکا است؛ اینها هستند که دنیا را ناامن کرده‌اند.
- امروز این حوادث گریه‌آور در یمن جاری است و آمریکایی‌ها و غربی‌ها از ظالم حمایت می‌کنند؛ ناامنی از ناحیه آنها است.
- (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار فرماندهان و کارکنان ارتش ۱۳۹۴/۰۱/۳۰)

همدلی و همزبانی دولت و ملت؛ نقشه راه نظام اسلامی

بهزاد کاظمی

چکیده

همدلی و همزبانی بین مردم و نهادهای مدیریتی در هر جامعه و نظام سیاسی، آثار و نتایج چشمگیری به دنبال دارد و این مهم به عنوان یک نیاز و ضرورت اساسی باید در نظام اسلامی مورد توجه بیشتری قرار گیرد. مردم و مسئولان دو عنصر تعیین کننده برای تحقق آرمان ها و اهداف بزرگ اند. اقتدار سیاسی، پیشرفت همه جانبه کشور، رویارویی مقتدرانه با چالش ها و بر طرف کردن مشکلات جامعه نیازمند همدلی و همزبانی دولت و ملت است که امام خامنه ای این نیاز را در قالب شعار و نامگذاری سال ۱۳۹۴ مورد تأکید قرار دادند.

سال ۱۳۹۴ که از سوی رهبر معظم انقلاب، سال

"دولت و ملت، همدلی و همزبانی" نامگذاری شده است را باید یکی از سال‌های سرنوشت‌ساز برای نظام جمهوری اسلامی و جهشی به سمت اهداف بلند ملت بزرگ ایران دانست. در این نوشتار به بررسی همدلی و همزبانی دولت و ملت؛ به عنوان نقشه راه نظام اسلامی در مسیر حرکت به سوی آرمان‌ها و اهداف خود می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: همدلی، همزبانی، نظام اسلامی، دولت، ملت

مقدمه

پشتوانه مردمی یکی از ابزار تأثیرگذار و تعیین‌کننده در حاکمیت کشورها و ارزیابی نظام و دولت مستقر است که سرمایه اصلی هر حاکمیت و نظام سیاسی محسوب می‌شود. از ویژگی‌های مهم انقلاب اسلامی ایران، گره خوردن انقلاب به مبانی اسلامی و تأکید بر نقش مردم بود. مردم، محور اصلی تحقق نظام اسلامی هستند، تکیه و توجه امام خمینی^(۵) به نقش مردم در نظام اسلامی کاملاً آشکار است و امروز هم امام خامنه‌ای بر همین امر تأکید دارند.

در نظام اسلامی باید این اصل را بیشتر مورد توجه قرار دهیم که مردم سرمایه‌های حقیقی نظام هستند و بر این اساس مردم می‌توانند مشکلات دولت را درک کنند و به یاری مسئولان بشتابند. دولت هم با بهره‌گیری از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مردم از معضلات جامعه بکاهد. نظام اسلامی باید تمام ظرفیت‌ها را حول محور مردم سازماندهی و مدیریت کند.

از این سرمایه درک و اعتماد متقابل و همدلی و همزبانی بین دولت و ملت می‌توان برای رفع مشکلات جامعه در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی استفاده کرد و در سال جاری تلاش بی‌وقفه‌ای را انجام داد تا مشکلات و نارسایی‌ها یکی پس از دیگری برطرف شود.

نقش مردم در شکل‌گیری انقلاب و در پیروزی آن دارای برجستگی خاصی بود، در دوران جنگ تحمیلی هم بار اصلی بر دوش مردم بود و در عصر حاضر هم در اجرای برنامه‌های، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به ویژه اقتصاد مقاومتی باید نقش محوری و ظرفیت اساسی مردم مورد توجه جدی قرار گیرد. البته در این میان لزوم توجه مسئولان به مردم در انجام کارهای کلان و ملی، امری مهم تلقی می‌شود؛ زیرا هر جا به نقش مردم توجه شده پیروزی‌های بزرگی را شاهد بوده‌ایم. و هر جا از این نقش غفلت شده، مشکلات و خسارت‌های زیادی در پی داشته است.

اهمیت و فلسفه نامگذاری سال‌ها

نامگذاری هر سال، نوعی ترسیم راهبرد کلان و سیاست کلی جامعه اسلامی است که مسیر و جهت حرکت را برای مسئولان و مردم مشخص می‌کند. این نامگذاری با توجه به شرایط و مقتضیات داخلی و خارجی کشور و براساس ضرورت‌ها و اولویت‌های حیاتی جامعه تعیین می‌شود. در یک نگاه کلی می‌توان گفت فلسفه و حکمت نامگذاری سال‌ها در نکات زیر خلاصه می‌شود:

۱. برجسته‌سازی و جلب توجه همگان به یک یا چند ارزش از میان همه ارزش‌ها؛
۲. زمینه‌سازی برای جلب توجه به مشکلات مهم و گره‌گشایی از آنها؛
۳. اعتلای فرهنگ عمومی جامعه با تمرکز بر جهت‌گیری‌های مطلوب؛
۴. جهت‌دهی به نظام تبلیغاتی کشور بر اساس اولویت‌ها؛
۵. توجه بیش‌تر مسئولان و آحاد مردم به موضوعات اساسی و اولویت هر سال؛
۶. به کارگیری سازمان یافته امکانات و منابع در جهت تحقق شعار و عنوان محوری سال.

اهداف نامگذاری سال ۹۴

کشور ما امروز به دلیل مسائل داخلی و تفرندهای بیگانگان با مشکلاتی مواجه است که راه حل آنها را در همکاری دولت و مردم باید جست. نگاه راهبردی به همدلی دولت و ملت می تواند «اختلاف ها و تقابل ها» را که نتیجه ای جز درهم ریختگی و افزایش تنش ها ندارد به «انسجام و تعامل» تبدیل کند که از دوقطبی شدن جامعه جلوگیری می کند و از سطح و عمق کشمکش ها و درگیری ها به طور محسوسی می کاهد. بر این اساس در نامگذاری سال ۹۴ اهداف خاصی مورد نظر است که مهم ترین آنها را چنین برمی شماریم:

۱. تقویت انسجام و تعامل درونی و پیشگیری از اختلاف داخلی و بحران دوقطبی شدن جامعه؛
۲. مقابله با چالش ها و کاستن از فشارهای دشمنان، تحریم غرب و آثار کاهش قیمت نفت؛
۳. حفظ و نمایش عزت و اقتدار ایران در منطقه و جهان (در عرصه داخلی برای انتخابات شکوهمند و در سیاست خارجی برای توافق عزتمندانه هسته ای)؛
۴. استفاده از فرصت ها، ظرفیت ها و توانمندی های درونی برای تحقق آرزوهای بزرگ ملت ایران در سال ۹۴ که در بیانات امام خامنه ای در نخستین روز سال جدید شامل پنج مورد است: پیشرفت اقتصادی، اقتدار و عزت منطقه ای و بین المللی، جهش های علمی به معنای واقعی، عدالت قضایی و اقتصادی و در نهایت، ایمان و معنویت به عنوان پشتوانه همه سرفصل های دیگر.

نقش های دولت و ملت و مسئولیت های آنها

در فرآیند همدلی و همزبانی بین دولت و ملت از نگاه امام خامنه ای، ملت

به عنوان کارفرمای دولت و دولت، کارگزار ملت است؛ زیرا به تعبیر ایشان "دولت برآمده از آرای مستقیم مردم و به عنوان یک کارگزار در خدمت عموم می‌باشد و مردم، تعیین‌کننده کارگزار و ناظر و نقاد دولت هستند".

دولت باید به جایگاه و ارزش ملت و رفع گرفتاری‌ها و مشکلات مردم توجه و اهتمام داشته باشد. از سوی دیگر ملت قرار است گرفتاری‌های دولت را گرفتاری‌های خودش بداند. او بسان کارفرمایی است که مشغله‌های کارگزار را جزئی از دغدغه‌های خود می‌بیند و «توقعات» خود را بیش از پیش مدیریت می‌کند.

در این میان دولت به عنوان کارگزار، مسئولیت‌های بسیاری دارد که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱. تأمین آرامش و امنیت پایدار برای مردم در ابعاد مختلف

۲. تأمین آسایش و نیازهای مردم و جامعه در دو بعد:

الف) زمینه سازی برای تأمین نیازهای مادی مردم (خوراک، پوشاک، مسکن، وسایل زندگی - اشتغال مناسب - رفاه عمومی و ...)

ب) زمینه‌سازی برای تأمین نیازهای معنوی مردم (تعلیم و تربیت - ایمان و معنویت - عدالت - کرامت - اخلاق و ارزش‌های الهی - عزت - اقتدار - الگوسازی و الگودهی مناسب و...)

۳. تأمین نیازها و الزامات اداره بهتر جامعه:

(توجه به جایگاه و ارزش ملت و گرفتاری‌های مردم را گرفتاری‌های خود دانستن - هدف‌گذاری مشخص و بسیج همه دستگاه‌ها و امکانات برای تحقق آن - برنامه‌ریزی راهبردی و جامع نگر و تلاش در مسیر اهداف و پیشرفت - اصلاح ساختارها، روندها و فرآیندهای ناکارآمد به ویژه نظام بانکی، مالیاتی، اداری و... - استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های مردم و کشور - خدمتگزاری و رفع مشکلات مردم - مدیریت صحیح - حفظ منافع ملی و مصالح عمومی -

سرمایه‌گذاری و رونق تولید ملی- مردمی کردن اقتصاد- کاهش وابستگی به نفت- و...)

اما مسئولیت‌های ملت به عنوان کارفرما نیز به شرح زیر قابل بیان است:

۱. تعیین کارگزاران شایسته با دقت در استفاده از حق رأی خود
 ۲. حمایت از مسئولان و مدیران جامعه
 ۳. توجه به وظایف سنگین دولت، و گرفتاری‌های آن را گرفتاری‌های خود دانستن
 ۴. نظارت همگانی و مستمر بر مسئولان
 ۵. تنظیم و مدیریت توقعات بر اساس عقلانیت و واقعیت (شرایط جنگ تمام عیار اقتصادی)
 ۶. تصحیح رفتار اجتماعی و اقتصادی برای رشد و پیشرفت جامعه:
- ✓ همبستگی، همدلی و هم‌زمانی
 - ✓ کار و تلاش جدی و پرهیز از تنبلی
 - ✓ ساعت مفید کاری بالا
 - ✓ نظم و انضباط
 - ✓ قانون‌پذیری و قانون‌مداری
 - ✓ وجدان کاری
 - ✓ افزایش سرانه مطالعه و تحقیق
 - ✓ مصرف درست و منطقی و پرهیز از اسراف
 - ✓ ترجیح منافع عمومی بر منافع فردی و گروهی
 - ✓ استقلال‌طلبی و استقبال از تولید داخلی
 - ✓ پرداخت دیون ملی به ویژه مالیات
۷. نقد منصفانه و امر به معروف و نهی از منکر نسبت به مسئولان
- به بیان امام خامنه‌ای، انتقاد و تذکر در وضع و در موقعیت مناسب و با

شکل مناسب باشد: «تذکر دادن هیچ اشکالی ندارد اما این تذکر بایستی جوری باشد که اعتماد عمومی را از کسانی که مسئولند و مشغول کارند، سلب نکند؛ تذکر دادن باید جوری باشد که موجب بی‌اعتمادی عمومی نشود، اهانت وجود نداشته باشد و روش‌های خشم‌آلود وجود نداشته باشد؛ همه با برادری اسلامی به مسأله ارتباط میان دولت و ملت نگاه کنند و با آن شیوه رفتار بکنند.

البته این طرفینی است. من، هم به مردم این توصیه را عرض می‌کنم که با دولت بایستی مهربانانه و با نگاه همراهی و همدلی سخن گفت، هم به مسئولان کشور - در سه قوه - این را تأکید می‌کنم که آنها هم باید با منتقدین خود و با کسانی که از آنها انتقاد می‌کنند رفتار مناسبی داشته باشند، آنها را تحقیر نکنند، به آنها اهانت نکنند؛ تحقیر مخالفان از سوی مسئولان، خلاف تدبیر و خلاف حکمت است. من مردم عزیزمان را به بی‌تفاوتی دعوت نمی‌کنم، به نظارت نکردن دعوت نمی‌کنم؛ آنها را به اهتمام در مسائل اساسی کشور دعوت می‌کنم؛ اما اصرار می‌کنم که برخوردها نه از سوی مردم نسبت به مسئولین و نه از سوی مسئولین نسبت به منتقدین، تخریبی نباید باشد؛ نه تحقیر باشد، نه اهانت باشد.

ممکن است در یک قضیه‌ای، یک عده‌ای دغدغه داشته باشند؛ دغدغه داشتن جرم نیست؛ دلوپس بودن جرم نیست. می‌توانند کسانی حقیقتاً نسبت به یک مسأله مهم و حساس کشور، احساس دلوپسی و دغدغه‌مندی کنند؛ هیچ مانعی ندارد، اما این به معنای متهم کردن نباشد، به معنای نادیده گرفتن زحمات و خدمات نباشد. از آن طرف هم دولت و طرفداران دولت به کسانی که ابراز دغدغه و دلوپسی می‌کنند، بایستی اهانتی نکنند».

بزرگ‌ترین معروف‌ها از نظر معظم‌له دارای مصادیق زیر است:

ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی؛ حفظ عزت و آبروی ملت ایران،

اعتلای فرهنگ، سلامت محیط اخلاقی، سلامت محیط خانوادگی، تکثیر نسل و تربیت نسل جوان آماده برای اعتلای کشور، رونق دادن به اقتصاد و تولید، همگانی کردن اخلاق اسلامی، گسترش علم و فناوری، استقرار عدالت قضایی و عدالت اقتصادی، مجاهدت برای اقتدار ملت ایران و فراتر از آن، اقتدار امت اسلامی و تلاش و مجاهدت برای وحدت اسلامی.

امام خامنه‌ای در لزوم حمایت ملت از دولت هم فرموده‌اند:

«دولت‌ها در نظام اسلامی باید مورد حمایت مردم قرار بگیرند؛ حتی از سوی آن کسانی که به این شخص خاص در دولت رأی ندادند هم باید مورد پشتیبانی و حمایت قرار بگیرند؛ این حرف حقیقی و لب معنای انسجام اجتماعی و ملی در کشور اسلامی ما است. همه باید به عنوان یک واحد، با دولتی که مسئول کار و بر سر کار است اتحاد کلمه نشان بدهند و به آن کمک کنند؛ مخصوصاً در آن مواردی که کشور با مسائل مهم و چالش‌های مهمی روبه‌رو است».

چیستی و تعریف همدلی و هم‌بانی

همدلی یعنی درک افکار و احساسات شخص دیگر، به احساس کسی وارد شدن و توانایی ادراک تجربه ذهنی و افکار فرد دیگر. به عبارتی همدلی یعنی توان «خود را جای دیگری گذاشتن و درک افکار و احساسات شخص دیگر»؛ این که فرد بتواند مسایل دیگران را حتی زمانی که در آن شرایط قرار ندارد، درک کند و برای نظرات و احساس‌های آنها ارزش و احترام قایل شود. هم‌بانی نیز به معنای زبان یکدیگر را فهمیدن، همفکری، یکرنگی و یگانگی در بیان و اظهار است که در برابر نفاق قرار دارد.

همدلی و هم‌بانی در وجوه سه‌گانه زیر قابل تصور خواهد بود:

۱. همدلی و هم‌بانی احاد ملت با یکدیگر؛

۲. همدلی و هم‌بانی ملت و دولت؛

۳. همدلی و هم‌زبانی مسئولان کشور با همدیگر.

چرایی همدلی و هم‌زبانی ملت و دولت

سال ۱۳۹۴ با توجه به مراحل حساس مذاکرات هسته‌ای در آغاز سال و دو انتخابات بسیار مهم مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری در پایان آن، سال بسیار مهمی برای ایران اسلامی خواهد بود که ضرورت همکاری و همراهی ملت و دولت را دوچندان می‌سازد.

اهمیت این همراهی ملت و دولت در سال جدید، به حدی است که امام خامنه‌ای از واژه "گسترده" برای این همکاری استفاده نموده و فرمودند: «امسال را باید سال همکاری‌های گسترده دولت و ملت دانست. من این شعار را برای امسال انتخاب کردم: دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی».

همدلی، همراهی و همکاری فراگیر میان ملت و دولت، می‌تواند علاوه بر خنثی‌سازی بسیاری از نیرنگ‌ها و توطئه‌های بیگانگان و مخالفان اقتدار ایران، موجب رشد، توسعه و پیشرفت کشور در همه ابعاد شده و اقتدار ایران اسلامی را تثبیت و تقویت نماید.

نامگذاری سال جدید با عنوان "دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی"، نشان می‌دهد که دولت در هر حال و حتی در صورت توافق نهایی با غرب و آمریکا در مذاکرات هسته‌ای نیز به همدلی و همکاری فراگیر ملت ایران برای تقویت خود و حفظ و نمایش اقتدار ایران در منطقه و جهان، نیازمند است. با رصد اوضاع داخلی و خارجی ضرورت و چرایی همدلی و هم‌زبانی ملت و دولت را می‌توان در محورهای زیر خلاصه نمود:

- ۱- برنامه‌ریزی دشمن برای جدایی مردم و مسئولان و ایجاد فتنه و آشوب (فشارهای اقتصادی برای هدف سیاسی است که با برهم زدن امنیت و حرکات اعتراضی مردم ایران را در مقابل نظام اسلامی قرار دهند؛

- ۲- خطر اختلاف داخلی در مسائل کلان و به خطر افتادن امنیت و استقلال کشور؛
- ۳- حل نشدن مشکلات اقتصادی جز با وحدت و همدلی ملت و دولت؛
- ۴- خطر سرگرم شدن به وعده‌های بیگانگان به جای استفاده از ظرفیت عظیم ملت و استحکام درونی با همکاری‌های صمیمانه میان ملت و دولت؛
- ۵- نیاز به همدلی و هم‌زبانی ملت و دولت برای استفاده از فرصت‌ها و مقابله با چالش‌های بزرگ در نیمه راه رسیدن به چشم‌انداز ۲۰ ساله ۱۴۰۴.
- امام خامنه‌ای در این زمینه تأکید فرموده‌اند:

«امروز دهه عدالت و پیشرفت از نیمه گذشته است. یک دهه را ما به‌عنوان دهه عدالت و پیشرفت معین کردیم و معرفی کردیم که از نیمه گذشته؛ بیست سال چشم‌انداز به نیمه رسید، بیست سالی که برای چشم‌انداز معین کردیم و سیاست‌گذاری کردیم، ده سال آن گذشته است؛ ده سال [دیگر] در مقابل روی ما است، اینها مسائل مهمی است؛ حساسیت مسائل اقتصادی با توجه به این واقعیتهای بیشتر می‌شود...».

هدف سیاسی از فشارهای اقتصادی

«دشمنان ما صریحاً می‌گویند که هدفشان از فشارهای اقتصادی یک هدف سیاسی است. هدف آنها این است که مردم ایران را در مقابل نظام اسلامی قرار بدهند... آمریکا آن عامل اصلی این فشارها است و خودشان هم اصرار دارند بر اینکه متمرکز بشوند روی اقتصاد ملت عزیز ما ... می‌خواهند این امنیتی که امروز در کشور ما هست را - که این امنیت، در منطقه غرب آسیا که ما در آن قرار داریم، بی‌نظیر است؛ ... به دست مردم از بین ببرند و مردم را وادار کنند به برهم زدن امنیت؛ و حرکات اعتراضی را در کشور شروع کنند؛ دارند تحریک می‌کنند، دارند کار می‌کنند، دارند برنامه‌ریزی می‌کنند.

این کاری است که باجدیت و با شدت به دنبال آن هستند؛ خب این یک شرایط مهم است، این یک چالش بزرگ است. وقتی یک چنین چالشی در کشور وجود دارد، همه نیروها باید در کنار هم قرار بگیرد، با هم کار کنند و مسأله اقتصاد را جدی بگیرند».

چگونگی همدلی و همزبانی:

برای تحقق همدلی و همزبانی لازم است زمینه‌های بروز رفتار همدلانه از سوی دولت و ملت فراهم شود؛ به ویژه تحمل افراد با دیدگاه‌های مختلف و مخالف، روابط بدون پرخاشگری و همراه با احترام برای دیگران حتی منتقدان.

همدلی بر اساس دیدگاه روان‌شناسان سه جنبه اصلی دارد که عبارتند از:
 (۱) خود را به جای دیگری گذاشتن از جنبه ادراکی (درک موقعیت از دیدگاه شخص دیگر)؛

(۲) خود را به جای دیگری گذاشتن از جنبه اجتماعی (پیش‌بینی و درک افکار، احساسات و اهداف شخص دیگر)؛

(۳) خود را به جای دیگران گذاشتن از جنبه عاطفی (شناخت احساسات دیگران و سهمیم داشتن خود در آن احساسات).

در یک کلام، راهبردهای تحقق همدلی و همزبانی که ضرورت دارد با اهتمام جدی و دوسویه دولت و ملت به اجرا در آید چنین است:

۱. اعتنای دولت به ملت، دولت «خود را جای ملت بگذارد» و با درک آرمان‌ها و مشکلات مردم به معنای حقیقی کلمه با ملت همدلی کند.

۲. اعتماد ملت به دولت، مردم «خود را جای دولت بگذارند» و با توجه به مسئولیت‌های سنگین آنها به معنای حقیقی کلمه با دولت همدلی کنند.

۳. مردم باید دولت را - و کشور را - از خود بدانند و اگر در هر زمینه‌ای نیازی جمعی وجود دارد آن نیاز را مانند نیازهای شخصی خود

جدی تلقی کنند و برای رفع آن همت و عزم نشان دهند.

نتایج همدلی و هم‌زبانی

از میان آثار و نتایج فراوان همدلی و هم‌زبانی دولت و ملت به برخی از آنها اشاره می‌نماییم که موارد زیر را در بر می‌گیرد:

۱. تقویت اعتماد متقابل بین ملت و دولت برای پاسداری از انقلاب و توانمند شدن برای رسیدن به اهداف؛

۲. قدرتمندتر کردن نظام جمهوری اسلامی در عرصه داخلی و خارجی؛

۳. دستیابی به ظرفیت عظیم ملت با همکاری‌های صمیمانه میان ملت

و دولت؛

۴. افزایش عزت و اقتدار ملی و درون‌زا؛

۵. افزایش آرامش حاکم در کشور؛

۶. مشارکت حداکثری در انتخابات امسال؛

۷. برداشتن گام‌های بزرگ در مسیر پیشرفت و دفع فشارهای دشمن؛

۸. کاهش فشار تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی؛

۹. رفع تهدیدها و خطرهای؛

۱۰. قدرت چانه‌زنی بالاتر در مذاکرات سیاسی و دفاع از منافع ملی؛

۱۱. گام‌های سریع‌تر برای دستیابی به توسعه متوازن و اهداف سند

چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی.

الزامات همدلی و هم‌زبانی

تحقق همدلی و هم‌زبانی دولت و ملت الزاماتی دارد که رعایت آنها از

سوی دولتمردان و احاد مردم ضروری است:

۱. رعایت احترام متقابل؛

۲. توجه هر دو طرف به حقوق و وظایف یکدیگر؛

۳. توجه به هدف مشترک و راه مشترک دولت و ملت؛
۴. درک درست از خواسته‌ها و مطالبات مردم؛
۵. شفاف‌سازی و بیان واقعیت‌ها برای مردم؛
۶. حداکثر تلاش مسئولان در رفع مشکلات مردم؛
۷. سپردن امور قابل واگذاری به دست مردم به خصوص در امور اقتصادی؛
۸. پذیرش جایگاه والای ملت و توانایی‌های عظیم آن از سوی دولت (از لحاظ رتبه استعداد انسانی و منابع طبیعی و...)
۹. استفاده از نیروی عظیم مردم در مسیر پیشرفت کشور و حل مشکلات؛
۱۰. اتکا به قدرت و امکانات درونی و نیروهای داخلی به عنوان «کلید حل مشکلات کشور»؛
۱۱. برآورده کردن انتظارات به حق مردم (کاهش گرانی و بیکاری و امید دادن به مردم)؛
۱۲. جلب اعتماد عمومی توسط دولت؛
۱۳. خودارزیابی انتقادی دولت به‌طور جدی؛
۱۴. نقادی دلسوزانه و منصفانه؛
۱۵. کمک مردم، جریان‌های سیاسی و شخصیت‌ها به دولت برای انجام وظایف سنگین خود؛
۱۶. اعتماد ملت به دولت و مسئولان؛
۱۷. اهتمام مردم برای یاری دولت و مشارکت فعال در همه زمینه‌های مورد نیاز.

پیشرفت اقتصادی در سال ۹۴

یکی از نکات بسیار مهم در پیام نوروزی امام خامنه‌ای را باید توجه مجدد

و جدی به اقتصاد و پیشرفت اقتصادی دانست. پیشرفت اقتصادی مورد نظر رهبر معظم انقلاب را نیز باید بخشی از نتیجه و ثمره همکاری و همراهی ملت و دولت دانست که فشارهای ناشی از تحریم غرب و اقدامات عربستان در کاهش قیمت نفت را کاهش داده و مانع بحران اقتصادی می‌شود.

ایشان با صراحت از پیشرفت اقتصادی به عنوان یکی از سیاست‌های راهبردی سال ۹۴ سخن گفته و می‌فرمایند:

«در سال ۹۴ آرزوهای بزرگی برای ملت عزیزمان داریم که همه این آرزوها هم دست یافتنی است. آرزوهای بزرگ ما برای ملت در این سال، پیشرفت اقتصادی است...».

امام خامنه‌ای برای دستیابی به پیشرفت اقتصادی نکات مهمی را تذکر دادند که از قرار زیر است:

۱. توجه به جنگ اقتصادی دشمن و تلاش جهادی در برابر آن

«من چند نکته را در باب اقتصاد عرض می‌کنم. نکته اول این است که امروز عرصه اقتصاد، به خاطر سیاست‌های خصمانه آمریکا، یک عرصه کارزار است، یک عرصه جنگ است، جنگی از نوع خاص. در این عرصه کارزار، هر کسی بتواند به نفع کشور تلاش کند، جهاد کرده است...».

۲. نگاه به درون به جای نگاه به بیرون

«نکته دوم این است که در نگاه کلان به اقتصاد کشورمان دو جور نگاه وجود دارد. یک نگاه می‌گوید که ما پیشرفت اقتصاد را باید از ظرفیت‌های درون کشور و درون مردم تأمین بکنیم. ظرفیت‌های بسیار زیادی در کشور وجود دارد که از این ظرفیت‌ها یا استفاده نشده است یا درست استفاده نشده است؛ از این ظرفیت‌ها استفاده کنیم؛ [یعنی] اقتصاد درون‌زا؛ اقتصادی که مایه خود و ماده خود را از درون کشور و از امکانات کشور و از توانایی‌های مردم خودمان به دست می‌آورد.

نگاه دوم به اقتصاد کشور نگاه به پیشرفت اقتصاد با استفاده از کمک بیرون از مرزها است؛ می‌گویند سیاست خارجی‌مان را تغییر بدهیم تا اقتصاد ما درست بشود، با فلان مستکبر کنار بیاییم تا اقتصاد رونق پیدا کند، تحمیل قدرت‌های مستکبر را در بخش‌های گوناگون و مسائل گوناگون بپذیریم تا اقتصادمان رونق پیدا کند؛ ... امروز شرایط کشور به ما نشان داده است که این نگاه دوم یک نگاه کاملاً غلط و عقیم و بی‌فایده است. همین تحریم‌هایی که امروز علیه ملت ایران اعمال می‌شود، دلیل محکم و متقنی است بر غلط بودن این نگاه؛ یعنی شما وقتی که به امید قدرت‌های خارجی نشستید تا آنها بیایند اقتصاد شما را رونق بدهند و با زیر بار آنها رفتن، اقتصاد را رونق بدهید، آنها به حد کم قانع نیستند.... مواجه می‌شوید با یک مسأله‌ای مثل کاهش قیمت نفت؛ ناگهان قدرت‌های مستکبر با همراهی ایادی منطقه‌ای خودشان متأسفانه به این نتیجه می‌رسند که قیمت نفت را به نصف و گاهی کمتر از نصف برسانند... امروز خارجی‌ها و رؤسای قدرت‌های مستکبر می‌خواهند همین نگاه دوم را در مردم ما تقویت کنند».

۳. تأکید چند باره بر اقتصاد مقاومتی

«این اقتصاد مقاومتی ای که ما عنوان کردیم و مطرح کردیم و خوشبختانه مورد قبول و استقبال همه صاحب نظران قرار گرفت ناظر به همین است؛ یعنی ناظر به امکانات درونی کشور. وقتی که اجازه نمی‌دهند که شما برای زمین خودت از بیرون آب بیاوری، باید چاه حفر کنی و از درون زمین خودت آب بیرون بیاوری تا محتاج آب آن همسایه ی بخیل نباشی؛ باید از درون خودت استمداد کنیم و بتوانیم کارها را پیش ببریم».

شایان ذکر است مفهوم اقتصاد مقاومتی با استفاده از بیانات امام خامنه‌ای

یعنی:

مقاوم‌سازی پایه‌های اقتصاد و کاهش آسیب‌پذیری در برابر فشارها و

دشمنی‌ها با تکیه بر مردم و ظرفیت‌های داخلی برای رشد اقتصادی درون‌زا و عدالت‌محور.

۴. هدف‌گذاری و بسیج همه دستگاه‌ها و امکانات

«نکته سوم؛ نه در اقتصاد و نه در هیچ برنامه دیگری، بدون هدف‌گذاری نمی‌شود حرکت کرد، باید هدف‌گذاری بشود. اگر در هر کاری بدون هدف‌گذاری مسئولان دولتی حرکت کنند و پیش بروند، کار به روزمره‌گی خواهد رسید؛ به نتیجه نمی‌رسد. هدف‌گذاری مشخص و ثابتی باید وجود داشته باشد که به سمت آن هدف، همه دستگاه‌ها را و همه امکانات را بسیج کنند».

۵. تقویت تولید داخلی

«به نظر بنده آن چیزی که امسال و سال‌های بعد از این باید به‌عنوان هدف اقتصاد مورد توجه باشد، عبارت است از سرمایه‌گذاری بر روی تولید داخلی. همه تلاش‌ها از سوی همه باید برای تقویت تولید داخلی بسیج بشود. از همه مسئولانی که در زمینه‌های اقتصادی فعالیت دارند و از همه آحاد مردم باید مطالبه بشود که به مسأله تقویت تولید داخلی کمک کنند».

۶. تحریم با تدبیر و عمل درست بی‌اثر می‌شود

«نکته چهارم در زمینه اقتصاد این است که تحریم تنها ابزار دشمن است، این را بدانند. تنها ابزار دشمن برای مقابله با ملت ایران امروز عبارت است از تحریم؛ اگر ما درست عمل کنیم، با تدبیر عمل کنیم، تحریم می‌تواند بی‌اثر بشود... همین فاز دوازدهم پارس جنوبی و همین پیشرفت‌های نظامی و همین پارک‌های علم و فناوری و امثال اینها کارهایی است که می‌تواند این جور تحریم را از بین ببرد؛ اثر تحریم را اول کاهش بدهد، بعد هم از بین ببرد... تحریم به ما نشان داد که باید به خودمان متکی باشیم و به ما ثابت کرد که می‌توانیم از نیروهای درونی خودمان استفاده کنیم. اگر مسئولین

دولتی و آحاد مردم و به خصوص فعالان بخش‌های اقتصادی همت بکنند، تلاش بکنند و دستگاه‌های رسانه‌ای عمومی هم کمک بکنند ان شاء الله خواهیم دید که تحریم قادر نخواهد بود که ملت ایران را از پیشرفت باز دارد."

مطلب مهم و قابل توجه اینکه به اعتقاد عموم صاحب‌نظران اقتصادی، تحریم‌ها عامل اصلی برهم‌خوردگی وضعیت اقتصادی ایران نیست و مشکلات ریشه‌ای اقتصاد در کشور ما که بیش از ۷۰ درصد آن منشأ داخلی دارد با فرض رفع تحریم‌ها پابرجاست. از جمله مسائل ریشه‌ای که بلای جان اقتصاد ایران شده عبارتند از:

۱. نقش بیمارگونه و بنگاهداری بانک‌ها در اقتصاد؛
۲. نفت‌محوری در بودجه و نقش کمرنگ مالیات در اقتصاد؛
۳. دولتی بودن عمده فعالیت‌های اقتصادی؛
۴. ضعف مبارزه ساختاری با دلالی و فساد اقتصادی؛
۵. عدم شفافیت اقتصاد در حوزه زمین و مسکن، حساب‌های بانکی، زنجیره توزیع؛
۶. واردات‌محوری و خام‌فروشی.

ظرفیت‌ها و توانایی‌های مهم درونی برای مقابله با چالش‌ها

بیان امام خامنه‌ای در باره ظرفیت‌ها و فرصت‌ها برای مقابله با چالش‌های پیش رو چنین است:

«امروز، هم فرصت‌های بسیار بزرگی داریم، هم چالش‌هایی در پیش روی ما است که بایستی با این چالش‌ها برخورد کنیم و با کمک این فرصت‌ها، بر این چالش‌ها به توفیق الهی پیروز بشویم.»

از مجموع بیانات معظم‌له، ظرفیت‌ها و فرصت‌های متعددی برای مقابله با

چالش‌ها قابل استخراج است که نمونه‌هایی از آنها را بیان می‌کنیم:

۱. وجود نیروی انسانی کارآمد و مبتکر؛
۲. همراهی مردم و جوان‌ها با نظام و هدف‌های نظام و امام بزرگوار با وجود بمباران و تخریب شبانه‌روزی به‌وسیله رسانه‌ها و فضای مجازی؛
۳. پیشرفت‌های دفاعی، صنعتی، علمی و فناوری چشمگیر در دوران تحریم و فشار دشمنان؛
۴. امکان کشت و زرع چهارفصل در کشور؛
۵. جاذبه‌های گردشگری فراوان.

راهکارهای رشد اقتصادی

امام خامنه‌ای در خصوص رشد اقتصادی کشور راهکارهایی را ارائه فرموده‌اند که در یک نگاه کلی موارد زیر را شامل می‌شود:

الف) راهکارهای مربوط به دولت

۱. تقویت تولید داخلی؛
۲. حمایت از بنگاه‌های تولیدی متوسط و کوچک؛
۳. تقویت فعالیت‌های بنگاه‌های دانش بنیان که به اقتصاد ملی کمک کنند؛
۴. کاهش خام‌فروشی و ایجاد ارزش افزوده؛
۵. تسهیل سرمایه‌گذاری و کاهش واردات کالاهای مصرفی؛
۶. مبارزه جدی با قاچاق و مفساد اقتصادی؛
۷. تدبیر درست برای مقابله با تحریم با استفاده از نیروهای درونی؛
۸. اجرای اقتصاد مقاومتی و مطالبه آن از مسئولان دستگاه‌های زیرمجموعه دولت.

ب) راهکارهای مربوط به مردم

۱. سرمایه‌گذاری در تولید توسط مردم توانمند؛

۲. مصرف محصولات داخلی؛
۳. پرهیز از اسراف و ریخت و پاش، چه آب، چه نان، وسایل تشریفاتی
- زیادی در مهمانی‌ها، در عقدها، در عروسی‌ها؛
۴. صحت عمل در تجارت و دادوستد خارجی؛
۵. اهتمام به اقتصاد مقاومتی و مطالبه آن از مسئولان.

لزوم صرفه جویی ملی و اصلاح مصرف

برای اجرا شدن اقتصاد مقاومتی یکی از کارهای اساسی، صرفه‌جویی ملی و اصلاح الگوی مصرف است که علاوه بر مسئولان، تمام مردم نیز در این زمینه وظایفی بر عهده دارند.

سالانه ۶۶ میلیارد دلار واردات رسمی داریم که با ۲۰ میلیارد دلار قاچاق کالا روی هم ۸۶ میلیارد دلار می‌شود، اگر نصف چیزهای بی‌فایده‌ای که نیاز به واردات آنها نیست را حذف کنیم، همین کار بخش زیادی از نیاز ما به ارز را از بین می‌برد.

۱۰ تا ۱۲ میلیارد واردات مواد غذایی داریم که می‌توانیم با توجه بیشتر به بخش کشاورزی این واردات را حذف کنیم.

به جای اینکه نفت را خام بفروشیم باید آن را به فرآورده و محصولات مصرفی تبدیل کنیم، اگر یک میلیون بشکه نفت به محصول تبدیل شود بیکاری در ایران نخواهیم داشت.

معوقات بانکی و فرار از مالیات‌های فراوانی داریم که می‌تواند نیازهای زیادی را رفع کند.

هزینه‌های بسیار کلانی که مردم دارند و قابل تأمل است! به عنوان

مثال:

مردم ایران، سالانه ۶۲ میلیارد نخ سیگار دود می‌کنند که حدود ۴۰ درصد

آن نیز قاچاق وارد کشور می‌شود. اگر متوسط هر نخ سیگار ۷۰ تومان محاسبه گردد، این رقم بالغ بر ۴ هزار و ۳۴۰ میلیارد تومان می‌شود. رئیس دبیرخانه ستاد کشوری کنترل و مبارزه با دخانیات در ۱۶ اسفند ۱۳۹۳ گفت: در ۴۰ سال آینده جزء سه کشور اول مصرف دخانیات در جهان خواهیم شد. طبق آمار رسمی سالانه یک میلیارد و سیصد میلیون دلار لوازم آرایشی و بهداشتی (نه دارو) وارد کشور می‌شود که فقط ۲۰۰ میلیون دلار آن به صورت قانونی است. این رقم نزدیک به دو هزار میلیارد تومان می‌شود؛ یعنی با این رقم می‌توان یک شهر جدید با ظرفیت حدود ۲۰ هزار واحد مسکونی ۱۰۰ متری ساخت. و این هزینه فقط مربوط به یک سال مصرف لوازم آرایشی و بهداشتی است.

اگر مجموع زائران ایرانی در حج تمتع و عمره فقط سالانه یک میلیون نفر باشند و هر نفر فقط و فقط ۱۰۰۰ دلار سوغات [عمدتاً چینی یا کره‌ای و در نهایت ترکیه‌ای] از مکه و مدینه خریداری نماید - البته متوسط شاید بیش از دو برابر باشد - هر ساله بیش از یک میلیارد دلار، یعنی ۱۴۰۰ میلیارد تومان صرف خرید بنجول‌ترین و بی‌کیفیت‌ترین کالاهای دنیا می‌شود.

* مجموع همین سه رقم، سالانه نزدیک به سه هزار میلیارد تومان را به خود اختصاص می‌دهد که بخش عمده این پول از کشور خارج می‌شود و به جیب بازار خارج ریخته می‌شود. و هزینه‌های اسراف‌ی دیگر مانند مراسم عقد، عروسی، جهیزیه، ولیمه، حنابندان، جشن فارغ التحصیلی، مراسم تشریفاتی در تالارهای گران تا نفری ۱۵۰ هزار تومان، سفرهای سیاحتی داخلی و خارجی، خرید سوغات از کشورهای متفاوت و ... قابل محاسبه نیست.

ایرانیان سالانه بیش از سه میلیارد تومان نوشابه استفاده می‌کنند. از نظر سرانه مصرف نوشابه گازدار، رتبه‌های اول جهان را داریم.

ایران در سال ۱۳۹۱ رتبه اول مصرف آدامس در جهان را کسب کرد! که

عمده آدامس‌ها نیز وارداتی بوده است.

بنابر این یکایک مردم نیز بایستی در این زمینه احساس مسئولیت کنند و با اصلاح رفتار خود مقدمات رشد و پیشرفت جامعه را فراهم نمایند؛ چراکه رفتار اجتماعی برآیند رفتارهای فردی است و رفتارهای فردی سازنده رفتارهای اجتماعی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

مجموعه‌ای از عوامل از جمله اقتضائات داخلی، شرایط منطقه‌ای و مسائل بین‌المللی در سال ۱۳۹۴ وضعیت خاصی را به وجود می‌آورد که جز همدلی و هم‌بانی دولت و ملت نمی‌تواند زمینه را برای نیل به آرمان‌ها و اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی فراهم نماید. بنابر این همدلی و هم‌بانی دولت و ملت، نقشه راهی است که موفقیت نظام اسلامی را در مسیر حرکت به سوی اهداف خود تضمین می‌کند.

اهمیت و ضرورت همراهی ملت و دولت در سال ۱۳۹۴ با در نظر گرفتن مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱+۵ و دو انتخابات تعیین‌کننده برای سرنوشت کشور از یک طرف و توطئه‌های بیگانگان و مخالفان اقتدار ایران اسلامی به‌ویژه برنامه دشمنان برای به آشوب کشیدن کشور از راه مطالبات اقتصادی مردم از طرف دیگر کاملاً آشکار و نمایان خواهد شد.

همدلی، هم‌بانی و همکاری فراگیر میان ملت و دولت، می‌تواند ضمن حل بخش زیادی از مشکلات مردم، موجبات رشد و پیشرفت کشور را در همه ابعاد رقم بزند و در نهایت اقتدار ایران اسلامی را بیش از پیش به نمایش بگذارد. البته در صورتی که عموم مسئولان و آحاد ملت شریف ایران با نگاه فرصت‌محور و استفاده حداکثری از فرصت‌های درونی نظام اسلامی به الزامات و راهبردهای همدلی و هم‌بانی توجه کنند و با عزمی راسخ، آنها را در عمل پیاده کنند.

مقایسه خواص صدر اسلام با خواص دوره انقلاب^۱

در این برهه از زمان با شرایط حساس، استثنایی و پیچیده‌ای در تاریخ درخشان اسلام مواجه هستیم. عصر ما با هیچ دوره‌ای قابل مقایسه نیست. هیچ موقع گستره حق و باطل تا این حد وسیع نبوده است. یک طرف، انقلاب اسلامی ایران و اراده ولی فقیه و ملت ایران، طرف مقابل جبهه‌ای از کفر، شرک، نفاق و ارتجاع می‌باشد. از یک طرف عمق راهبردی ما، مناطقی را در نوردیده است که باعث اعتراف نخست‌وزیر رژیم اشغالگر می‌شود ایشان در کنگره آمریکا می‌گوید ایران چهار کشور و چند بندر مهم زیر نفوذ دارد. قضیه دیگر، اکنون با شرایط دیپلماسی فرسایشی در مذاکرات هسته‌ای مواجه هستیم.

مهم‌ترین تهدیدات از دیدگاه نماینده ولی فقیه

(۱) صحنه داخلی؛

(۲) صحنه منطقه‌ای؛

(۳) صحنه داخل سپاه.

در عرصه منطقه: مهم‌ترین خطر تقابل سه اسلام انحرافی در برابر اسلام راستین و اسلام نابی که انقلاب اسلامی پرچم‌دار آن است.

(۱) اسلامی که از تریبون عربستان به دنیا معرفی می‌شود.

(۲) اسلامی که از تریبون ترکیه معرفی می‌شود، اسلام سکولاریزه‌شده و مصلح‌شده‌ای که دارد از آن ترویج می‌شود.

^۱ - متن سخنرانی حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین سعیدی نماینده محترم ولی فقیه در سپاه

در همایش هادیان سیاسی ویژه بسیج ۱۳۹۳/۱۲/۱۳

۳) نوع سوم از اسلام بدلی، اسلام شیعی افراطی است که با دو رویکرد مطرح می‌شود:

رویکرد اول: مقابله مستقیم و صریح با مقدسات دیگر فرق مسلمان؛

رویکرد دوم: ترویج عزاداری به شیوه خشن و غیر متعارف.

ضرر ترویج عزاداری بی‌خاصیت و خنثی با شیوه خشن از برخی فرقه‌های افراطی برای تشیع کمتر نیست. این یکی از دست‌پخت‌های استعمار دشمن بود که متأسفانه برای خراب کردن چهره اسلام و شیعه، این روش را طراحی کردند و این طرح را دارند اجرا می‌کنند. از یک طرف باید با اسلام تکفیری و اسلام سکولاریزه‌شده مقابله کنیم و از طرف دیگر با اسلام شیعه افراطی باید به مقابله برخیزیم.

ما با پدیده‌ای روبه‌رو هستیم به نام تکرار تاریخ، حوادث، فتنه‌ها. چرا فتنه‌ها تکرار می‌شود، چرا تاریخ تکرار می‌شود. تاریخ که فقط برای خواندن نیست. تاریخ برای عبرت گرفتن است. برای درس گرفتن است. بنده معتقدم مهم‌ترین تهدیدی که متوجه انقلاب هست تکرار تاریخ، تکرار فتنه‌ها و تکرار حوادث است.

به طور کلی همه انبیا و رهبران الهی نگران میراث بعد از خودشان بودند. زحماتی را می‌کشیدند تا دست‌آورد مهمی در قالب نرم‌افزار توحیدی در قالب میراث الهی به وجود بیاورند. وقتی می‌خواستند از دنیا بروند به شدت نگران بودند که بعد از خودشان چه بلایی بر سر این میراث‌شان بیاید. لذا بسیاری از رهبران الهی توصیه‌های اکیدی را به اطرافیان خود داشتند.

مخاطبان توصیه‌های رهبران الهی:

۱) خطاب به فرزندان

رهبران الهی از فرزندان و طبقه اول بستگان نگران بودند که چگونه از

میراث پس از خودشان نگهبانی می‌کنند.

۲) خطاب به نوه‌ها

دسته دوم مخاطبان رهبران الهی نوه‌های آنها بود که چه دستی بر نرم‌افزار ببرند و با اصول و مبانی چگونه برای منافع و مصالحشان بازی کنند.

۳- خواص

رهبران الهی، خواص را مورد خطاب قرار دادند. چون خواص از جایگاه کاریزماتیکی برخوردارند و برای حفظ موقعیت‌شان از این جایگاه معنوی و کاریزماتیک سوءاستفاده می‌کنند.

۴) مردم

دسته چهارم مخاطبان رهبران الهی مردم هستند که چگونه با امانت الهی را تحمل نمایند. لذا قرآن می‌فرماید: وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ خداوند این دین ارزشی را برای شما برگزید مبدا این سرمایه را از بین ببرید (بقره: ۱۳۲).

در مورد هارون می‌فرماید: وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أُمْرِي این گوساله فتنه است، مواظب باشید در دام نیافتید ولی زیر بار نرفتند.

روایات

امام صادق (ع) از قول پیامبر اعظم نقل می‌کند.

وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَبَشِيرًا لِّتَرْكِبَنَ أُمَّتِي سَنَنَ مَنْ كَانَ قَبْلَهَا حَدُّو النُّعْلِ بِالنُّعْلِ حَتَّى لَوْ أَنَّ حَيَّةً مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ دَخَلَتْ فِي جُحْرٍ لَدَخَلَتْ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ حَيَّةٌ مِثْلُهَا (اکمال الدین صدوق، ص ۵۷۶).

همه حوادثی که برای بنی‌اسرائیل اتفاق افتاد در مورد امت من امکان

تحقق دارد. اگر ماری وارد یک سوراخی شده در مورد امت من هم وجود دارد. که این حدیث شامل دو تا پیام می‌باشد.

پیام اول: حوادث تاریخ قابل تکرار است.

پیام دوم: حوادث تاریخ قانونمند و فرمولایز است. مواظب باشید اشتباهات پیشینیان را تکرار نکنید

شما اگر بر خلاف قوانین و سنت‌های حاکم عمل بکنید شما هم شکست می‌خورید و سقوط خواهید کرد.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: افترقت الیهود علی احدى و سبعین فرقه و افترقت النصارى علی اثنین و سبعین فرقه و ستفترق امتی علی ثلاث و سبعین فرقه کلهم فی النار الا واحده (ملل و نحل شهرستانی، ج اول، ص ۲۱).

حضرت رسول مکرم اسلامی صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: یهودیان هفتاد و یک فرقه شدند، نصاری هفتاد و دو فرقه شدند، و این امت نیز هفتاد و سه فرقه خواهد شد که همه به جز یکی دوزخی‌اند.

حدیث چندتا پیام دارد.

پیام اول: تاریخ قابل تکرار است.

پیام دوم: بعد از هر رهبری پرچم‌هایی زیادی بلند می‌شود. نمی‌شود هفتاد پرچم حق باشد و هر کدام حرف خودشان را بزنند. ما اعتقادی به تکثرگرایی و پلورالیزم نداریم. وقتی حجت خدا در رأس حکومت است ملاک حقانیت هر حزب، هیأت، روحانی، مداح، حسینیه، به میزان پیوستگی با حجت خدا بستگی دارد.

بنابراین می‌فرماید که اگر پرچم‌ها لاله الا الله باشد برای مقابله با آنها باید بر خیزیم. اگر قرآن را سرنیزه کردند نباید گول بخوریم و این اشتباهات قابل

تکرار است و باید مواظب بود که به دام نیفتید.

علل نگرانی‌ها

چرا رهبران الهی از حوادث بعد از خودشان نگران هستند؟ این موضوع دو عامل دارد:

۱- انحراف در سازوکار، شرایط نحوه انتخاب رهبری و عملکرد آن؛

۲- انحراف در مکتب، آیین و شریعت.

انحراف در سازوکار، شرایط نحوه انتخاب رهبری و عملکرد آن

رهبران الهی سامانه‌ای را طراحی می‌کنند. این سامانه ساختار، سازمان، شرایط و معیار دارد. اگر بعد از پیامبر در این سامانه دستبرد و ربایش انجام گرفت، دیگر سامانه عمل نمی‌کند. اگر نصب الهی به نصب بشری تبدیل شد (الهیات آسمانی شد الهیات بشری)، دیگر آن چیزی که پیامبر آورده نیست تبدیل به ضد آن می‌شود. نگرانی رهبران الهی در ربایش عناصر نرم‌افزار بعثت است. نگرانی رهبران الهی دستبرد در ارکان و اصول حاکمیت دینی می‌باشد. این قطعات و اجزا به هم پیوسته است. اجزای حاکمیت دینی به هم پیوسته است و رمزنگاری شده است. اگر این قطعات تغییر کند جوابی که باید بدهد نمی‌دهد و به ضد آن تبدیل می‌شود. مدلی که پیامبر طراحی کرده مدل ولایتی است نه خلافتی، امارتی، سلطنتی، شاهنشاهی، جمهوری. لذا فلسفه‌ای که امام به بازرگان می‌گوید جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد همین است. نرم‌افزاری که رهبری مسئولیت دارد که پای آن بایستد جمهوری اسلامی است. فلسفه برخورد امام با منتظری همین است. فلسفه برخورد رهبری با روسا و کارگزاران قوه مجریه همین است. کسانی برصدد برآمدند با تئوریزه کردن برخی از اندیشه‌های انحرافی و التقاطی برخی از اجزای نرم‌افزار را جابه‌جا کنند. رهبری با آنها برخورد کرد.

وظیفه رهبری است که این کار را انجام دهد.

انحراف در مکتب، آیین و شریعت

دستبرد در شریعت و آیین. وقتی شخصیتی می‌گوید ما هنر غیرارزشی نداریم. این تحریف یک واژه است. چرا ما هنر غیرارزشی نداریم یعنی هر شعری ارزشی است؟ هر فیلم، تئاتر، مقاله‌ای، رمانی ارزشی است؟ دومین نگرانی این بود که بیایند طور دیگری این واژه‌ها را بیان کنند. تحریف در مفهوم اصول و ارزش‌ها به وجود بیاید.

يُحْرِقُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ

آقای می‌فرماید منظور رهبری در مورد سران فتنه، آمریکا و انگلیس بوده نه این عزیزانی که در حصر هستند. من نمی‌دانم اسم این آدم‌ها را چی می‌خواهیم بگذاریم. می‌گوید رهبری مشخص کرده است فرموده منظور از عوامل اصلی فتنه، آمریکا و اسرائیل هستند نه عزیزانی که در حصر قرار دارند.

يُحْرِقُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ؛ تحریف کلمات و سخنان رهبری یکی از انحرافات خواص بود؛ چه در عصر بنی‌اسرائیل باشد یا در عصر ارتباطات یا عصر حاکمیت ولی فقیه باشد فرقی نمی‌کند. سخن موسی را تحریف بکند یا سخن رسول‌الله یا سخن ولی فقیه را تحریف بکند، فرقی نمی‌کند.

عوامل انحراف

همان چهار دسته را عنوان کردم.

گاهی آقازاده‌ها و نوه‌ها و گاهی خواص و گاهی هم مردم.

اگر مردمی تحمل نرم‌افزار الهی را نداشته باشند نرم‌افزار منحرف می‌شود. همین‌طور که شد. ایه ۶۰ سوره بقره می‌گوید: اگر مردم تحمل نرم‌افزار بعثت را نداشته باشند سقوط می‌کنند.

قرآن می‌گوید: وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ
این غذای یکنواخت معده ما را خسته کرده است. فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ خَدَايْتَ را
بخوان.

يُخْرِجُ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا چرا
سبزی، خیار، عدس، لوبیا، سیر و پیاز نیست؟ چرا انقلاب نتوانسته این نیازها
را تأمین کند؟
این چه انقلابی است بابت هر مسأله‌ای بحث می‌شود که چه انقلاب
درست کردید.

رهبری می‌فرماید: أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ؟ آیا شما برای
سیر، پیاز، سبزی و خیار انقلاب کرده بودید. ملتی که تحمل بار سنگین
نرم‌افزار ندارد سقوط می‌کند لذا قرآن نتیجه این بی‌ظرفیتی را ذلت و پستی
دوباره آنان می‌داند و ضربت علیهم الذله و المسكنه.

مردم و خواص در عصر رسول الله

مردم و خواص عصر پیامبر^(ص) به فرمان‌ها و توصیه‌های رهبرشان توجه
نکردند و به رغم همه هشدارهای پیامبر، همان اشتباهات بنی اسرائیل را
پیشه کرده و همان‌طور که بنی اسرائیل در برابر هارون به مقابله برخاسته و
تحت تأثیر یک عنصر منحرف به نام سامری قرار گرفتند این عصر هم برخی
خواص به شکل دیگر تحت تأثیر خواص منحرف قرار گرفته و تسلیم
سامری‌های زمان شدند.

اگر بخواهیم مدعی شویم یک ملت استثنایی هستیم هر اشتباهی بکنیم و
خداوند جبران بکند این حرف اشتباهی است. همه قواعد، قوانین و سنت‌هایی
که در گذشته بوده در مورد ما هم حاکم است و ممکن است برای ما پیش
بیاید. اگر رهبری معظم شرایط را مساعد می‌دیدند مثل حکم میرزای شیرازی

خریدن جنس خارجی را تحریم می‌کردند. ولی با چه ظرافتی این مسأله را بیان می‌کنند. ایشان با چه زبانی بگوید جنس خارجی نخريد وقتی مشابه آن در داخل موجود است. بلکه قیمت تمام‌شده جنس در داخل ایران گران‌تر از جنسی است که از چین وارد می‌شود. بالاخره کلام رهبری همان کلام رسول الله است. مردم ما به حرف رهبری آنجا که صریح موضع بگیرند عمل می‌کنند. ولی این تعبیر را به عنوان یک حکم یا بحث‌اینکه می‌فرماید استحکام درونی نظام حکم است یا فتوا، این‌که رهبری می‌فرماید اقتصاد مقاومتی حکم است یا فتوا، این‌ها است که عذاب الهی را به دنبال دارد. رهبری می‌گوید دیگران بی‌خیال هستند.

استحکام درونی نظام، اقتصاد مقاومتی، صرفه‌جویی، نخريدن جنس خارجی عمده‌ترین رهنمودها و معنویات رهبری به ملت انقلابی است.

سؤال: آیا به رغم همه تذکرات تاریخی، آیا زمان ما هم ردپایی از تکرار اشتباهات خواص صدر اسلام وجود دارد یا نه؟

آیا به رغم تذکرات و هشدارها و تجربه‌های مکرر آزمون و خطای فراروی ما آیا تکرار اشتباهات گذشتگان قابل توجیه است؟ ما سه تجربه مملو از تلخ‌ها و شیرینی‌ها را فراروی خود داریم، که بیش از ۴۰ بار در قرآن در شش سوره از نوح سخن به میان آمده است. این آینه‌ای است برای بنی‌اسرائیل که اشتباهات نوح را تکرار نکنند. باز برای امت پیامبر اعظم ۱۳۲ بار در ۳۶ بار در مورد موسی بن عمران سخن گفته شده. برای امت پیامبر اعظم اشتباهات امت نوح و بنی‌اسرائیل را تکرار نکنند. دوباره گرفتار همان مصیبت‌ها شوند. ما یک تجربه تاریخی امت نوح را داریم که قرآن به تفصیل بیان کرده است. یک تجربه تاریخی امت موسی بن عمران و بنی‌اسرائیل را داریم و یک تجربه

بسیار طولانی ۲۵۰ سال عصر امامت و دوره پیامبر اعظم در برابر ما است. آن وقت روز قیامت حجت داریم. بگویم چرا به ولی فقیه دهن کجی کردیم؟ می‌خواهم ادعا کنم به توان دو همه اشتباهات بنی‌اسرائیل و عصر نبوی در زمان ما تکرار شده است. بدون تردید باید اینها گفته شود. باید بچه‌های سپاه و بسیج بفهمند در این کشور چه می‌گذرد تا کی ساکت و همین‌طور نظاره‌گر باشیم. یکبار دیگر یک انقلاب عظیم باین همه هزینه و بحث ۲۰۰ هزار شهید نیست، بلکه این انقلاب باید میراث همه انبیا را جامه عمل بپوشاند. قرار است این مردم به مراحل پایانی برسند. این قضیه هزینه سنگینی دارد باین عملکردی که ما داریم به مراحل بالاتر که هیچ در همان مراحل اولیه به مشکل بر می‌خوریم.

اشتباه یاران امام علی^(ع) چیست؟

اولین اشتباه: تفاوت در عملکرد در عصر پیامبر و عصر امام علی^(ع) و تکرار آن در عصر ما. بعد از رحلت پیامبر، پیروان پیامبر آمدند بین رهبری قبلی و رهبری بعدی مرزبندی کردند. گفتند حساب او با حساب رهبری بعدی جداست. پیامبر بنیانگذار انقلاب بوده و وحی مستقیم داشته است و علی^(ع) جوان و تجربه ندارد. علی^(ع) دشمن دارد.

صف‌بندی عوض شد یعنی خلق‌الله سه دسته شدند:

یک دسته بر محور امیرالمؤمنین، حرکت کردند. خواص پشت سر پیامبر به سه جریان با چند ده پرچم تبدیل شدند. یک جریان بر محور امیرالمؤمنین^(ع) قرار گرفتند در رأس آنها فاطمه‌الزهرا^(س) بود. زهرا^(س) به حضرت علی^(ع) چه می‌فرماید. ان کُنتَ فِی خَیْرٍ کُنتَ مَعَهُ و اِنْ کُنتَ فِی شَرٍّ کُنتَ مَعَهُ

یک دسته مقابل قرار گرفتند. طلحه و زبیر و دیگران و برخی منسوبین پیامبر آمدند در برابر حجت خدا ایستادند. سومین جریان که خطرناک‌تر از جریان دوم بودند آن کسانی که به عنوان مصلح، معتدل و اعتدالیون میدان‌دار صحنه شدند. اینها چه کسانی هستند؟ ترکیب آنها ترکیب عجیبی است. دقیقاً ما در همین عصر خودمان این ترکیب را می‌بینیم. در آن سردار، ملا، مجتهد، سیاسی و غیره است. عبدالرحمان بن عوف، ابوموسی اشعری، عبدالله عمر، زید بن ثابت، اسامه بن زید اینها جزء کسانی بودند که در جبهه اعتدال قرار گرفتند و گفتند نه علی^(ع) نه طلحه و زبیر اینها فرقه‌ای و باندی هستند. ما مصلحیم و ما معتدلیم، ما اعتدالی هستیم. آن وقت جریان سکولار زاییده شد. اینها شدند سکولار و آنها شدند ضد ولایت. آن وقت مسجد سکولار درست شد. شما امروز این صحنه‌ها را نمی‌بینید؟ بعد از امام گفتند چرا به رهبر بعدی می‌گویید رهبری انقلاب. رهبر انقلاب امام بوده است. امام بنیانگذار بوده امام از مردم رأی خود را گرفته است. یک چیزهایی گفتند. امام^(ه) می‌فرماید: اگر مجتهدی مقتضیات زمان را نشناسد، نقش زمان و مکان را در تغییر وضع موجود توجه نکند مجتهد نیست. آن وقت معیار اجتهاد و جمع‌بندی آن چیست به چه کسی مجتهد می‌گویند. با چه امتیازاتی مجتهد می‌تواند جوامع امروزی را مدیریت کند. مرجعی که نه تلویزیون می‌بیند نه روزنامه می‌خواند نه رادیو گوش می‌کند، چگونه می‌خواهد جهان اسلام را رهبری بکند. چرا ما معیارها را در هم می‌ریزیم. چرا در معیارها از زمان و مکان غفلت می‌کنیم. روحانی نمی‌تواند بگوید من در سیاست دخالت نمی‌کنم. امروز ما متغیرهایی را در زمان و مکان می‌بینیم که اگر براساس همان معیارهای ۵۰۰ سال قبل فتوا داده بشود کلی مشکل به وجود می‌آید.

باید زمان و مکان را در تشخیص موضوع دخیل دانست. بعد حکم روی

موضوع قرار می‌گیرد. امروز مسجد، مداح، هیأت، روحانیت، سیاسی، بازاری بی تفاوت وجود دارد که مشکل جامعه ماست. امام می‌فرماید: ولایت فقیه ولایت رسول الله است. اگر امیرالمؤمنین در رأس حکومت است معیار سنجش مسجد، هیأت، مرجع، حزب، سازمان، گروه، به میزان پیوستگی با رهبری الهی بستگی دارد.

دومین اشتباه: تفاوت در مرزبندی بین جایگاه اختیارات پیامبر و

امیرالمؤمنین^(ع)

گفتند مگر اختیارات امیرالمومنین با اختیارات پیامبر یکی است. چه کسی می‌گوید تبعیت از علی مثل تبعیت از پیامبر است. برای تخریب اذهان مردم زیر عبای پیامبر علیه حجت خدا جانشین پیامبر سnger گرفتند. زیر عبا و نام پیامبر سnger گرفتند که امیرالمومنین را قربانی کنند. گفتند اختیارات علی^(ع) با پیامبر قابل مقایسه نیست. شئونات علی^(ع) با پیامبر قابل مقایسه نیست. تبعیت هم همین‌طوری است. همین اشتباه در عصر کنونی هم تکرار شد. بین امام^(ه) و رهبری معظم «مدظله‌العالی» مقایسه کرده و تفاوت قایل شدند در حالی که هیچ تفاوتی در اصول، مبانی و اختیارات بین امام و رهبری وجود ندارد.

امور مشترک رهبران الهی

در چهار مسأله همه رهبران الهی مشترک هستند. در چهار امر پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین و حضرت امام^(ه) و مقام معظم رهبری هیچ تفاوتی وجود ندارد.

(۱) رسالت:

رسالت همه یکسان است. رسالت سه بخش را شامل می‌شود:

الف) رسندن پیام خدا به مردم:

یعنی شریعت و آئین الهی را به مردم و جامعه معرفی نماید. که این شریعت الهی سه بخش دارد؛ اعتقادات، احکام و اخلاق.

ب) عملیاتی سازی رسالت:

تشکیل دولت، ساختار سازی؛ از دیگر رسالت رهبران الهی است. بدون دولت و قدرت نمی شود بتها را از خانه کعبه برداشت. آنهایی که نمی فهمند حکومت دینی سیستم و نظام ندارد. مگر پیامبر اکرم می توانست بدون قدرت حکومت ۳۶۰ بت را از خانه کعبه پاک بکند. مگر می شود بدون قدرت و حکومت زمینه اصلاح جامعه را فراهم کرد.

ج) صیانت:

صیانت یعنی پاسداری از دین، شریعت و حکومت دینی، جلوگیری از انحرافات در دین و شریعت و مقابله با تهاجم به حکومت دینی، و حفظ و صیانت دین بر عهده رهبران الهی است.

۲- اختیارات در اداره امور مردم:

دومین امر مشترک اختیارات در اداره حکومت است. دومین رکنی که همه رهبران الهی مسئولیت دارند اختیارات در اداره امور مردم و ساماندهی آن می باشد.

نمی خواهیم بگوییم شئونات ولی فقیه با شئونات پیامبر یکسان است، اما در اداره حکومت فرقی بین رسول الله و امیرالمؤمنین و ولی فقیه نیست.

۳- تبعیت از رهبران الهی:

سومین رکن و جهت مشترک در رهبران الهی اطاعت است. در اطاعت هیچ فرقی بین رسول الله و ولی فقیه نیست. وجوب تبعیت و اطاعت از رهبری الهی در مورد همه رهبران یکسان است؛ یعنی همان طور که تبعیت از فرمان

پیامبر و امام معصوم واجب است به همان نسبت تبعیت از فرمان ولی فقیه واجب نیز است.

۴- نصب:

رکن چهارم مشترک بین رهبران الهی، نصب و سازوکار و چگونگی دستیابی به مسئولیت اداره مردم است که در هر حال به صورت نصب خواهد بود. اما نصب دو گونه است:

۴-۱- نصب تنصیصی (تصریحی، مصداقی) همانند نصب علی^(ع) توسط پیامبر^(ص) در روز غدیر

۴-۲- نصب توصیفی (چیزی که فقها تعیین می‌کنند) یعنی بیان اوصاف رهبری توسط پیامبر و ائمه و تعیین مصداق توسط خبرگان.

سومین اشتباه: تنزل تقابل بین علی^(ع) با طلحه و زبیر به اختلاف قومی: اختلاف بین امیرالمؤمنین و جبهه مقابل را به اختلاف سلیقه‌ای، قومی، قبیله‌ای و حزبی تنزل دادند. ابوموسی، عبدالله عمر و عبدالرحمن بن عوف نقش میدان‌داری به خود گرفتند، همین مسأله در بسیاری از فتنه‌ها و غائله‌ها در عصر ما تکرار شد و در فتنه ۸۸ اختلاف را به درگیری بین احمدی‌نژاد و موسوی تنزل دادند در حالی که تقابل بین حق و باطل بود.

چهارمین اشتباه: مطلق‌نگری نسبت به صحابه:

مطلق‌نگری نسبت به صحابه و همراهان پیامبر و تکرار آن در عصر ما. گفتند هر کسی نفس پیامبر به آن خورده است مصونیت دارد. هیچ گناه و خطایی مانع آن عصمت نیست. همین اشتباه در زمان ما تکرار شد. گفتند فلانی و غیره یار امام است تا جایگاه رهبر را تضعیف کنند؛ یعنی تسری کاریزماتیکی در مورد افرادی که متخلف هستند، طبیعی است که جایگاه رهبری تضعیف می‌شود. همین اتفاق در زمان امیرالمؤمنین افتاد. آمدند

گفتند یاران پیامبر و صحابه همه دارای حریم هستند هیچ کس حق ندارد به صحابه پیامبر بگوید مشکل دارید.

پنجمین اشتباه تکراری: سکوت خواص

سکوت خواص در برابر عوامل فتنه و فتنه‌ها و تکرار آن در عصر ما. در عصر علوی جمعی از خواص همچون عبدالله عمر، ابوموسی، زید بن ثابت، اسامه بن زید و عبدالرحمن بن عوف به عنوان بی‌طرف، میدان‌داری نموده و در برابر فتنه جمل و فتنه‌های بعدی سکوت کردند. در فتنه ۸۸ همین اشتباه توسط خواص تکرار شد.

ششمین اشتباه تکراری: عدم توجه به عناصر پشت و روی صحنه در حوادث فتنه، زیارت عاشورا تحلیل پنجاه سال تاریخ است. پنج جریان را در براندازی دارد دنبال می‌کند. پنج مرحله براندازی را بیان می‌کند.

اولین جریان بنیانگذاران ظلم هستند. بعد ظالمین را جدا می‌کند. معلوم می‌شود فرق است بین بنیانگذاران ظلم و ظالمین. بنیانگذاران یعنی تئوریزه کردن اندیشه انحرافی، یک مسأله است. عملیات‌سازی اندیشه انحرافی، یک مسأله دیگر است. یک عده‌ای پشت صحنه نشسته تئوریزه می‌کنند، یک عده روی صحنه عمل می‌کنند یک عده کف خیابان آشوب می‌کنند. در فتنه سال ۸۸ سه لایه وجود داشت. عناصر پشت صحنه، عوامل روی صحنه و افراد کف خیابان.

عناصری که فتنه را طراحی کردند از ۶ تا ۸ ماه قبل کمیته صیانت از آرا تشکیل دادند، بعد ترکیب آن را درست کردند. پیگیری و سخنرانی کردند و در سخنرانی القای تقلب کردند. بعد هم ستاد ابطال را یک روز بعد از انتخابات در دفترشان تشکیل دادند.

اینها کسانی هستند که الان هم فعال هستند. آن دو تا در حصر هستند آنها که مرگ سیاسی دارند. افرادی که پشت صحنه بودند الان دو مرتبه فتنه‌های آینده را آماده می‌کنند. اینها تکرار شد بنا به تکرار آن نبود. ولی با کمال تأسف تکرار شد.

هفتمین اشتباه تکراری: عدم توجه به متغیرهای عصر نبوی و علوی:

زمان و مکان در ارائه تدبیر و ارائه حکم و مدیریت تأثیر دارد. عصر رسول‌الله شرایط خودش را داشت، عصر علوی شرایط خودش را دارد انسان‌های دگماتیزم بودند که نتوانستند این تفاوت‌ها را بفهمند. یکی از آنها ابوموسی اشعری است. او می‌گوید چرا امیرالمؤمنین با اهل قبله می‌جنگد. این جمود و تحجر است. بگوییم چرا پیامبر با اهل قبله نجنگید علی^(ع) می‌جنگد. لذا ما دخالت نمی‌کنیم این جنگ باطلی است. در حالی که باید ابوموسی اشعری تحولات زمان و مکان را در نظر می‌گرفت. فرق بین امیرالمومنین و پیامبر این است. پیامبر با کفر آشکار می‌جنگید. امیرالمؤمنین با کفر پنهان می‌جنگید. این را ابوموسی‌ها نفهمیدند. امروز هم با این مشکل مواجه هستیم. امام^(ه) با انحراف و کفر آشکار می‌جنگید رهبری با انحراف و کفر پنهان روبه‌رو است. این خیلی کار سختی است. نمی‌شود تشخیص داد، خیلی‌ها نمی‌فهمند.

تفاوت‌ها و متغیرهای عصر امام^(ه) با عصر رهبری

یک روزی مرز ما شلمچه و حاج عمران بود. امروز مرز ما تنگه باب‌المندب است. امروز مرز ما ساحل مدیترانه است. امروز مرز ما آمریکای لاتین است. نمی‌شود از امام^(ه) سوال بکنیم. آیا جنس خارجی امروز ما بخیریم یا خیر امام^(ه) می‌گوید من مال عصر خودم هستم. خود رهبری یک روزی تمام توجه ایشان روی تهاجم فرهنگی بود برای اینکه تمام مسأله این بود ولی امروز

ادبیات رهبری را ببینید تأکید بر استحکام درونی نظام و بر مسأله اقتصاد مقاومتی است؛ چون خطر امروز این است؛ چون آقایان به بیرون نگاه می‌کنند از بیرون می‌خواهند موضوع را حل بکنند. فقیه آن است که با توجه به زمان خطر را ببیند و حکم صادر کند و دستور بدهد.

هشتمین اشتباه تکراری: استحاله خواص با سابقه

دیروز یک چیزی می‌گفتند امروز یک چیز دیگر. آقای منتظری در زمان قائم مقامی، ولایت فقیه را طوری تعریف می‌کند و در زمان عزلش طور دیگری می‌گوید. الان خواص و سیاسیون طوری دیگری حرف می‌زنند.

نهمین اشتباه تکراری: نوع انتظارات از رهبری:

طلحه و زبیر به حضرت علی^(ع) عرض کردند ما حاضریم امامت تو را بپذیریم به شرطی که در اعمال ولایت شریک باشیم. ما حاضریم زیر بار شما برویم به شرطی که در اعمال ولایت شریک باشیم. حضرت فرمود: در اداره کشور کمک کنید نابسامانی‌ها را برطرف بکنید. وحدت را تقویت بکنید، ضعف‌ها را برطرف کنید آخر در اعمال ولایت که شراکتی نمی‌شود. تمام مشکل بعضی از بزرگان باسابقه همین است. می‌گویند ما باید در اعمال ولایت شریک باشیم. این خطرناک است.

دهمین اشتباه تکراری: دستبرد در ارکان نرم‌افزار بعثت و تصرف در

روند ارکان نظام الهی و تکرار آن در عصر ما:

یعنی هنجارشکنی و ساختارشناسی، در طول ۲۰۰ سال حکومت آمریکا هیچ‌کس از این کاندیداها به ساختار لیبرال دموکراسی حمله نکرده است. ولی کاندیدای مجلس، ریاست جمهوری، شورا با کمال وقاحت به ساختار نظامی که خدا طراحی کرده حمله می‌کند. آن نرم‌افزار هابز، منتسکیو و رسو بود، این نرم‌افزار برای ذات باری تعالی است. همان نرم‌افزاری که خداوند به پیامبرش

می‌فرماید.

رسول ما اگر تو را ثابت قدم نمی‌کردیم و ثبات نمی‌بخشیدیم به‌این سکولارها و لیبرال‌ها نزدیک می‌شدید و حرف‌های آنها را می‌زدید که دوست می‌داشتند. می‌دانید اگر می‌رفتید چه می‌شد. عذابت در دنیا دو برابر و آخرت دو برابر. محبوب‌ترین چهره، رسول‌الله است. این تهدیدآمیزترین تهدید برای پیامبر اسلام است؛ یعنی در این نرم‌افزار حق ندارید تصرف بکنید و در آن دست ببرید.

تفاوت برداشت از حکومت دین

دو برداشت در ذهن مسئولان از حکومت دینی است:

۱- حکومت مردم‌سالاری دینی؛

۲- حکومت دینی مردم‌سالار.

مردم‌سالاری دینی با دین مردم‌سالار دو چیز است:

۱- عقلانیت دینی؛

۲- عقلانیت ابزاری.

دو تا نگاه است عقلانیت دینی و ابزاری با هم تفاوت دارد.

دو برداشت متفاوت است.

برداشت حاملان وحی الهی و اهل بیت با برداشت اصحاب سقیفه متفاوت بود. امروز هم ما با همین مشکل مواجه هستیم. دو برداشت از حکومت دینی و ولایت فقیه وجود دارد.

ایمان و معنویت در اندیشه شهید مطهری

محمدابراهیم ساور

چکیده

ایمان دارای هویتی دو بعدی است و دو رکن فکری - عقلی و احساسی - عاطفی دارد؛ یعنی هم دارای بعد شناختی است و هم بعد گرایشی و عاطفی، اما حقیقت ایمان، تسلیم قلب است؛ بنابراین تسلیم زبان یا تسلیم فکر و عقل اگر با تسلیم قلب توأم نباشد، ایمان نیست. از نظر خاستگاه نیز ایمان هم از وحی الهی و هم سرشت و فطرت آدمی نشأت می‌گیرد. از منظر شهید مطهری ایمان مذهبی، آثار نیک فراوان دارد؛ چه از نظر تولید بهجت و انبساط خاطر، چه از نظر نیکو ساختن روابط اجتماعی و چه از نظر کاهش و رفع ناراحتی‌های ضروری. همچنین استاد مطهری بین ایمان و عمل، رابطه وجودی قائل است. به اعتقاد ایشان، بین ایمان و عمل صالح، یک همبستگی فزاینده وجود دارد؛ یعنی ایمان، عمل را به بار می‌آورد و عمل صالح، ایمان را تشدید و تقویت می‌کند و بین فسق، گناه و عمل سیئه با بی‌ایمانی حلقه معیوبه وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: ایمان، معنویت، گرایش، عمل صالح، شهید مطهری

مقدمه

بدون تردید شهید مطهری از جمله اندیشمندان و صاحب‌نظران برجسته اسلامی است که با طرح و تبیین دقیق معارف اسلام ناب محمدی بیشترین خدمات علمی و فرهنگی را به نسل‌های مختلف ارائه نمود. در تفکر استاد مطهری نوعی وحدت محسوس بین تئوری و رفتار وجود دارد. در آثار استاد مطهری صلابت و همبستگی خاصی بین اندیشه و عمل وجود دارد. به عبارت دیگر ابتکار عمل ایشان در ارایه اندیشه و فکر نو، و در عمل نیز منتج به

رفتارهای نوین و خلاقیت عملی در ایشان گردیده است. استاد مطهری فکر را در خلأ ایجاد نمی‌نمود، بلکه در عمل نیز آن اندیشه و فکر را محقق می‌ساخت. این یکی از ویژگی‌های استاد مطهری بوده است. ایشان قدرت تفکر فوق‌العاده‌ای دارا بود که در بین علمای متأخر و معاصر جهان اسلام، کمتر می‌توان ماندی برای آن یافت. قدرت اندیشه استاد مطهری در تمامی آثارشان برای مخاطبان ملموس و محسوس است. این قدرت فوق‌العاده ناشی از فهم درست از اسلام ناب می‌باشد که در آثار استاد به‌خوبی تجلی یافته است.

اندیشه‌های این عالم ربانی امروز هم در حوزه‌های مختلف فلسفی، کلامی، عرفانی و تربیتی هدایت‌کننده و راهگشاست. از این رو با توجه به شرایط فرهنگی جامعه و تهدیداتی که نسل جوان کنونی با آن مواجه است، نیاز به بازخوانی اندیشه‌های تربیتی و معنوی ایشان یک ضرورت به حساب می‌آید. موضوع ایمان و معنویت در اندیشه شهید مطهری گرچه در بسیاری از موارد با رویکرد کلامی مطرح شده است می‌تواند در حوزه تربیتی و اخلاقی دارای کاربرد فراوان باشد. آنچه که ارزش و جاذبه مباحث اخلاقی و تربیتی شهید مطهری و میزان اثرگذاری آن بر مخاطب را بیشتر می‌سازد، سیره عملی و معنوی ایشان است که می‌تواند الگویی ارزشمند برای همه باشد. استاد مطهری رحمه الله از معدود عالمانی است که علم و حکمت و عرفان را به هم آمیخته و از وجود خویش چهره‌ای نورانی و تابناک برای جامعه ظلمت‌زده زمان خود ساخت.

خلوت‌های عارفانه و عبادت‌های عاشقانه، یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت در زندگی ایشان بود. او آنچنان از لذت‌های معنوی سرمست می‌شد که ندای نماز شب وی دیگران را نیز متأثر می‌ساخت. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در این مورد می‌فرماید: «مرحوم مطهری رحمه الله یک مرد اهل عبادت، اهل تزکیه اخلاق و روح بود. من فراموش نمی‌کنم ایشان

وقتی مشهود می‌آمد، خیلی از اوقات به منزل ما وارد می‌شد، گاهی هم ورودشان در منزل خویشاوندان همسرشان بود. هر شبی که ما با مطهری رحمه الله بودیم، این مرد نیمه شب تهجد با آه و ناله داشت. یعنی نماز شب می‌خواند و گریه می‌کرد، به طوری که صدای گریه و مناجات او افراد را از خواب بیدار می‌کرد... بله، ایشان نصف شب نماز شب می‌خواند، همراه با گریه، با صدایی که از آن اتاق می‌شد آن را شنید! ... هر شب قبل از اینکه بخوابد گاهی در رختخواب و گاهی هم قبل از ورود به رختخواب قرآن می‌خواند. (حضرت عسکری علیه السلام طلایه دار عبادت و عرفان - عبدالکریم پاک‌نیا، صفحه ۱۰) بی‌تردید یکی از مهم‌ترین عوامل توفیق این عالم وارسته همان دعاها و مناجات‌های شبانه بود؛ به تعبیر حافظ:

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ از یمن دعای شب و ورد سحری بود
از آنجا که مقام معظم رهبری در پیام نوروزی خویش در ابتدای آغاز سال
با بیان آرزوهای بزرگ برای ملت ایران مهم‌ترین و سرفصل همه آرزوها را
ایمان و معنویت بر شمرده و فرمودند: «در سال ۹۴ آرزوهای بزرگی برای
ملت عزیزمان داریم که همه این آرزوها هم دست‌یافتنی است. آرزوهای بزرگ
ما برای ملت در این سال، پیشرفت اقتصادی است؛ اقتدار و عزت منطقه‌ای و
بین‌المللی است؛ جهش‌های علمی به معنای واقعی است؛ عدالت قضایی و
اقتصادی است؛ و ایمان و معنویت است که از همه مهم‌تر و پشتوانه همه آن
سرفصل‌های دیگر است» (۱۳۹۴/۱/۱). در این نوشتار تلاش گردید مباحث
مربوط به ایمان و معنویت با رویکرد اخلاقی و تربیتی در آثار استاد مطهری
بررسی شود. تا گامی در جهت تعالی معنوی جامعه و تحقق آرزوهای مقام
معظم رهبری برداشته شود.

مفهوم‌شناسی ایمان و معنویت

استاد مطهری به عنوان یک فیلسوف الهی در آثار ارزشمند خود به
شکل‌های گوناگون به بحث درباره ایمان پرداخته است. ایشان در مواضع

مختلف، در مقام تحلیل مفهومی و بیان هویت ایمان برآمده است که به نمونه‌های آن اشاره می‌کنیم:

۱- استاد در موضعی، ایمان را کار دل، تسلیم قلب، گرایش و عشق معرفی می‌کند و می‌نویسد: حقیقت ایمان، تسلیم قلب است؛ تسلیم زبان یا تسلیم فکر و عقل اگر با تسلیم قلب توأم نباشد، ایمان نیست (مجموعه آثار ۱۳۸۵ ج ۱ ص ۲۹۱). ایمان نوعی عشق است (یادداشت‌های استاد مطهری ۱۳۸۷ ج ۱۱ ص ۴۱۶).

۲- ایشان در موضعی دیگر ایمان را اعتقاد قلبی، اقرار به زبان و عمل با اعضا و جوارح می‌دانند. همچنین در موضعی دیگر می‌نویسد: ایمان در درجه اول آن گرایش اعتقادی و فکری و قلبی است؛ آن هم در حدی که در عمل، این دو خصیصه را داشته باشد که اقرار داشته باشد، نه انکار و نیز عمل کند به مقتضای آنچه که اعتقاد دارد و اقرار می‌کند (مجموعه آثار ۱۳۸۴ ج ۱۵، ص ۹۸۳).

۳- ایشان در بعضی موارد، ایمان را حقیقتی دارای دو بعد شناختی و احساسی معرفی کرده‌اند: ایمان یعنی اعتقاد و گرایش؛ ایمان یعنی مجذوب شدن به یک فکر و پذیرفتن یک فکر. مجذوب شدن یک فکر دو رکن دارد: یک رکنش جنبه علمی مطلب است که فکر و عقل انسان می‌پذیرد. یک رکن دیگر جنبه احساساتی آن است که دل انسان گرایش داشته باشد. (همان ۱۳۸۵ ج ۲۰ ص ۲۴۷). گرایش‌های والا و فوق حیوانی که در انسان وجود دارد، آنگاه که پایه و زیربنای اعتقادی و فکری پیدا کند، نام «ایمان» به خود می‌گیرد (همان ۱۳۸۵ ج ۲ ص ۲۴). ایمان مسأله‌ای است مبتنی بر آگاهی، ولی همراه با گرایش. ایمان یعنی تسلیم، یعنی خداآگاهی مقرون به گرایش و تسلیم در پیشگاه حق (همان ۱۳۸۳ ج ۲ ص ۴۶۵). ایمان بر هر چیزی عبارت است از تسلیم و تصدیق به واقعیت آن چیز آن طور که هست. علاوه بر عنصر شناخت و تسلیم، عنصر عشق هم ضروری است (یادداشت‌های

استاد مطهری ۱۳۸۷ ج ۱ ص ۴۰۷).

در این تفسیر، استاد مطهری هم قائل به بعد شناختی ایمان است و هم قائل به بعد احساسی و گرایشی آن؛ به عبارت دیگر، در این تفسیر یکی از ارکان ایمان، اعتقاد، شناخت و آگاهی است (مربوط به عقل و فکر) و رکن دیگر آن گرایش، تسلیم و عشق (مربوط به دل) است. در مواضع متعدد دیگری نیز این تعریف بیان شده است. بنابراین ایمان مورد نظر استاد مطهری، هویتی دو بعدی است و دو رکن فکری - عقلی و احساسی - عاطفی دارد؛ یعنی هم دارای بعد شناختی است و هم بعد گرایشی و عاطفی. دیدگاه ایشان در تعریف ایمان، دیدگاهی جامع‌نگر و خالی از انحصارگری است (احد فرامرزق‌راملکی، مفهوم‌سازی استاد مطهری از ایمان، ص ۱۶).

به اعتقاد فیلسوفان مسلمان، شناخت، ایمان است و آنها برای ایمان فقط هویت شناختاری قائل هستند. استاد مطهری تعریف حکمای مسلمان را نقد می‌کند و می‌نویسد: حکمای اسلامی که این نظر را قبول کرده‌اند، معتقدند که ایمان اسلامی یعنی شناخت جهان به طور کلی آن چنان که هست. آیا ایمان در قرآن یعنی فقط شناخت؟ ایمان به خدا یعنی فقط خدا را درک کردن؟ نه، درست است که شناخت رکن ایمان است، جزء ایمان است و ایمان بدون شناخت ایمان نیست، ولی شناخت تنها هم ایمان نیست. ایمان گرایش است، تسلیم است. در ایمان عنصر گرایش، عنصر تسلیم، عنصر خضوع و عنصر علاقه و محبت هم خوابیده است، ولی در شناخت، دیگر مسأله گرایش مطرح نیست (مجموعه آثار ۱۳۸۵ ج ۲۳ ص ۱۸۳ و ۱۸۷).

ایشان با چنین نگرشی، بین ایمان و شناخت، برخلاف بسیاری از حکما، تفاوت قائل می‌شوند و معتقدند که در ایمان عناصر گرایش، تسلیم، خضوع، علاقه و محبت وجود دارد؛ در حالی که در شناخت هیچ گرایشی نیست. ایشان برای تبیین این دلیل، مثال جالبی مطرح می‌کنند و آن این‌که در کشور مصر ممکن است بیش از صد نفر اسرائیل‌شناس وجود داشته باشد ولی

این به این معنی نیست که آن‌ها به دلیل شناخت از اسرائیل به آن گرایش داشته باشند، بلکه عملاً می‌بینیم که تنفر هم دارند (انسان کامل - ۱۳۶۲ ص ۷۰).

وجود شیطان با آن که خود کافر است ولی خدا را می‌شناسد و سال‌ها او را عبادت کرده و همیشه با خدا درباره قیامت صحبت می‌کند؛ در دیدگاه شیعه مطهری دلیل دیگری است بر این که ایمان اسلام فقط شناخت نیست. ایشان بر همین اساس استدلال می‌کنند: اگر ایمان فقط شناخت می‌بود، شیطان باید اول مؤمن باشد؛ ولی شیطان مؤمن نیست؛ چون این شناسنده جاحد است. یعنی می‌شناسد ولی در عین حال عناد می‌ورزد و مخالفت می‌کند. در مقابل حقیقتی که می‌شناسد تسلیم نیست؛ به آن حقیقت علاقه و گرایش ندارد. پس ایمان فقط شناخت نیست (انسان کامل - ۱۳۶۲ - ص ۱۲۶).

علاوه بر اینکه استاد مطهری ایمان را تنها شناخت نمی‌داند، برای ایمان درجاتی نیز قائل است و کمال ایمان را تنها در تسلیم بودن محض می‌داند و می‌فرماید: «یک ایمان آن وقت کامل و حقیقی است که انسان به همان نسبت که در مقابل آن چه که به ایمان دارد و آرمان اوست، تسلیم هم باشد؛ و در مقابل غیر او و هر چه در مقابل او قرار می‌گیرد کفر داشته باشد (مطهری مرتضی، انسان ایده‌آل ایده‌آل انسان، ص ۱۰).

بنابراین براساس اعتقاد استاد مطهری، مقومات مفهومی و مؤلفه‌های ایمان، علم و شناخت و گرایش و تسلیم قلبی است. ایشان عمل صالح را مقوم مفهومی و ماهوی ایمان نمی‌داند. ایشان به عنوان فیلسوفی متکلم، در مفهوم‌سازی خود از ایمان، هم از حکمای مسلمان وام گرفته است و هم از متکلمان امامیه. البته استاد مطهری معتقد به رابطه مفهومی ایمان و عمل نیست، اما هرگز رابطه وجودی و نسبت آنها در عالم خارج را نیز انکار نمی‌کند. برای اثبات اینکه ایشان عمل را خارج از ماهیت ایمان می‌داند، شواهدی از آثار ایشان نقل می‌کنیم:

ایمان خودش یک کمال روحی و یک کمال معنوی برای انسان است. «الذین امنوا و عملوا الصالحات»؛ یعنی کسانی که از دو راه در مسیر کمال سیر می‌کنند؛ از راه درون و از راه بیرون. هم ایمان دارند و مراتب ایمان را طی می‌کنند و هم مرد عمل هستند و مراتب عمل را طی می‌کنند (مجموعه آثار ۱۳۸۴ ج ۹ ص ۶۱۰). ایشان ایمان را کمال قوه نظری، و عمل صالح را کمال قوه عملی می‌دانند (همان ۱۳۸۵ ج ۱ ص ۳۰۴). به اعتقاد ایشان، بین ایمان و عمل صالح، یک همبستگی فزاینده وجود دارد؛ یعنی ایمان، عمل را به بار می‌آورد و عمل صالح، ایمان را تشدید و تقویت می‌کند و بین فسق، گناه و عمل سیئه با بی‌ایمانی حلقه معیوبه وجود دارد: عبادت هم تقویت‌کننده ایمان است که به این مطلب در متون اسلامی زیاد تصریح شده است. یعنی تأثیر متقابل ایمان و عمل در یکدیگر. ایمان به نوبه خود، منشأ عمل می‌شود و عملی که منبث از آن ایمان است، منشأ تقویت همان ایمان می‌گردد (همان ۱۳۸۳ ج ۲۲ ص ۶۳۶).

منشأ ایمان

به اعتقاد استاد مطهری، وحی از یک طرف، آسمانی و از طرفی انسانی است. این نکته حکیمانه را باید بیش از این مورد تحلیل قرار داد. به اعتقاد ایشان، وحی الهی ریشه‌ای هم در انسان‌ها دارد: یک وقت ما دین را به عنوان آنچه از ناحیه پیغمبران بر مردم عرضه می‌شود، می‌دانیم، ولی آیا همین وحی که «وحی» نگاه می‌کنیم. این معلوم است که منشأش معارفی را به عنوان معارف دین عرضه می‌دارد، یک مبنا و ریشه‌ای هم در انسان‌ها دارد؟ در انسان یک فطرتی -به معنای یک تقاضایی- وجود دارد. بعثت پیغمبران، پاسخگویی به تقاضایی است که این تقاضا در سرشت بشر وجود دارد (همان ۱۳۸۵ ج ۳ ص ۶۰۱ و ۶۰۲). استاد مطهری در موضعی دیگر، منشأ ایمان مذهبی را سرشت و فطرت آدمی معرفی کرده‌اند: گرایش به سوی حقایق و واقعیت‌های مقدس در سرشت فرد فرد بشر هست. «فَاقم وجهک للدين حنیفاً

فَطَرَهُ اللهُ التِّى فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» قرآن ایمان مذهبی را جزء سرشت انسان‌ها معرفی کرده است (همان ج ۲ ص ۴۵).

ویژگی‌های ایمان

استاد مطهری در جاهای مختلفی به بیان اوصاف ایمان و عوارض و ویژگی‌های آن پرداخته‌اند. از آنچه در باب ایمان و مسائل گوناگون آن در آثار ایشان وجود دارد، ویژگی‌هایی که استاد برای ایمان در آثار خویش بیان کرده‌اند، با تصور ایشان از چپستی ایمان سازگار است می‌توان ویژگی‌های ایمان را امور ذیل بیان کرد:

۱- ایمان حقیقتی مشکک است و در افراد گوناگون به صورت متفاوت یافت می‌شود: افراد مردم از نظر ایمان و توجه به آثار گناهان متفاوتند. به هر اندازه که ایمانشان قوی‌تر و توجهشان به آثار گناهان شدیدتر باشد، اجتنابشان از گناه، بیشتر و ارتکاب آن کمتر می‌شود. عصمت از گناه، ناشی از کمال ایمان است (همان ج ۲ ص ۱۵۸).

۲- از آنجا که ایمان در افراد گوناگون، متفاوت و مشکک است، پس یقین جزء مؤلفه‌ها و تعریف ایمان نخواهد بود، ولی حد اعلای ایمان به شمار می‌آید: اما حد اعلای ایمان هم یقین فکری و ذهنی نیست. یقین فکری علم‌الیقین است. بالاتر از یقین فکری، یقین قلبی است که عین‌الیقین است. عین‌الیقین یعنی شهود خداوند با قلب نه با چشم (همان ج ۳ ص ۱۰۲). یقین همان ایمان محکم و پابرجاست (همان ۱۳۸۳ ج ۲۲ ص ۹۰).

۳- ایمان با شک قابل جمع نیست؛ ولی شک می‌تواند مقدمه ایمان باشد و راه رسیدن به ایمان، گذر از مرحله پرسش و شک است: شک مقدمه یقین، پرسش مقدمه وصول و اضطراب مقدمه آرامش است. شک معبر خوب و لازمی است؛ هرچند منزل و توقفگاه نامناسبی است. اسلام که این همه دعوت به تفکر و ایقان می‌کند، به طور ضمنی می‌فهماند که حالت اولیه بشر، جهل و شک و تردید است و با تفکر و اندیشه صحیح باید به سرمنزل ایقان و اطمینان

برسد. اهل ایقان، از منزل شک و تردید گذشته‌اند تا به مقصد ایمان و ایقان رسیده‌اند (مجموعه آثار ۱۳۸۵ ج ۱، ص ۳۸).

۴- ایمان امری اختیاری است؛ زیرا هر دو مؤلفه آن یعنی معرفت و اعتقاد با جبر سازگار نیست و عقل و دل به هیچ عنوان جبربردار نیستند (مجموعه آثار ۱۳۸۵ ج ۲۰، ص ۲۳۷).

۵- ایمان قابل تغییر و از میان رفتنی است (مجموعه آثار ۱۳۸۵ ج ۱، ص ۵۶۷).

۶- ایمان، عمل صالح به بار می‌آورد و عمل صالح، ایمان را تقویت و تشدید می‌کند. ایمان و عمل صالح، ارتباطی متقابل دارند (مجموعه آثار ۱۳۸۳ ج ۲۲، ص ۶۳۶).

جایگاه و اهمیت ایمان و معنویت

استاد مطهری هر جا که از انسان و انسانیت سخن گفته است، حقیقت انسان را بعد معنوی و روحانی او قلمداد نموده، انسان بدون معنویت را انسان حقیقی نمی‌داند. ایشان می‌فرماید: معنویت و انسانیت، دو امر تفکیک‌ناپذیرند و همان‌طور که دیگر نمی‌توان به معنویت چسبید و انسانیت را رها کرد، حتی نمی‌شود برای انسانیت قداستی منهای معنویت قائل شد (ده گفتار، ۱۳۸۲- ص ۱۴۹). وی در جای دیگر به این نکته اشاره می‌کند که: براساس قرآن، ایمان و معنویت جزء سرشت انسان است (مجموعه آثار، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۲). بنابراین ایشان بر اساس قرآن، ریشه معنویت‌خواهی را در فطرت انسان می‌یابد.

شهید مطهری معنویت را اساس و پایه رشد و تکامل انسان معرفی می‌نماید؛ و در برابر کسانی که با توجیه و تأویل قرآن به دنبال نشان دادن عدالت هستند قاطعانه پاسخ داده و می‌نویسد: این افراد می‌خواهند پایه‌های معنویت قرآن را از میان ببرند و متأسفانه صرفاً بر روی عدالت فکر می‌کنند، تصور می‌کنند بدون معنویت عدالت امکان‌پذیر است.

ولی اولاً از یک سو معنویت در قرآن قابل توجیه و تأویل نیست، و از سوی دیگر بدون بال معنویت از بال عدالت کاری ساخته نیست. از نظر قرآن، معنویت پایه تکامل است. این همه عبادات که در اسلام بر روی آن تکیه شده است برای تقویت جنبه معنوی روح انسان است. زندگی پیامبر را ببینید، با آن همه گرفتاری و مشغله‌ای که دارد باز در همان حال قرآن می‌گوید: ان رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثَيِّ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَ اللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ عَلِمَ أَن لَّنْ تَخْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ (مزمّل، ۲۰)

خدا آگاه است که تو در حدود دو ثلث شب را به عبادت قیام می‌کنی، گاهی حدود نصف آن و لااقل ثلثی از شب، و گروهی از کسانی که با تو هستند [نیز چنین می‌کنند...].

و یا خدا به پیامبرش تأکید می‌کند که: قسمتی از شب را برای عبادت برخیز، تهجد کن، نماز شب بخوان تا به مقام محمود برسی (اسراء، ۷۹۲).

و یا در مورد علی علیه‌السلام اگر عدالت اجتماعی او را می‌بینیم و کارکردن‌ها و بیل‌زدن‌ها و عرق ریختن‌هایش را مشاهده می‌کنیم، باید آن در دل شب غش کردن‌هایش را هم ببینیم، آن از خوف خدا بیهوش شدن‌هایش را هم نظاره کنیم. اینها واقعیات تاریخ اسلام هستند و آنها هم صریح‌ایات قرآن. این مسائل را نمی‌توان توجیه و تأویل کرد. هرگونه تفسیر و تعبیر مادی این مسائل خیانت به قرآن است. انقلاب ما در آینده در کنار عدالت اجتماعی به مقیاس اسلامی، نیاز به معنویتی گسترده و کامل دارد؛ معنویتی از آن نمونه که در پیامبر و ائمه دیده‌ایم (مجموعه آثار، ج ۲۴، ص: ۲۵۹).

انسان معنوی که یک فرد تکامل یافته است، بر محیط بیرونی و درونی خود تسلط نسبی دارد. فرد تکامل یافته یعنی وارسته از محکومیت محیط بیرونی و درونی و وابسته به عقیده و ایمان. (انسان و ایمان، ۱۳۸۱، ص، ۱۶).

ایشان انسان کامل را انسان دارای ایمان می‌داند. پس اگر عنصر ایمان در انسان نباشد ناقص است؛ بنابراین تصریح می‌کند: از نظر قرآن، انسان

موجودی است که همه کمالات را بالقوه دارد و باید آنها را به فعلیت برساند و این خود اوست که باید سازنده و معمار خود باشد. شرط اصلی وصول انسان به کمالاتی که بالقوه دارد، «ایمان» است. از ایمان، تقوا و عمل صالح و کوشش در راه خدا برمی‌خیزد و انسانی که دارای همه کمالات انسانی است (انسان معنوی)، انسان به‌علاوه ایمان است. انسان منهای ایمان ناقص است ... (انسان در قرآن، ۱۳۷۳، ص ۱۵). تعابیر بلندی که شهید مطهری از ایمان دارد نشانه اهمیت و جایگاه آن در زندگی سعادت‌مندان است: ایمان سرمایه زندگی است، ایمان آن چیزی است که انسان با آن زندگی می‌کند. (یادداشت‌های استاد، ۱۳۸۵، ج ۱ ص ۴۹ و ج ۴ ص ۱۵۱). ایمان انسان‌ساز و پایه همه مقدسات و پشتوانه اخلاق است (مجموعه آثار، ۱۳۸۴ ج ۲، ج ۲۳ و ۲۱، ص ۴۵۹، ص ۷۶۲ و ص ۳۲). ایمان شرط اصلی وصول انسان به کمالاتی است که بالقوه دارد و پایه و زیربنای انسانیت و معنویت است. از ایمان تقوا، عمل صالح و ... برمی‌خیزد (همان ۱۳۸۵ ج ۲، ص ۲۷۴).

شهید مطهری در بحث معنویت به مسأله آزادی معنوی اشاره می‌کند و آن را تنها از طریق انبیا قابل تأمین دانسته و می‌نویسد: اما نوع دیگر آزادی، آزادی معنوی است. تفاوتی که میان مکتب انبیا و مکتب‌های بشری هست در این است که پیغمبران آمده‌اند تا علاوه بر آزادی اجتماعی به بشر آزادی معنوی بدهند، و آزادی معنوی است که بیشتر از هر چیز دیگر ارزش دارد. ... آزادی معنوی را جز از طریق نبوت، انبیا، دین، ایمان و کتاب‌های آسمانی نمی‌توان تأمین کرد. ایشان پس از تبیین آزادی معنوی آن را بزرگترین برنامه انبیا می‌داند و می‌نویسد: حال ببینیم آزادی معنوی یعنی چه. انسان یک موجود مرکب و دارای قوا و غرایز گوناگونی است. در وجود انسان هزاران قوه نیرومند هست. انسان شهوت دارد، غضب دارد، حرص و طمع دارد، جاه‌طلبی و افزون‌طلبی دارد. در مقابل، عقل دارد، فطرت دارد، وجدان اخلاقی دارد. انسان از نظر معنا، باطن و روح خودش ممکن است یک آدم آزاد باشد و

ممکن است یک آدم برده و بنده باشد؛ یعنی ممکن است انسان بنده ی حرص خودش باشد، اسیر شهوت خودش باشد، اسیر خشم خودش باشد، اسیر افزون طلبی خودش باشد و ممکن است از همه اینها آزاد باشد... این آزادی همان است که در زبان دین «تزکیه نفس» و «تقوا» گفته می شود. مجموعه آثار، ج ۲۳ ص ۴۴۱)

بزرگ ترین برنامه انبیا آزادی معنوی است. اصلاً تزکیه نفس یعنی آزادی معنوی: قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَاها وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَاها. و بزرگ ترین خسران عصر ما این است که همواره می گویند آزادی، اما جز از آزادی اجتماعی سخن نمی گویند؛ از آزادی معنوی، دیگر حرفی نمی زنند و به همین دلیل به آزادی اجتماعی هم نمی رسند. در عصر ما یک جنایت بزرگ که به صورت فلسفه و سیستم های فلسفی مطرح شده است این است که اساساً درباره انسان، شخصیت انسانی و شرافت معنوی انسان هیچ بحث نمی کنند؛ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فراموش شده است، می گویند اصلاً چنین چیزی وجود ندارد، انسان یک موجود دوطبقه ای نیست که طبقه عالی و طبقه دانی داشته باشد، اصلاً انسان با یک حیوان هیچ فرق نمی کند، یک حیوان است، زندگی تنازع بقاست و جز تنازع بقا چیز دیگری نیست، یعنی زندگی جز تلاش کردن هر فرد برای خود و جنگیدن برای منافع خود چیز دیگری نیست (مجموعه آثار، ج ۲۳، ص ۴۶۱).

آثار و کارکرد ایمان

استاد مطهری درباره ایمان مذهبی و بیان آثار و فواید آن فراوان سخن گفته اند. ایشان تحت عنوان «آثار و فواید ایمان» که ستون خیمه حیات معنوی است، نشانه های آن را بر شمرده اند: ایمان مذهبی، آثار نیک فراوان دارد؛ چه از نظر تولید بهجت و انبساط خاطر، چه از نظر نیکو ساختن روابط اجتماعی و چه از نظر کاهش و رفع ناراحتی های ضروری که لازمه ساختمان این جهان است.

۱- بهجت و انبساط خاطر: انسان با ایمان که خود را در پیوند با معدن بی‌پایان حکمت، عدالت و زیبایی، قدرت و شادمانی می‌بیند، در حقیقت با عالمانی دیگر انس گرفته و حیاتی برتر از حیات خام مادی دارد. و آثار آن را می‌بیند.

خوش‌بینی: «حالت فرد با ایمان در کشور هستی او دار وجودا، مانند حالت فردی است که در کشوری زندگی می‌کند که قوانین و تشکیلات و نظامات آن کشور را [تماماً] صحیح و عادلانه می‌داند».

روشن‌دلی: «همین که انسان به حکم ایمان مذهبی، جهان را به نور حق و حقیقت روشن دیده، این روشن‌بینی، فضای روح او را روشن می‌کند و در حکم چراغی می‌گردد که در درونش روشن شده باشد؛ بر خلاف یک فرد بی‌ایمان که جهان در نظرش پوچ است، تاریک است، خالی از درک و بینش و روشنایی است. به همین سبب، خانه دل خودش هم در این تاریکخانه که خودش فرض کرده تاریک و مظلوم است».

امیدواری: «از نظر منطق مادی، جهان نسبت به مردمی که در راه صحیح و یا راه باطل، راه عدالت یا راه ظلم، راه درستی یا راه نادرستی می‌روند، بی‌طرف و بی‌تفاوت است؛ نتیجه کارشان بسته است به تنها یک چیز: مقدار تلاش و بس...».

ولی در منطق فرد با ایمان، جهان نسبت به تلاش این دو دسته بی‌طرف و بی‌تفاوت نیست؛ عکس‌العمل جهان در برابر این دو نوع تلاش یکسان نیست، بلکه دستگاه آفرینش، حامی مردمی است که در راه حق و حقیقت و درستی و عدالت و خیرخواهی تلاش می‌کنند: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ؛ اگر خدا را یاری می‌کنید (در راه حق گام بردارید) خداوند شما را یاری می‌کند».

آرامش خاطر: «انسان، با ایمان، روشن‌بینی و روشن‌دلی، حیات بلندمرتبه‌ای را برای خود تصور می‌کند و با امیدواری به رسیدن به این همه سعادت و سرور، غرق آرامش و شادی می‌شود».

۲- بهبود روابط اجتماعی: انسان مانند برخی از جانداران دیگر، اجتماعی آفریده شده است. زندگی سالم اجتماعی آن است که افراد، ارزش‌های اخلاقی را محترم بشمارند، با یکدیگر مانند اعضای یک پیکر، متحد و متفق باشند. آن چیزی که بیش از هر چیز حق را محترم، عدالت را مقدس، دل‌ها را به یکدیگر مهربان و اعتماد متقابل را میان افراد برقرار می‌سازد، تقوا و عفاف را تا عمق وجدان آدمی نفوذ می‌دهد، به ارزش‌های اخلاقی اعتبار می‌بخشد، شجاعت مقابله [...] ایجاد می‌کند و همه افراد را مانند اعضای یک پیکر به هم پیوند می‌دهد و متحد می‌کند، ایمان مذهبی است (انسان و ایمان، ص ۲۷).

مثلاً ایشان در جایی دیگر در رابطه با نسبت ایمان با اخلاق و عدالت می‌نویسد: ایمان آرامش‌دهنده روح و روان و ضامن قدرت قانون و عدالت است (مجموعه آثار، ۱۳۸۶ ج ۶ ص ۹۱۱). آن چیزی که پشتوانه اخلاق و عدالت است و اگر در انسان وجود پیدا کند انسان به سهولت راه اخلاق و عدالت را در پیش می‌گیرد و سود را کنار می‌زند تنها ایمان است. چه ایمانی؟ ایمان به خودِ عدالت و ایمان به خودِ اخلاق. چه وقت انسان به عدالت به عنوان یک امر مقدس و به اخلاق به عنوان یک امر مقدس ایمان پیدا می‌کند؟ آن وقت که به اصل و اساس تقدس یعنی خدا ایمان داشته باشد. لہذا بشر عملاً به آن اندازه به عدالت پایبند است که به خدا معتقد است، آن اندازه عملاً به اخلاق پایبند است که به خدا ایمان دارد. مشکل عصر ما همین است. خیال می‌کردند که علم کافی است؛ اگر ما عدالت و اخلاق را بشناسیم و به آنها عالم باشیم کافی است برای اینکه اخلاقی و عادل باشیم. ولی عمل نشان داد که اگر علم منفک از ایمان بشود، نه تنها برای اخلاق و عدالت مفید نیست بلکه مضر هم هست. مصداق قول سنایی می‌شود که «چو دزدی با چراغ آید، گزیده‌تر برد کالا». اما اگر ایمان پیدا شد، اخلاق و عدالت پابرجا می‌شود. اخلاق و عدالت بدون ایمان مذهبی مثل نشر اسکناس بدون پشتوانه است. ایمان مذهبی که آمد، اخلاق و عدالت هم می‌آید. آن وقت ما می‌بینیم

در اسلام مسأله پرستش خدا به صورت یک امر مجزا از اخلاق و عدالت قرار داده نشده است؛ یعنی عبادت را که اسلام دستور می‌دهد، چاشنی آن را اخلاق و عدالت قرار می‌دهد یا بگوییم عدالت و اخلاق را که طرح می‌کند، چاشنی آن را عبادت قرار می‌دهد چون غیر از این ممکن نیست. مثالی عرض می‌کنم: شما در کجای دنیا و در چه مکتبی از مکاتب دنیا سراغ دارید که مجرم با پای خودش برای مجازات بیاید؟ همیشه کار مجرم این است که از مجازات فرار می‌کند. تنها قدرتی که مجرم را با پای خودش و به اختیار و اراده خودش به سوی مجازات می‌کشاند قدرت ایمان است. ما وقتی به صدر اسلام نگاه می‌کنیم، نمونه‌های زیادی در این مورد می‌بینیم. این نیروی ایمان و مذهب است که در عمق وجدان انسان چنگ می‌اندازد و انسان را تسلیم عدالت و اخلاق می‌کند. عبادت برای این است که حیات ایمانی انسان تجدید بشود، تازه بشود، طراوت پیدا کند، قوت و نیرو بگیرد. به هر اندازه که ایمان انسان بیشتر باشد، بیشتر به یاد خداست و به هر اندازه که انسان به یاد خدا باشد کمتر معصیت می‌کند. معصیت کردن و نکردن دایر مدار علم نیست، دایر مدار غفلت و تذکر است. به هر اندازه که انسان غافل باشد یعنی خدا را فراموش کرده باشد، بیشتر معصیت می‌کند و به هر اندازه که خدا بیشتر به یادش بیاید کمتر معصیت می‌کند (مجموعه آثار، ج ۲۳ ص ۵۱۷ تا ۵۱۹).

۳- کاهش ناراحتی‌ها: ایمان مذهبی در انسان نیروی مقاومت می‌آفریند و تلخی‌ها را شیرین می‌گرداند. . از نظر روان‌شناسان، مسلم و قطعی است که اکثر بیماری‌های روانی که ناشی از ناراحتی‌های روحی و تلخی‌های زندگی است، در میان افراد غیرمذهبی دیده می‌شود. افراد مذهبی به هر نسبتی که ایمان قوی و محکم داشته باشند، از این بیماری‌ها مصون‌ترند. آثار ایمان، و حیات معنوی در پرتو آن، زمانی به شایستگی تحقق می‌یابد که به ایمان مذهبی با تفکر دینی درست و برهان قاطع و روشن، احیای دینی را رقم زند.

اما اگر تفکر دینی با سطحی‌نگری و سست‌اندیشی‌ها و توهمات و جهل‌ها و خرافات و تعصبات آلوده شود، بدون شک، احیای دینی به شایستگی ایجاد نمی‌گردد و تردیدها به درستی برطرف نمی‌شود (انسان و ایمان، ص ۲۸).

۴- **درک لذت‌های معنوی:** انسان دو گونه لذت دارد: یک نوع، لذت‌هایی است که به یکی از حواس انسان تعلق دارد که در اثر برقراری نوعی ارتباط میان یک عضو از اعضا با یکی از مواد خارجی حاصل می‌شود؛ مانند لذتی که چشم از راه دیدن و گوش از راه شنیدن و دهان از راه چشیدن و لامسه از راه تماس می‌برد؛ نوع دیگر، لذت‌هایی است که به عمق روح و وجدان آدمی مربوط است و به هیچ عضو خاص مربوط نیست... لذات معنوی از لذات مادی هم قوی‌تر است و هم دیرپاتر. لذت عبادت و پرستش خدا برای مردم عارف حق پرست از این گونه است (انسان و ایمان، ص ۲۷).

ایشان در جایی دیگر می‌نویسد: ما یک سلسله لذت‌های معنوی داریم که معنویت ما را بالا می‌برد. برای کسی که اهل تهجد و نماز شب باشد، جزو صادقین و صابرين و مستغفرین بالاسحار باشد، نماز شب لذت و بهجت دارد. آن لذتی که یک نفر نماز شب خوان حقیقی و واقعی از نماز شب خودش می‌برد، از آن **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ** ها می‌برد، از آن **أَلْعَفُو** گفتن‌ها و یاد کردن و دعا کردن‌های حداقل چهل مؤمن می‌برد، و آن لذتی را که از آن یا رَب یا رَب گفتن‌ها می‌برد هیچ وقت یک آدم عیاش ... احساس نمی‌کند. لذت آن نماز شب‌خوان خیلی عمیق‌تر، نیرومندتر و نشاط‌بخش‌تر است.اگر انسان بخواهد لذت‌های معنوی و الهی را در این دنیا درک کند، چاره‌ای ندارد جز اینکه از لذت‌های مادی و جسمانی کسر کند... . لہذا کسانی که چنین توفیقاتی داشته‌اند- و ما چنین اشخاصی را دیده ایم- به لذت‌های مادی‌ای که ما دل بسته‌ایم هیچ اعتنا ندارند. چه مانعی دارد که من ذکر خیری از پدر بزرگوار خودم بکنم. از وقتی که یادم می‌آید (حداقل از چهل سال پیش) من می‌دیدم این مرد بزرگ و شریف هیچ وقت نمی‌گذاشت و

نمی‌گذارد که وقت خوابش از سه ساعت از شب گذشته تأخیر بیفتد. شام را سر شب می‌خورد و سه ساعت از شب گذشته می‌خوابد و حداقل دو ساعت- و در شب‌های جمعه سه ساعت- به طلوع صبح مانده بیدار می‌شود و حداقل قرآنی که تلاوت می‌کند یک جزء است؛ و با چه فراغت و آرامشی نماز شب می‌خواند! حالا تقریباً صد سال از عمرش می‌گذرد و هیچ وقت من نمی‌بینم که یک خواب ناآرام داشته باشد. و همان لذت معنوی است که اینچنین نگهش داشته. یک شب نیست که پدر و مادرش را دعا نکند. یک نامادری داشته که به او خیلی ارادتمند است و می‌گوید که او خیلی به من محبت کرده است؛ شبی نیست که او را دعا نکند. یک شب نیست که تمام خویشاوندان و ذی‌حقان و بستگان دور و نزدیکش را یاد نکند. اینها دل را زنده می‌کند. آدمی که بخواهد از چنین لذتی بهره‌مند شود، ناچار از لذت‌های مادی تخفیف می‌دهد تا به آن لذت عمیق‌تر الهی معنوی برسد (مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۴۸۶ تا ۴۸۸)

نتیجه‌گیری:

از مباحث فوق مطالب زیر قابل استنتاج است:

- ۱- ایمان در اندیشه شهید مطهری مرکب از دو جزء است: یکی درک و تشخیص و شناخت یک چیز آنچنان که هست و دیگری تسلیم در برابر واقعیت آن، متناسب با واقعیتش. تسلیمی که در مفهوم ایمان اخذ شده است، تسلیم خاضعانه و متواضعانه و متذلالتانه و از روی عشق است.
- ۲- بین ایمان و عمل صالح، یک همبستگی فزاینده وجود دارد؛ یعنی ایمان، عمل را به بار می‌آورد و عمل صالح، ایمان را تشدید و تقویت می‌کند و بین فسق، گناه و عمل سیئه با بی‌ایمانی حلقه معیوبه وجود دارد. یعنی تأثیر متقابل ایمان و عمل در یکدیگر. ایمان به نوبه خود، منشأ عمل می‌شود و عملی که منبعث از آن ایمان است، منشأ تقویت همان ایمان می‌گردد.
- ۳- عبادت تقویت‌کننده ایمان است، ایمان خودش یک کمال روحی و

یک کمال معنوی برای انسان است. اگر انسان بخواهد لذت‌های معنوی و الهی را در این دنیا درک کند، چاره‌ای ندارد جز اینکه از لذت‌های مادی و جسمانی کسر کند.

۴- ایمان و معنویت بزرگ‌ترین پشتوانه اخلاق و عدالت است. اگر در افراد جامعه تحقق پیدا کند انسان‌ها به سهولت راه اخلاق و عدالت را در پیش می‌گیرند.

منابع اصلی

- ۱- قرآن کریم
- ۲- مطهری، مرتضی، سری مجموعه آثار استاد مطهری، جلد‌های ۱ تا ۲۵، انتشارات صدرا، تهران.
- ۳- مطهری، مرتضی، یادداشت‌های استاد مطهری، جلد‌های ۱ تا ۴، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۳.
- ۴- مطهری، مرتضی، انسان کامل - انتشارات اسلامی، بی‌چاپ، ۱۳۶۲.
- ۵- مطهری، ده گفتار، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۲.
- ۶- مطهری، انسان و ایمان، انتشارات صدرا، تهران.
- ۷- مطهری، انسان در قرآن، انتشارات صدرا، تهران.
- ۸- مجله: مبلغان - اردیبهشت ۱۳۸۲، شماره ۴۱
- ۹- احد فرامرز قراملکی، مفهوم‌سازی استاد مطهری از ایمان - فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال پنجم، شماره شانزدهم، بهار ۱۳۸۸.

حماقت ائتلاف عربی - غربی در یمن؛

اهداف و پیامدها

احمد کریم خانی - محمدرضا فرهادی

مقدمه

همزمان با شروع بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) و شمال آفریقا در اواخر سال ۲۰۱۰م، قیام مردم یمن علیه دیکتاتوری علی عبدالله صالح نیز آغاز شد. این قیام پس از چند ماه به سرنگونی وی منجر شد. اما با دخالت غرب و برخی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از جمله عربستان این قیام منحرف و منجر به ریاست جمهوری عبدربه منصور هادی شد. وی نیز همان روش و شیوه‌های حکومتداری علی عبدالله صالح را در پیش گرفت. با گران شدن انرژی در این کشور بهانه خوبی به جنبش انصارالله داد تا جلوی انحرافات رییس جمهور را بگیرد. پس از چند هفته تظاهرات و اعتراضات در صنعا و چند شهر دیگر یمن، بعد از مدت‌ها و با میانجگری سازمان ملل توافقی میان آنها صورت گرفت که در آن به خواست‌ها و شروط انصارالله که یکی از مهم‌ترین آنها تقسیم قدرت در بین جریان‌های مختلف بود، اشاره شده بود. یکی از شرایط توافق نامه در واقع تشکیل یک کمیته‌ای برای تدوین پیش‌نویس قانون اساسی بود که با شکل‌گیری آن و تدوین این پیش‌نویس، مفادی که دوطرف بر روی آن تمرکز کرده بودند از سوی نمایندگان دولت رعایت نشد. در راستای احساس خطری که انصارالله با تدوین این پیش‌نویس و احتمال خطر تجزیه یمن مشاهده نمود، "بن مبارک" رییس دفتر ریاست جمهوری را که تحرکات زیادی در این زمینه داشت، بازداشت کرد و همین امر جرقه‌های درگیری دوباره در

یمن را صورت داد که با آزادی وی و عدم تمکین منصور هادی به توافق صورت گرفته با انصارالله موسوم به توافق صلح و شراکت، نیروهای انصارالله و دیگر گروه‌های یمنی به این نتیجه رسیدند که رییس جمهور فعلی در راستای برنامه‌های کشورهای خارجی عمل کرده و بدین سبب با استعفای منصور هادی از ریاست جمهوری و تشکیل شورای انتقالی و شورای ریاست جمهوری عملاً به کار وی پایان دادند.

نیروهای انصارالله در جهت حفظ وحدت و تمامیت ارضی یمن و دفاع از خواسته‌های مردم و جلوگیری از درگیری‌های داخلی، کنترل شهر صنعاء پایتخت یمن، را در دست گرفتند و در ماه ژانویه، منصور هادی را که از مقام خود استعفا داده بود، در حصر خانگی قرار دادند. منصور هادی در ماه فوریه از حصر خانگی فرار کرد و علی‌رغم استعفا از مسئولیت، با پشتوانه عربستان و سایر دولت‌های ذی‌نفع در یمن، به جنوب این کشور گریخت و با تشکیل یک دولت مستقل در عدن سعی در تجزیه این کشور را داشت که با عدم همراهی گروه‌های جنوبی حتی موفق به تشکیل کابینه نیز نشد. در راستای شکست‌های پی‌درپی منصور هادی و کشورهای حامی وی و موفقیت‌های انصارالله کشورهای هم‌پیمان منصور هادی با چراغ سبز آمریکا به گزینه آخر خود یعنی حمله نظامی به یمن روی آوردند که در این راستا دارای اهداف خاصی از این حملات می‌باشند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

اهداف کشورهای ائتلاف از حمله به یمن

با توجه به تمهیدات و زمینه‌چینی‌های آمریکایی-عربی در خصوص تحولات یمن به نظر می‌رسد بازیگران و طراحان نقشه حمله به یمن اهداف و انگیزه‌های زیادی را به طور هم‌زمان دنبال می‌کنند که می‌توان به برخی از آنها به صورت زیر اشاره کرد:

۱- نگرانی از تغییرات ژئوپلیتیکی منطقه؛ آمریکایی‌ها و عرب‌ها به ویژه سعودی‌ها به شدت نگران تغییرات ژئوپلیتیکی در منطقه مهم غرب آسیا در اثر بیداری اسلامی، به‌ویژه پس از قضایای سوریه و عراق هستند. اساساً عربستان و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس که عضو ائتلاف حمله به یمن هستند، از هر گونه تحول در منطقه به‌ویژه آن دسته از تحولاتی که جان‌مایه اصلی آنها بر دوش مردم استوار است، به شدت به دلیل جایگاه لرزان مردمی خود نگرانند. آنها با انقلاب‌های مردمی، ساختار حاکمیتی قبيله‌ای و وابسته به غرب خود را در خطر می‌بینند و به شدت مقابل چنین تحولاتی هم در داخل مرزهای خود و هم در کشورهای همجوار خود می‌ایستند. از سوی دیگر آمریکا نیز نگران از دست دادن هم‌پیمانان وابسته به خود در منطقه است و دقیقاً شبیه به حمایت از صدام در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی مقابل این تحولات می‌ایستد. به زعم آنها پیروزی انصارالله در موقعیت جغرافیایی راهبردی یمن می‌تواند به زنجیره پیروزی‌های گفتمان انقلاب اسلامی و مقاومت در منطقه، حلقه‌ای دیگر را بیفزاید و سبب شود دولت مستقل دیگری با گفتمان غالب استقلال و مقاومت در این منطقه پر اهمیت شکل بگیرد. غرب این تهدید را برای خود بسیار جدی می‌داند.

۲- گسترش دامنه جنگ در سطح منطقه برای نجات داعش؛

داعش به عنوان مولود منطقه‌ای غرب برای حفظ منافع غربی-عربی در منطقه غرب آسیا، این روزها به شدت در عراق و سوریه در مصاد با مقاومت اسلامی منطقه تضعیف شده و در سراسیمه‌ی اضمحلال و نابودی قرار گرفته است. به زعم بسیاری از تحلیل‌گران منطقه‌ای، جنگ یمن فرصت مغتنمی است هم برای تقویت داعش و هم برای انحراف افکار عمومی از شکست داعش به سوی رخداد جدید در منطقه غرب آسیا از یک سو و گشودن جبهه جدیدی مقابل مقاومت و توزیع توان و نیروی جبهه مقاومت و به هم ریختن

تمرکز آن از سوی دیگر که موجب پیروزی در برابر داعش شده بود.

۳- **احساس خطر دیکتاتورها؛** حاکمان برخی از کشورها مثل مصر نیز از وضعیت یمن احساس خطر می کنند؛ زیرا ژنرال السیسی نگران وضعیت آینده خود و این همانی سازی با عبدربه است که با مکانیسم بیرونی حاکم و با حرکت مردمی فراری داده شد. در ترکیه نیز شکاف های قومی، امنیتی و نزدیکی بیش از حد حاکمان ترک به غرب و رژیم صهیونیستی، اسباب نگرانی آنها را فراهم کرده است که الگوی جدیدی از تحولات بیداری اسلامی در کشورشان شکل گیرد؛ بنابراین به حمایت از جنگ یمن می پردازند. ضمن آن که شکست داعش و بازگشت آرامش به عراق و سوریه با کمک جمهوری اسلامی ایران مغایر با راهبردهای منطقه ای ترکیه به حساب می آید.

۴- **فرسایش قدرت جهان اسلام؛** انگیزه دیگری که می تواند سهم صهیونیست ها و آمریکایی ها را در طراحی حمله به یمن نشان دهد، درگیر کردن کشورهای اسلامی منطقه غرب آسیا در آتش جنگ و بردارکشی است. این امر، ضمن برگرفتن توجهات جهانی از جنایات صهیونیست ها در سرزمین های اشغالی و نقش آمریکایی ها در ظلم علیه جهان اسلام، انهدام ارتش های قوی و دست نخورده اسلامی مثل یمن و سوریه و فرسایش نیروهای مردمی جهان اسلام با تداوم درگیری ها در کشورهای اسلامی را برای آنها تأمین می کند؛ زیرا اروپایی ها و آمریکایی ها در قضایای سوریه و عراق از جهان اسلام و قدرت اسلام سیاسی به شدت احساس شکست می کنند و در واقع حمله به یمن انتقام آنها از جهان اسلام است.

۵. **حفظ وضع موجود در یمن؛** عربستان سعودی فکر می کند که در صورت کنترل حوثی ها بر عدن، آنها به راحتی به دریا دسترسی پیدا می کنند و منطقه ای راهبردی عدن که هم از نظر تجارت نفت و هم از نظر امنیتی بسیار مهم است را از دست می دهد. همچنین عدن آخرین سنگر حضور

عربستان در یمن است و در واقع به خطر افتادن دولت در عدن از نظر ریاض خط قرمز محسوب می‌شود و عربستان در صدد است با تمام سلاح‌ها و هم‌پیمانان سنتی‌اش این تنها سنگر باقی‌مانده را حفظ نماید. به نظر می‌رسد علت اصلی حمله عربستان به یمن نیز انتقام استقلالی است که مردم این کشور به رهبری انصارالله به دست آورده‌اند.

۶. شکست کشورهای شرکت‌کننده در این حمله در برابر محور

مقاومت: اگر به کشورهای شرکت‌کننده در این حملات نگاهی انداخته شود مشاهده می‌شود که همان کشورهای که در چهارسال گذشته خواهان براندازی نظام بشاراسد در سوریه و دولت شیعی در عراق بودند امروزه با تسلط یک گروه همسوی محور مقاومت (انصارالله) بر یمن مخالف هستند. نمونه بارز این شکست را می‌توان در سفر اخیر اردوغان و السیسی به عربستان مشاهده کرد که در واقع با قبول شکست خود در عراق و سوریه از وجود جبهه جدید دیگری همسوی محور مقاومت در منطقه خودداری نمایند. از سوی دیگر یمن روزی که یکی از هم‌پیمانان عربستان بوده امروزه به کشوری مخالف این کشور تبدیل شده و این امر منافع منطقه‌ای عربستان را تهدید کرده است.

۷. حمایت از منصور هادی و نیروهای تکفیری: کشورهای محافظه‌کار

منطقه با سناریوهایی گام‌به‌گام در یمن که ابتدا در قالب طرح شورای همکاری خلیج فارس مطرح گردید (انقال قدرت به منصور هادی) و سپس به قدرت رسیدن وی و همراهیش با همین کشورها بود در مرحله سوم با ساقط شدن وی از قدرت در صدد یک حکومت مستقل در جنوب یمن بودند که این امر نیز با حمله چهارشنبه نیروهای داوطلب مردمی به عدن و فرار منصور هادی به شکست انجامید و این کشورها وارد مرحله آخر سناریوی خود یعنی حمله نظامی به این کشور شدند که با توجه به تجربه نیروهای انصارالله در

جنگ‌های مختلف هم با عربستان و هم با دولت یمن (عبدالله صالح) احتمال موفقیت آنها بسیار پایین است. از سوی دیگر این کشورها با چنین حملاتی در واقع می‌خواهند تمرکز نیروهای مردمی و ارتش را به سمت شمال این کشور معطوف کنند تا از تمرکز عملیاتی در جنوب این کشور غافل مانده و با چنین کاری در واقع دست نیروهای تکفیری و همچنین منصور هادی را در جنوب باز دارند تا همچنان آنها در مناطق جنوبی این کشور امیدوار به تشکیل حکومتی هم‌پیمان خود در یمن باشند و اگر موفق به تشکیل حکومتی مستقل نشدند همچنان مناطق جنوبی این کشور که از نظر ژئوپولیتیکی و منابع انرژی دارای اهمیت می‌باشند در اختیار گروه‌های طرفدار آنان (یا منصور هادی یا گروه‌های تکفیری) باشد.

پیامدهای منطقه‌ای و جهانی حمله به یمن

اساساً هر تحولی در عرصه سیاسی یک کشور و واحد سیاسی آثار و پیامدهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. واقع شدن یمن در منطقه مهم خاورمیانه آثار و پیامدهای مربوط به حمله ائتلاف عربی به این کشور را بیشتر در منظر دولت‌ها و ملت‌ها قرار داده است. البته تمام آنها منفی نیستند. تحولات یمن می‌تواند از منظر برای جنبش و انقلاب مردمی این کشور و همچنین گفتمان مقاومت پیامدهای مثبتی هم داشته باشد که در ادامه به بررسی برخی از آنها می‌پردازیم:

۱- **تغییر جبهه‌بندی‌های منطقه‌ای؛** تحولات یمن باعث می‌شود جبهه‌ها و قطب‌بندی‌های جدیدی در منطقه شکل بگیرد که محکومیت مداخلات غیر قانونی آمریکا و عربستان در امور داخلی یمن از سوی روس‌ها و کمک احتمالی آنها به یمنی‌ها یکی از آثار این تغییرات است.

۲- **پیام به معترضان بحرینی و سعودی** که با دیدن مردم یمن در برابر تهاجم ظالمانه عربستان و ائتلاف همراه سرانجام استقلال و مقاومت را پرهزینه ببینند.

۳- **جبران شکست داعش** که به نیابت از عربستان، قطر، امارات و آمریکا و رژیم صهیونیستی عمل کرده و علائمی از شکست داعش و کوچ دادن آنها به سمت شمال آفریقا و پاکستان ملاحظه می‌شد که در واقع جنگ یمن به نوعی متقاعد کردن القاعده برای این بود که به سمت بنیان خود برگردد.

البته **پیامدهای مثبتی** هم برای حمله به یمن به رغم وحشی‌گری‌ها و تراژدی انسانی که در یمن در حال وقوع است و هزاران انسان بی‌گناه در زیر بمباران‌های سبعانه ائتلاف غربی-عربی جان خودشان را از دست می‌دهند، می‌توان قائل شد که برخی از آنها عبارتند از:

۴- **انسجام‌بخشی در داخل یمن؛** حمله به یمن سبب شده است که در بین طرفداران استقلال و عزت کشور، وحدت و انسجام ملی محکمی به وجود بیاید که قبلاً وجود نداشت. مردم یمن در مقابل دشمن بیرونی که به خاکشان حمله کرده است صفوف به هم پیوسته‌ای را تشکیل خواهند داد و از عزت و استقلال ملی خود در پرتو آموزه‌های اسلامی دفاع خواهند کرد. وحدت ارتش با کمیته‌های مردمی آشکارترین لایه این انسجام به حساب می‌آید.

۵- **افزایش نفرت و تنفر از استبداد و استعمار خارجی؛** مطابق با نظرسنجی‌هایی که این روزها برخی از مؤسسات تخصصی نظرسنجی عمدتاً غربی و مرکز افکارسنجی شبکه‌های عربی از مردم یمن انجام داده‌اند، حکومت عربستان سعودی به دلیل فتنه‌گری در روند استقلال واقعی یمن و مداخله‌جویی در امور داخلی این کشور در نزد افکار عمومی یمن به همراه آمریکا و رژیم صهیونیستی جزء منفورترین کشورها محسوب می‌شود. این واگرایی مردمی در یمن به عنوان کشوری که سال‌ها در اثر تبلیغات حاکمانش نسبت به سعودی‌ها نگاه احترام‌آمیزی داشتند، دارای پیام‌های زیادی است.

۶- **عمق‌بخشی به تنفر از آمریکا، صهیونیسم و کشورهای مرتجع عربی؛** مردم یمن و افکار عمومی سایر ملل آزاده دنیا طراحان و عاملان میدانی

حمله به مردم، غیرنظامیان و زیرساخت‌های حیاتی یمن را می‌شناسند و عمیقاً از آتش‌افروزی آمریکا و رژیم صهیونیستی و بی‌کفایتی کشورهای مرتجع عربی متنفر و خشمگین هستند. امروز مردم مسلمان دنیا از حاکمان عربستان و ائتلاف عربی همراه با آن، این پرسش بزرگ را دارند که چرا چنین ائتلافی را برای مقابله و مبارزه با رژیم صهیونیستی که بیش از ۶۰ سال است که از هیچ جنایتی علیه فلسطینیان مظلوم فروگذار نکرده، تشکیل نداده‌اند؟

سناریوهای پیش رو برای یمن

می‌توان پنج سناریو از اهداف کشورهای مؤتلف علیه یمن را برشمرد:

- سناریوی اول و شاید نزدیک‌ترین سناریو برای کشورهای مزبور ساقط کردن انقلاب مردمی این کشور و به تبع آن جنبش انصارالله می‌باشد که در واقع هدف اصلی همین کشورها در درجه اول است که با توجه به مردمی بودن این جنبش و همراهی مردم با آنها چنین سناریویی بعید است به منصفه ظهور برسد.

- سناریوی دوم بازگشت منصور هادی به قدرت با استفاده از حمایت این کشورها است. این سناریو نیز به دو دلیل بعید است به ثمر بنشیند: یکی به دلیل عدم مقبولیت وی در بین مردم که چنین نشانه‌ای در هنگام فرار وی به عدن و عدم همراهی مردم و احزاب جنوب با وی آشکار شد که حتی موفق به تشکیل کابینه در این منطقه نشد. دوم هم با توجه به ناکارآمدی وی در اداره کردن کشور و ادامه دادن راه عبدالله صالح بود که مردم دیگر چنین شخصی را نخواهند پذیرفت و وی امتحان خود را پس داده است.

- سناریوی سوم عدم همراهی سایر احزاب با انصارالله است. با توجه به حمله صورت گرفته این ائتلاف می‌خواهد در واقع یک نوع عدم همکاری را در بین احزاب و گروه‌های یمنی که تاکنون با انصارالله همراه بوده‌اند، به وجود آورد که این سناریو نیز تا حدودی بعید به نظر می‌رسد؛ چراکه با توجه به

بیگانه‌ستیزی مردم یمن این احزاب بعید است انصارالله را تنها گذاشته و خود در گوشه‌ای مناظره‌گر ماجرا باشد و سرنوشت کشور خود را به بیگانگان بسپارند.

- سناریوی چهارم پیروزی انصارالله و شکست کشورهای مؤتلف است. محتمل‌ترین گزینه پیش رو گزینه مزبور است و آن هم به چند دلیل: یکی در وحدت گروه انصارالله در مبارزه با کشورهای حمله‌کننده که یکی از اعضای این جنبش نیز این حمله را نقطه آغاز سرنگونی رژیم آل سعودی دانست. دوم هم تجربه شکست این کشورها در تشکیل ائتلاف علیه داعش بود که در واقع چنین ائتلاف‌هایی تاکنون به ثمر ننشسته است و سوم هم در الگو گرفتن جنبش انصارالله از دولت سوریه است که با مقاومت پنج ساله خود در برابر محور عربی- غربی پیروزی‌های بزرگی را کسب نموده و انصارالله نیز با تأسی از الگوی فوق می‌تواند این محور را با شکست مواجه کند.

- سناریو پنجم کشاندن یمن به جنگ داخلی است که با توجه به بافت قبیله‌ای حاکم در این کشور و نشان دادن عدم کارآیی انصارالله در اداره کشور (که امروزه در این حملات نیز بیشتر زیرساخت‌های یمن مورد حمله قرار گرفته) و ظهور جریان‌های تکفیری از خلأ امنیتی موجود، سعی در کشاندن یمن به چنین معقوله‌ای را دارند که این گزینه بعد از سناریوی بالا محتمل‌ترین گزینه است و دلیل این امر نیز یکی در متوجه شدن کشورهای ائتلاف که با حملات هوایی نمی‌توانند انصارالله را از بین برده و دوم هم عدم توانایی در حمله زمینی به یمن می‌باشد که انصارالله با تجربه شش جنگ مختلف با عربستان و حکومت وقت یمن این توان را از خود نشان داده که در جنگ زمینی کم نمی‌آورد.

موانع پیش‌رو عملیات زمینی آل سعود در یمن

عربستان و متحدانش انجام حملات زمینی از چند جبهه را برنامه‌ریزی

می‌کنند. شاید از دید آنها مقابله با انصارالله، حمله زمینی را اجتناب ناپذیر کند، اما چنین اقدامی خطراتی بزرگ، از گرفتار شدن در سرزمین‌های کوهستانی تا احتمال جنگ چریکی با تروریست‌های القاعده را به دنبال خواهد داشت.

اولین مشکل سعودی‌ها در حمله به یمن، «مشروعیت» اقدام آنان است. علاوه بر آنکه ارتش یمن و انصارالله هیچ تعرضی به خاک عربستان نداشته‌اند، شرایط داخلی یمن نیز، شرایط یک انقلاب مردمی است که در عرف سیاسی از مشروعیت بالایی برخوردار است. به فرض اینکه گروه‌های داخلی یمن درباره نحوه اداره کشورشان با یکدیگر اختلاف دارند، این یک موضوع داخلی است و هیچ کشور خارجی نمی‌تواند آن را دستمایه تهاجم هوایی یا زمینی به همسایه خود نماید.

دومین مشکل سعودی‌ها، سخت‌کوشی و استقامت مردم یمن است. این مردم تجربه فراوانی در مقاومت علیه نیروی مهاجم خارجی دارند. مصری‌ها تحت رهبری جمال عبدالناصر با اعزام حدود ۶۰ هزار نیروی نظامی دولت زیدیه را در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی ساقط کرده و دولت تحت حمایت خویش را در این کشور بر سر کار آوردند، اما زمانی که در اوایل دهه ۱۳۵۰ یمن را ترک کردند حدود ۵۵ هزار نفر از نیروی خود را از دست داده بودند و اینک گورستان بزرگی در یمن به آنان تعلق دارد. عثمانی و یونان نیز تجربه مشابهی در یمن دارند. در تجربه قریب نیز سعودی‌ها ضرب شست یمنی‌ها را فراموش نکرده‌اند.

سومین مشکل عربستان، عملیات نظامی علیه زیرساخت‌های یمن است که اگرچه برای مردم محروم یمن خسارت‌بار است، اما این زیرساخت‌ها آنقدر محدود و سنتی هستند که نمی‌توانند زندگی مردم یمن را مختل نمایند.

مشکل چهارم عربستان مواجهه ارتش با نیروی نامنظم است. آنچه تاکنون در تاریخ جنگ‌های نامنظم مشاهده شده، پیروزی نیروهای پارتیزان بر ارتش‌های منظم بوده است. این مشکل برای ارتش‌هایی که در زمین نیروی پارتیزان می‌جنگند، مضاعف می‌شود. گریگوری جانسون، تحلیل‌گر اطلاعاتی آمریکا با اشاره

به دشواری‌های جنگ در یمن برای ارتش عربستان در تاریخ ۱۱ فروردین ماه (۳۱ مارس ۲۰۱۵) به شبکه خبری سی‌ان‌ان گفت: «حوثی‌ها گروهی آموزش‌دیده هستند که زمین خود را به خوبی می‌شناسند و در آن مبارزه می‌کنند».

مشکل پنجم عربستان به ساختار ارتش این کشور برمی‌گردد. ارتش عربستان ارتش کوچکی است و فاقد توانایی‌های آفندی است و توانایی پدافندی آن را هم نیروهای خارجی اداره می‌کنند. این در حالی است که موفقیت ارتش‌ها به همراه کردن توانایی‌های پدافندی و آفندی وابسته است. ارتش عربستان «یک ارتش اجاره‌ای» است که فناوری و دانش فنی آن عاریتی و وارداتی است و نیروی انسانی آن را نیروهای خارجی از پاکستان، بنگلادش، سومالی و حتی یمن تشکیل می‌دهند. چنین ارتشی نمی‌تواند تهاجم مؤثری را علیه یک کشور سامان بدهد. این در حالی است که دوران استفاده از قدرت سخت برای تغییر شرایط حتی از سوی ابرقدرت‌ها نیز به پایان رسیده است و شکست لشکرکشی آمریکا به افغانستان و عراق گواه این مطلب می‌باشد.

مشکل ششم عربستان، تأمین منابع مالی ارتش است. عربستان برای آنکه ائتلاف حول محور خود را حفظ کند، ناچار است هزینه مالی زیادی بپردازد؛ مصر، ترکیه و پاکستان برای همراهی با ریاض مبالغ زیادی را از عربستان مطالبه کرده‌اند و این در حالی است که هیچ کدام از این کشورها تاکنون در عملیات نظامی علیه یمن وارد نشده‌اند و پاکستان با صراحت تنها به دفاع از عربستان در صورتی که مورد تهاجم واقع شود، خود را متعهد خوانده و اعلام کرده است که قولی به عربستان برای مشارکت در حمله هوایی یا زمینی علیه یمن نداده است.

مشکل هفتم عربستان در جنگ علیه یمن، «مسلمان بودن» مردم و گروه‌های انقلابی یمن است و علاوه بر آن ماهیت افراط‌گرای گروه‌هایی است که از آنان برای تسلط بر یمن حمایت می‌کند. جنگ علیه مسلمانان یمن، بقیه مسلمانان اعم از اینکه شیعه یا سنی باشند، ناراحت می‌کند و در کنار مردم مظلوم یمن قرار می‌دهد

این در حالی است که مردم منطقه به یاد ندارند که عربستان در هیچ جنگ دیگری که یک طرف آن غرب و یا رژیم صهیونیستی باشد به نفع مسلمانان وارد عمل شده باشد. موضع عربستان در جنگ رژیم صهیونیستی علیه مردم لبنان و ساکنان غزه در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۹، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ به طور آشکار و یا ضمنی به نفع رژیم صهیونیستی بود.

در این میان هم‌پیمان اصلی یمنی عربستان در این کشور، جریان انصارالشریعه شاخه القاعده می‌باشد که در میان ملت‌ها و دولت‌های منطقه مطرود است. پس از آن، نیروهای وابسته به منصور هادی است که اساساً به عنوان یکی از عوامل درگیری‌های یمن به حساب آمده و غیرموجه خوانده می‌شوند. جدای از بدنام بودن، این دو گروه دارای توانایی قابل توجهی در مقایسه با انصارالله، نیروهای لجان شعبی و ارتش یمن نیستند چه اینکه تاکنون در همه درگیری‌ها شکست خورده‌اند. در حال حاضر انصارالشریعه و نیروهای هادی تنها شهر «مارب» در مرکز یمن را در اختیار دارند که از شمال، غرب و جنوب کاملاً در محاصره ارتش، انصارالله و لجان شعبی قرار دارند، بر این اساس عربستان ضمن آنکه به دلیل شروع جنگ علیه یک کشور مسلمان از سوی مجامع مختلف اسلامی منطقه و خارج از آن تحت فشار قرار دارد، اتکاء آن به گروه‌های مطرود در داخل یمن نیز روایی جنگ علیه ارتش و انصارالله را نامقبول کرده است.

مشکل هشتم عربستان این است که موقعیت‌های حساس خود را در معرض اقدامات تلافی‌جویانه متقابل قرار داده است. اگر یمن فاقد موقعیت‌های راهبردی در حوزه اقتصادی و امنیتی است، اما عربستان حتی در مرزهای نزدیک خود به یمن دارای موقعیت‌های حساس است. اولین موضوع این است که درگیری‌های کنونی امنیت صدور حدود ۸/۵ میلیون بشکه نفت عربستان از دریای سرخ و سواحل آن را با خطر مواجه کرده است.

مشکل نهم عربستان این است که آشکارا از بازگرداندن رئیس‌جمهور و دولتی

مخلوع سخن می‌گوید که جایگاهی در میان مردم یمن ندارند. منصور هادی از یک طرف در دوران ۳۳ ساله حکومت علی عبدالله صالح که با انقلاب اول یمن ساقط شد، یکی از ارکان مهم حکومت صالح بوده و از این رو در چشم مردم انقلابی یمن، شریک جرم او به حساب می‌آید. از سوی دیگر به قدرت رسیدن منصور هادی در سال ۲۰۱۲ در چارچوب یک طرح خارجی و در جریان یک انتخابات تک‌نفره و با حداقل آرا بوده است. منصور هادی براساس توافقات به عمل آمده در جریان گفتگوهای ملی میان احزاب و دولت موظف بوده است تا توافقات به عمل آمده را به اجرا بگذارد و از جمله زمینه را برای تدوین و تصویب قانون اساسی جدید و برگزاری آزاد انتخابات مجلس فراهم کند، ولی او به هیچ کدام از این تعهدات عمل نکرده و بحران سیاسی یمن را عمق بخشیده است. انتقال هادی از صنعا به عدن و اعلام تشکیل دولت مستقل هم از نظر مردم یمن، تلاش برای تجزیه این کشور و گسترش درگیری داخلی تلقی شده است. جرم بزرگ دیگر هادی از نظر مردم یمن، درخواست از نیروهای خارجی برای مداخله در امور داخلی یمن و از جمله حمله به مراکز و زیرساخت‌های یمن است.

اهداف عربستان از ورود ترکیه و پاکستان به جنگ یمن

۱- رهبری عربستان بر کشورهای مزبور و تشکیل یک نیروی قوی

در برابر ایران: کشورهای عربی که با عربستان همکاری نموده‌اند به نوعی موجب‌بگیر این کشور بوده و در صورت عدم حمایت‌های مالی عربستان آنها با مشکلات زیادی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی روبه‌رو می‌شوند، اما هدف اصلی عربستان تثبیت هژمون خود بر سایر رقبای منطقه‌ای همچون ترکیه و پاکستان است که در واقع از یک سو با حمایت‌های این کشورها یک وزنه مهم برای عربستان شکل می‌گرفت و از سوی دیگر با توجه به عضویت ترکیه در ناتو و توانایی بالای ارتش آنها عربستان می‌توانست خلأ نیروهای زمینی

خود را تا حدودی حل کند. از سوی دیگر عربستان می‌خواهد به نوعی ائتلاف قبلی را که در سوریه تشکیل داده بود در برابر ایران دوباره فعال کند و این امر نیز با زیر چتر آوردن ترکیه و پاکستان و به ویژه ترکیه می‌باشد که این دو کشور در سوریه دارای رویکردهای متعارضی بودند و اینکه شکست انصارالله شکست ایران خواهد بود.

۲- سابقه پاکستان در جنگ نامنظم: عربستان از ورود پاکستان به

این جنگ دو هدف عمده داشت: یکی عدم نیروی زمینی کارآمد و همچنین سابقه شکست ارتش این کشور در جنگ با حوثی‌ها و دوم سابقه ارتش پاکستان در جنگ با گروه‌های چریکی و همچنین شباهت مناطق تحت تصرف انصارالله با مناطق پاکستان (خاک یمن از کوه‌های مرتفع آتشفشانی که از سمت غرب مشرف بر ساحل دریای سرخ است و در شرق در امتداد صحرای خالی از سکنه‌ای قرار دارد که در میان آن نیز دشت‌هایی واقع است. بقیه خاک یمن شامل دشت ساحلی و خشکی مشرف بر دریای سرخ با عرض حدود ۷۰ کیلومتر است و دشت ساحلی دیگری روی دریای العرب و خلیج عدن؛ دشت بسیار تنگی که در میان آن دره‌هایی قرار دارد. این موقعیت کوهستانی مانعی در مقابل هرگونه نیروی زمینی نظامی است که صلاح نصر، مدیر سازمان اطلاعات مصر نیز در آغاز جنگ یمن در سال ۱۹۶۲ به آن اعتراف کرده بود. نقشه‌های توپوگرافی بلندی‌های سطح زمین را در هر کشوری به خوبی نشان می‌دهد و این چیزی است که آن را از دیگر نقشه‌ها متمایز می‌کند این مسأله‌ای بسیار مهم در هرگونه اقدام نظامی است).

۳- کسب مشروعیت بیشتر برای حمله: همان‌طور که کشورهای عضو

شورای همکاری خلیج فارس به جز عمان با این حملات موافقت نمودند اما این امر برای مشروعیت‌بخشی به این حمله کافی نبود و عربستان می‌بایست حمایت‌های بیشتری از سوی سایر کشورها به خصوص کشورهای غیر عربی

صورت می‌داد.

دلایل عدم همراهی پاکستان با عربستان

پاکستان به دلایل مختلف وارد جنگ علیه کشور یمن نشد:

۱- بخشی از توان نظامی پاکستان معطوف به تنظیم مسایل داخلی، سرکوب شرارت‌ها و افراطی‌گری‌های داخلی و همچنین بخشی مستقر در مرزهای شرقی یعنی هند است. از سویی دیگر پاکستان در مواجهه با افراطی‌گری‌های طالبان در افغانستان دارای مصونیت نیست. به همین دلیل پاکستان نمی‌تواند جبهه جدید دیگری را برای خود باز کند، در حالی که خانه خودش در آتش شعله‌ور است.

۲- در صورت ورود پاکستان به عملیات زمینی در شمال یمن و عدم کنترل نیروهای آن که نتیجه آن افزایش تلفات نیروهای انسانی است، پاکستان نیز به صحنه نزاع شدید طائفی در داخل خود تبدیل خواهد شد و اسلام‌آباد توان مهار تندروهای طرفین را نخواهد داشت. در این وضعیت، پاکستان محتاج همراهی و همکاری همسایگان خود خواهد بود؛ در حالی که افغانستان - حتی به فرض تمایل - توان همیاری و اثرگذاری را نخواهد داشت و هندوستان نیز از همکاری اجتناب خواهد کرد.

۳- نکته دیگر مسأله افکار عمومی در پاکستان است. از زمانی که نواز شریف به عربستان سفر کرد، افکار عمومی و در صدر آنها رسانه‌های این کشور، به شدت دولت را تحت فشار قرار دادند که دولت نباید وارد جبهه‌ای شود که جنگ، جنگ پاکستان نیست. افکار عمومی و رسانه‌ها این جنگ را جنگ غیرپاکستانی نام گذاشته و می‌گویند تا کجا باید توان افراطی‌گری‌های عربستان را بپردازند. در حالی که عربستان طی سال‌های گذشته عامل اصلی رادیکالیسم و افراطی‌گری با تزریق پول در پاکستان بوده است. به همین دلیل نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان چاره‌ای جز این نداشت. او موضوع را به

مجلس ارجاع داده و مجلس نیز به اتفاق آرا به عدم دخالت پاکستان در اقدام نظامی علیه یمن رأی داد. این نشان می‌دهد که حتی نمایندگان حزب مسلم لیگ که هم‌حزبی نواز هستند و همچنین احزاب مخالف اتفاق نظر دارند که پاکستان نباید در اقدام عربستان مشارکت نظامی داشته باشد.

۴- بیش از ۲۰ درصد ارتش پاکستان شیعه هستند و این افراد بدون شک وارد جنگ با انصارالله خواهند شد و حتی در صورت ورود ارتش به این جنگ آنها می‌توانند مشکلات بسیاری را برای دولت این کشور به وجود بیاورند.

دلایل عدم همراهی ترکیه و مصر

شاید بتوان دلیل اصلی عدم همراهی ترکیه در مشارکت در این جنگ را مخالفت افکار عمومی این کشور دانست که این امر نیز به دو دلیل می‌باشد: یکی تجربه شکست ترکیه در همراهی با کشورهای غربی و عربی در ایجاد بحران در سوریه بود که دستاور مهمی برای این کشور نداشته و سوریه امروزه به یکی از کشورهای مخالف دولت ترکیه تبدیل شده و مردم نمی‌خواهند که یمن به عنوان دومین کشور مسلمان نیز به سرنوشتی این چنینی تبدیل شود. دوم مسلمان بودن مردم این کشور (۹۹ درصد جمعیت ترکیه مسلمان) که نزدیک به ۱۶ میلیون علوی نیز در این کشور حضور دارند و این امر رابطه‌ای ایدئولوژیکی بین این کشورها را نشان می‌دهد.

دلیل عدم همراهی مصر را نیز می‌توان در سابقه شکست این کشور در یمن دانست که نزدیک به ۱۶ هزار نظامی این کشور در سال ۱۹۶۲ م کشته شده‌اند تا جایی که اکنون مقوله «ارتش مصر فقط برای دفاع از مصر است» همچنان به منزله «عقیده جنگی» است که همه رؤسای جمهور پس از «جمال عبدالناصر» ملزم هستند آن را رعایت کنند و بسیاری از تحلیل‌گران علت اصلی شکست مصر را در جنگ ۱۹۶۷ م در برابر رژیم صهیونیستی در

همین عامل می‌دانند.

نتیجه

پایان بحران یمن را نمی‌توان به این زودی‌ها پیش‌بینی کرد، اما قدر مسلم این است که بحران در این کشور مانند سوریه و لیبی وارد حالتی از «تکرار» و «سکون» شده است. از سوی دیگر بنابر عدم همراهی کشورهای ترکیه، پاکستان و مصر در حمله زمینی می‌توان تا حدودی پیش‌بینی کرد که حملات هوایی نمی‌تواند انصارالله را ساقط کرده و قدر مسلم در صورت ورود عربستان به جنگ زمینی بدون همراهی کشورهای فوق، شکست دیگری در پرونده عربستان در برابر انصارالله به ثبت خواهد رسید. کشورهای هم‌پیمان عربستان نیز تا حدودی به این نتیجه رسیده‌اند که جنگ مذکور دستاورد خاصی برای آنها نخواهد داشت و در صورت هرگونه شکست در این عملیات تبعات منفی زیادی متوجه آنها خواهد شد. عربستان سعودی قصد دارد تا سلسله شکست‌های خود در میدان سیاسی یمن را با مجازات مردم یمن با حملات نظامی تلافی نماید و به نوعی از آنها انتقام بگیرد. اما سعودی‌ها این نکته را باید بدانند که این روش که رژیم صهیونیستی نیز پیش از این در جنوب لبنان تجربه کرده است، بی‌نتیجه خواهد بود.

چارچوب تحلیلی بیانیه اقدام مشترک (بیانیه هسته‌ای سوئیس)

مقدمه

پس از یک دهه فشارهای سنگین و فلج‌کننده طرف‌های غربی برای برچیدن برنامه هسته‌ای ایران از یک سو و پایداری و مقاومت سلحشورانه ملت ایران در برابر این فشارها و همزمان توسعه و پیشرفت فناوری هسته‌ای از سوی دیگر، غرب به‌ویژه آمریکا را به این نتیجه رساند که مسیرهای انتخاب‌شده برای تحمیل اراده خود بر ایران عقیم و شکست‌خورده و تنها راه حل باقی‌مانده دیپلماسی و مذاکره است. بر همین مبنا دور جدید از مذاکرات را از سال‌های ۹۰ به بعد آغاز نمود و پس از انتخابات سال ۱۳۹۲ و طرح نرمش قهرمانانه رهبر معظم انقلاب، شکل جدی‌تری به خود گرفت که از این رهگذر گروه ۵+۱ با ایران به یک توافق مشترکی تحت عنوان طرح اقدام مشترک دست یافتند که براساس آن گام‌هایی برای رسیدن به یک توافق جامع نهایی تعریف شد.

اما مذاکرات برای دستیابی به توافق جامع علی‌رغم تلاش‌های ایران و نرمش‌ها و انعطاف‌هایی که انجام داده بود، به خاطر زیاده‌خواهی‌های طرف غربی بی‌نتیجه ماند. با این حال، طرفین با طرح این که دیدگاه‌ها به هم بسیار نزدیک شده و با توجه به پیشرفت‌های صورت‌گرفته، مذاکرات را طی بیانیه‌ای برای هفت ماه و هفت روز تمدید کرده و تأکید شد که مذاکرات را حداکثر ظرف چهار ماه نهایی و در صورت ضرورت از زمان باقی مانده تا ۹ تیرماه برای نهایی کردن، هرگونه موارد باقی مانده استفاده شود. اما عملاً شرایط به گونه‌ای دیگری رقم خورد و زیاده‌خواهی‌های کاخ سفید مانع از دستیابی

توافق در مدت موصوف گردید و در چنین شرایطی طرف آمریکایی موضوع دو مرحله‌ای شدن مذاکرات را به میان آورد که با واکنش رهبر معظم انقلاب روبه‌رو شد و معظم‌له تأکید کردند که «توافق دو مرحله‌ای پسندیده نیست... اگر توافقی انجام شود، باید در یک مرحله و در بردارنده کلیات و جزئیات، با یکدیگر باشد». تیم هسته‌ای ایران نیز با توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری مسأله دو مرحله بودن مذاکرات را منتفی دانسته و بدین وسیله مذاکرات پس از یک وقفه بسیار کوتاه مجدداً از سر گرفته شد که پس از چندین دور مذاکرات فشرده در نهایت اعلام شد که برای همه موضوعات به راه‌حلهایی دست یافته‌اند و تا هفت تیر جزئیات آن را تدوین خواهند کرد. از این رو، طرفین بیانیه مشترکی را در روز ۱۳۹۴/۱/۱۳ برابر با دوم آوریل ۲۰۱۵ منتشر کردند که ضمن طرح کلیات تفاهم به‌دست‌آمده، اعلام شد که در هفته‌ها و ماه‌های آینده برای نگارش متن برجام^۱ شامل جزئیات فنی آن، در سطوح سیاسی و کارشناسی اهتمام خواهد شد. اما این موضوع با واکنش‌های موافق و مخالف مختلفی در داخل و خارج روبه‌رو شده است.

حال این سؤالات مطرح است که آیا این یک تفاهم خوب است؟ آیا در این تفاهم خطوط قرمز رعایت شده است؟ آیا داده‌ها و ستانده‌ها متوازن هستند؟ آیا آنچه اتفاق افتاده یک نوع توافق دومرحله‌ای است؟ متن بیانیه مطبوعاتی منتشره به عنوان مبانی مورد توافق دارای چه قوت‌ها و ضعف‌هایی است؟ و دو طرف چه متنی را می‌خواهند به عنوان یک توافق هسته‌ای اعلام کنند؟

اهمیت موضوع

نتایج مذاکرات لوزان سوئیس و بیانیه منتج از آن یکی از رخداد‌های

بسیار مهم و حساس و یکی از مهم‌ترین اتفاقات در تاریخ پرونده هسته‌ای ایران است. اگرچه بیانیه لوزان بنا به گفته‌های مسئول تیم هسته‌ای یک امر قطعی و غیربازگشت‌پذیر نیست با این حال، از اهمیت راهبردی آن در این مرحله از مذاکرات کاسته نمی‌شود و نمی‌توان به سادگی از آن عبور کرد یا نسبت به آن بی‌تفاوت بود. زیرا:

۱. این بیانیه و مباحث پیرامون آن تعیین‌کننده سرنوشت ملت ایران در خصوص یکی از موضوعات راهبردی و اساسی کشور است. در واقع این بیانیه یک مسأله ملی است و تصمیمی در حال اتخاذ است که نه تنها سرنوشت کنونی کشور بلکه سرنوشت آینده این ملت را رقم خواهد زد.

۲. این بیانیه به مبانی مورد توافقی اشاره دارد که مبتنی بر آن می‌بایست راه‌حل‌های به‌دست‌آمده به صورت جزئی نگارش یابد. در واقع راهنما و نقشه راه نگارش جزئیات راه‌حل‌ها است و ابرام و اتقان آن می‌تواند تأمین‌کننده منافع ملی باشد و در صورتی که دارای چنین اتقان و استحکامی نباشد ممکن است مسیر آینده با چالش‌های راهبردی روبه‌رو شود.

۳. برنامه هسته‌ای ایران بر خلاف دیدگاه برخی از افراد و جریان‌های، در زمره قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران و با استقلال کشور مرتبط است. بنابراین، تصمیم در این موضوع، قدرت ملی و استقلال کشور را تحت تأثیر قرار خواهد داد. چنانچه رهبر معظم انقلاب فرمودند: «مسأله هسته‌ای، خواسته عظیم ملی و حق طبیعی ملت ایران است و جمهوری اسلامی ایران عقب‌نشینی از این مسأله را به معنای شکستن استقلال کشور می‌داند». در نتیجه، اظهار نظر پیرامون آنچه در حال اتفاق است نباید کارگزاران نظام را به واکنش احساسی و غیر منطقی وادار سازد. از این رو، دولت محترم و اعضای تیم هسته‌ای باید نقدها را هر چند گزنده با آغوش باز بپذیرند. از سوی دیگر تحلیل‌گران و بازیگران سیاسی اعم از مدافعان و منتقدان هم باید بدانند که با

یک مسأله ملی روبه‌رو هستند و نباید آن را به سطح منافع فروملی و فردی و گروهی تنزل دهند، بلکه همه باید با حساسیت در جهت حفظ منافع ملی به صورت پیشبرنده و قوام بخشیدن قوت‌ها از یک سو و رفع نواقص و کاستی‌ها و جلوگیری از فریبکاری غربی‌ها از سوی دیگر باشد. همچنین با توجه به اهمیت این موضوع، هر نوع استفاده سیاسی توسط دولتی‌ها یا جریان‌های سیاسی برای موقعیت و منافع جناحی خود می‌تواند تضعیف‌کننده قوت‌ها و فرصت‌های نظام در این زمینه باشد. در نهایت، مهم‌تر از همه این است که هیچ‌یک از بازیگران نباید محصول این موضوع را صادره کرده و همه عوامل موفقیت را به یک یا دو عامل یا به فعالیت ۱۶ ماهه اخیر محدود سازند. تردیدی نیست که آنچه غربی‌ها و به‌ویژه آمریکایی‌ها را به این رساند که اعلام کنند آنها راه حل دیگری جزء مذاکره و دیپلماسی و پذیرش غنی‌سازی و چرخه سوخت ایران را ندارند، به مجموعه‌ای از عوامل و زمینه‌ها بر می‌گردد که به‌ویژه از سال ۱۳۸۲ تاکنون به صورت تدریجی و تراکمی شکل گرفته بود. در این مجموعه، در درجه اول تدابیر و هوشمندی رهبر معظم انقلاب قرار دارد، سپس مقاومت و پایداری مردم در برابر فشارهای بی‌سابقه غربی‌ها، دانشمندان هسته‌ای که علی‌رغم تحریم‌های اقتصادی و فناورانه و به صورت جهادی و با مدیریت جهادی موفق به دستیابی به فناوری نوین و پیچیده‌ای شدند و دولت‌های وقت به‌ویژه تیم‌های هسته‌ای که از ابتدا تا کنون مسئولیت دیپلماسی هسته‌ای را برعهده گرفته‌اند، می‌باشند.

مبانی تحلیلی بیانیه

تاکنون تحلیل بیانیه لوزان با مبانی و منطق‌های مختلفی صورت گرفته است. برخی با اصل قراردادن متن منتشرشده از سوی کاخ سفید و اظهار نظرهای مقامات آمریکا تحلیل سلبی را ارائه داده‌اند. برخی با اصل قراردادن دیدگاه‌های جناحی و با تأکید صرف بر اظهار نظرهای اعضای تیم هسته‌ای

تحلیل ایجابی و بدون نقص و عیبی بازتاب داده‌اند و برخی دیگر به کلی‌گویی پرداخته و دارای هیچ ملاک و مبنایی نیستند. البته برخی نیز سعی کردند با ملاک قرار دادن بخشی از دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب پیرامون خط قرمزها به تحلیل بیانیه بپردازند. اما تحلیل پیش رو مبتنی بر منطق و اصول زیر است:

۱. **اصل منافع و مصالح ملی و خطوط قرمز:** موضوع هسته‌ای یک مسأله ملی و در سطح منافع کلان نظام قرار دارد. ارزیابی از یک مسأله ملی را نیز نمی‌توان با دید مضیق و جناحی انجام داد. پس محک ارزیابی بیانیه لوزان خطوط قرمز ترسیم‌شده رهبر معظم انقلاب و مصالحی است که معظم‌له اعلام فرموده‌اند. تردیدی نیست که نگاه رهبر معظم انقلاب به موضوعات از جمله مسأله هسته‌ای منظومه‌ای است؛ بنابراین نمی‌توان با تمرکز بر بخشی از بیانات ایشان حکم کلی را استخراج نمود.

۲. **اصل اعتماد به اعضای تیم هسته‌ای:** با توجه به مواضع مکرر رهبر معظم انقلاب در خصوص اعضای تیم هسته‌ای، اصل بر اعتماد و صداقت آنها است؛ بنابراین براساس منطق سیاسی، بایسته‌ها و مصالح نظام نمی‌توان به گونه‌ای تحلیل کرد که مسئول و اعضای تیم هسته‌ای غیرصالح معرفی شوند، بلکه اصل بی‌اعتمادی باید متوجه دشمن خدعه‌گر باقی بماند.

۳. **اصل مرجع بودن بیانیه و اظهار نظر تیم هسته‌ای:** در این تحلیل بیانیه مشترک ظریف - موگرینی و توضیحات اعضای تیم هسته‌ای در این زمینه، به عنوان منبع اصلی تحلیل محسوب می‌شود. متعاقباً فکت شیت کاخ سفید و اظهار نظرهای مقامات واشینگتن از جمله اوباما و وزیر خارجه‌اش نمی‌تواند واقعیت‌های مسأله باشند؛ چرا که علاوه بر بی‌صداقتی حریف، واقعیت این است که آمریکایی‌ها به دنبال قانع‌سازی مخاطبان خاص خود نسبت به مذاکرات بوده و بنابراین از جنگ روانی بهره می‌گیرند.

۴. **اصل فریبکار بودن دشمن:** بر کسی پوشیده نیست که سیاست آمریکا بر دروغ و فریب استوار است. ملت ایران از عملکرد فریبکارانه کاخ سفید در مورد ایران به‌ویژه پس از انقلاب و در جریان موضوع هسته‌ای ایران موارد بی‌شماری دیده‌اند. نگرانی رهبر معظم انقلاب نیز در جریان مذاکرات سال‌های اخیر از همین بابت است. معظم‌له با وجودی که اعضای تیم هسته‌ای را امین، دلسوز و مورد قبول معرفی می‌کنند، تصریح دارند که باید مراقب خدعه آمریکا و شگردهای آن بود: «با اینکه این دوستان و این برادران برادران خوبی هستند، برادران امینی هستند و می‌دانیم که دارند برای صلاح کشور تلاش می‌کنند، در عین حال من نگرانم؛ چون طرف مقابل، طرف حيله‌گری است... واقعاً خدعه‌گری می‌کنند؛ این ما را نگران می‌کند. باید مراقب شگردهای دشمن باشیم». بنابراین اصل فریبکاری آمریکا را باید در همه شرایط مذاکرات (قبل، حین و بعد) و در همه زمان‌ها و در تمام رفتارها مدنظر قرار داد. از جمله اقدامات آمریکا پس از انتشار بیانیه مشترک لوزان را نیز باید در همین راستا ارزیابی کرد.

۵. **اصل همدلی و هم‌زبانی دولت و ملت:** نام‌گذاری هر سال توسط رهبر معظم انقلاب مبتنی بر اهداف راهبردی و شرایط محیطی است. انتخاب شعار «دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی» در سال ۹۴ ناظر بر شرایط حساس و مسایل راهبردی این سال از جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و در سطح داخلی و خارجی است که بدون آن نظام جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند به اهداف راهبردی خود دست یابد. به نظر می‌رسد شرایط حاکم بر روند سرنوشت‌ساز مذاکرات هسته‌ای در سال جاری یکی از مهم‌ترین آنها باشد. تردیدی نیست که تصمیم‌گیری در موضوع پراهمیتی مانند موضوع هسته‌ای با توجه به خدعه‌گری و سناریوی دشمن در شکل دادن تقابل ملت با دولت مستلزم انسجام ملی است. در واقع به نظر می‌رسد یکی از انگیزه‌های

اصلی طرح این شعار که معظم‌له «ابراز امیدواری کردند در عمل تحقق پیدا کند و هر دو کفه این شعار، یعنی ملت و همچنین دولت بتوانند به معنای حقیقی کلمه عمل بکنند و آثار و نتایج آن را ببینند»، مربوط به عبور باصلابت و مقتدرانه نظام اسلامی از چالش‌هایی چون هسته‌ای است. به همین دلیل ایشان تأکید کردند که «هم دولت، ملت را به معنای واقعی کلمه قبول داشته باشد و ارزش و اهمیت و توانایی‌های ملت را به‌درستی بپذیرد، هم ملت به دولت که کارگزار کارهای او است به معنای حقیقی کلمه اعتماد کند».

۶. **اصل امکانات و مقدورات و شرایط محیطی:** ارزیابی یک رفتار یا تصمیم را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن امکانات و مقدورات و شرایط محیطی که در آن چالش‌ها و فرصت‌ها در هم تنیده‌اند، به درستی انجام داد؛ بنابراین نگاه آرمانی محض قادر به تبیین پدیده‌ها نیست، چه اینکه واقع‌گرایی محض نیز نمی‌تواند درک درست و منطقی از حقیقت ارائه دهد. از همین رو است که رهبر معظم انقلاب همواره به‌ویژه در سال‌های اخیر به کرات تصریح فرمودند: «آنچه ما لازم داریم، آرمان‌گرایی با نگاه به واقعیت‌ها است. واقعیت‌ها را هم باید درست فهمید، آنچه که از واقعیت‌ها موجب اقتدار است، آنها را باید شناخت؛ آنچه از واقعیت‌ها که کمبود و نقص است، آنها را هم باید شناخت؛ آنچه که مانع حرکت است، اینها را باید شناخت؛ واقعیت‌ها را باید درست فهمید». نکته اساسی این است که مصلحت‌ها نیز عموماً از درون امکانات، مقدورات، چالش‌ها و فرصت‌های محیطی با توجه به آرمان‌ها و اهداف ملی مطرح می‌شود؛ بنابراین هر نوع تحلیلی بدون در نظر گرفتن همه این عوامل در یک تصمیم‌گیری، ناقص خواهد بود.

۷. **اصل شناخت جامع از موضوع:** موضوع هسته‌ای و آنچه در مذاکرات لوزان رخ داد، ضمن اینکه در برگیرنده ابعاد مختلف سیاسی،

حقوقی، اقتصادی، امنیتی و فنی است، شامل شناخت مصالح کلان نظام نیز می‌شود؛ بنابراین تحلیل موضوع هسته‌ای مستلزم احتیاط‌های لازم است.

ابعاد و نکات اساسی در تبیین بیانیه مشترک

۱. منابع: برای استخراج نکات اساسی توافقات به عمل آمده در مذاکرات لوزان با منابع زیر روبه‌رو هستیم:

یک. منابع مکتوب: بیانیه مشترک ایران و ۵+۱ که در دانشگاه پلی تکنیک لوزان سوئیس قرائت و منتشر شد؛ فکت شیت منتشره از سوی کاخ سفید که تفسیر آمریکا از آن چیزی است که در مذاکرات لوزان به دست آمده است و خلاصه راه‌حلهایی که وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران پس از مذاکرات منتشر کرده است.

دو. منابع شفاهی: دو دسته منابع شفاهی اصلی وجود دارد. سخنرانی رئیس جمهوری آمریکا که بلافاصله پس از پایان مذاکرات ایراد شد و مواضع بعدی وی، مصاحبه مطبوعاتی وزیر خارجه آمریکا در لوزان که پس از پایان مذاکرات انجام شد و مواضع بعدی وی، همچنین مواضع مسئول انرژی اتمی آمریکا و سخنگوی کاخ سفید و مواضع سایر وزرای خارجه ۵+۱ از یک سو و مواضع وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، معاونان وی، رئیس سازمان انرژی اتمی، ریاست جمهوری از سوی دیگر منابع شفاهی هستند که می‌توانند مبنایی برای قضاوت و داوری باشند.

با توجه به مبانی پیش گفته در این نوشتار، تحلیل روبرو اصل را بر بیانیه مشترک ایران و ۵+۱ و خلاصه راه‌حل‌های وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در بخش منابع مکتوب و مواضع وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، معاونان وی، رئیس سازمان انرژی اتمی و ریاست جمهوری در بخش منابع شفاهی قرار داده است.

۲. اذعان شکست غرب و آمریکا از گفتمان مقاومت: یکی از ابعاد نتایج مذاکرات عقب‌نشینی آمریکا از بخشی از خواسته‌های زیاده‌خواهانه خود و اذعان بر عدم توانایی در تحمیل اراده خود بر ملت ایران از طریق ابزارهای نظامی و اقتصادی و سیاسی است. قبل از تحریم‌ها ایران چند صد سانتریفیوژ داشت و پس از تحریم‌ها، سانتریفیوژهای ایران به ۱۹ هزار دستگاه رسید. قبل از تحریم‌ها، ایران چند صد کیلوگرم ذخایر غنی‌سازی اورانیوم داشت و پس از تحریم‌ها این مقدار به حدود ۱۰ هزار کیلوگرم رسید. پیش از تحریم‌ها، غنی‌سازی ایران پنج درصدی بود و پس از تحریم‌ها به بیست درصد افزایش یافت. قبل از تحریم‌ها، سانتریفیوژهای ایران نسل اول (IR۱) بود، اما بعد از تحریم‌ها نسل هشتم طراحی و تست شده است که ۲۰ برابر نسل اول قدرت دارد. این پیشرفت در کنار مقاومت و پایداری ملت ایران و حمایت از سیاست‌ها و دیپلماسی هسته‌ای ایران، باعث شد تا مقامات آمریکا به نتایج زیر برسند:

الف) اوباما: «اگر من گزینه‌ای در اختیار داشتم که در آن ایران یک پیچ‌ها و مهره‌های برنامه هسته‌ای خود را از بین می‌برد و امکان داشتن برنامه هسته‌ای را برای همیشه از دست می‌داد و در اثر آن، از شر همه توانایی‌های نظامی‌اش رها می‌شد، این گزینه را انتخاب می‌کردم، ولی... دوست دارم همه این را درک کنند که چنین گزینه (خاصی) در دسترس نیست، در نتیجه کاری که ما باید انجام بدهیم، این است که تصمیمی بگیریم که با توجه به گزینه‌های موجود، بهترین راه برای اطمینان از عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای باشد».

ب) اوباما: واقعیت این است که ما تنها سه گزینه برای حل و فصل مسأله هسته‌ای ایران داریم. نخست اینکه بتوانیم به توافقی قوی و قابل راستی‌آزمایی مانند این دست پیدا کنیم که به طور صلح‌آمیز از دستیابی

ایران به سلاح هسته‌ای جلوگیری کند. گزینه دوم این است که تأسیسات هسته‌ای ایران را بمباران کنیم و جنگی دیگر را در خاورمیانه آغاز کنیم. سومین (گزینه) این است که ما می‌توانیم خود را از مذاکرات بیرون بکشیم و تلاش کنیم کشورهای دیگر را متقاعد سازیم که به همکاری با ما برای اعمال تحریم‌های گذشته و تحریم‌های جدید، همچنان ادامه دهند و صرفاً امیدوار باشیم که بهترین اتفاق‌ها (که به نفع ما باشد) بیفتد. این در حالی است که ما هر بار که این کار را کردیم (از مذاکرات بیرون آمدیم) ایران سر تسلیم فرود نیاورد، بلکه در مقابل، برنامه (هسته‌ای) خود را پیش برد. اگر چنین شود، زمان لازم که ایران برای تولید بمب هسته‌ای به آن نیاز خواهد داشت، مدتی کوتاه خواهد بود. بنابراین مقاومت ایران و عدم توانایی هر یک از گزینه‌های پیش رو باعث شد که اوباما اذعان نماید که «ما از ایران انتظار نداریم تا مسأله هسته‌ای‌اش را نابود کند. ایران حق دارد تا برنامه‌های صلح‌آمیزش را ادامه دهد؛ چراکه ایالات متحده مقابل بحث‌های غیرممتعارف هسته‌ای می‌ایستد و نه مسائل صلح‌آمیز».

ج) جان کری: «این که ما از ایران بخواهیم تسلیم شود عملی نخواهد بود. توافق خوب این نیست که به نفع یک طرف و به ضرر طرف دیگر باشد. این ارزیابی من و تمام شرکای ماست. ما مثل یک تیم، برنامه‌ریزی کردیم و این بهترین راه حل بود».

۳. نگاه‌های متفاوت به بیانیه: پس از انتشار بیانیه مشترک، تحلیل‌های مختلفی در خصوص این بیانیه صورت گرفت. برخی نگاه مثبت حداکثری به آن داشته و با ذوق‌زدگی رضایت کامل خود را از روند مذاکرات و نتایج آن ابراز داشتند. برخی دیگر در مقابل آن قرار گرفته و به طور کلی این بیانیه و نتایج آن را در خوشبینانه‌ترین وضعیت نگران‌کننده و در بدبینانه‌ترین وضعیت، فاجعه‌آمیز خوانده‌اند. در این میان برخی تحلیل‌ها نگاه حداقلی

داشته و بر این اعتقادند که مذاکرات لوزان و بیانیه منتج از آن دارای مزایا و معایبی است و معایب آن بر مزایایش غلبه دارد. تحلیل محتوای بخشی از تحلیل‌هایی که نگاه سلبی داشته‌اند نشان می‌دهد عموماً تمرکز اصلی آنها بر فکت‌شیت آمریکا و جدی تلقی کردن اسناد منتشره از سوی این کشور، مواضع مقامات آمریکا یا تحلیل‌های ارائه‌شده از سوی تحلیل‌گران غربی از یک سو و نوعی بی‌اعتمادی نسبت به تیم هسته‌ای کشورمان از سوی دیگر بوده است.

۴. ماهیت بیانیه مشترک: وزیر خارجه و معاون اروپایی وی، قبل از انتشار این بیانیه اعلام کرده بودند که پس از رسیدن به راه‌حل‌ها بیانیه مطبوعاتی مشترکی منتشر خواهند کرد. از این رو به زعم آنها ماهیت این بیانیه مطبوعاتی یا به تعبیر بهتر سیاسی و ناظر به مبانی است که چارچوب کلی توافق را برای نگارش راه‌حل‌ها مشخص می‌کند. چنانچه در خلاصه راه‌حل‌های منتشره توسط وزارت خارجه چنین آمده است: «در مجموعه متضمن این راه‌حل‌ها جنبه حقوقی نداشته و صرفاً راهنمای مفهومی تنظیم و نگارش برنامه جامع اقدام مشترک را فراهم خواهد ساخت. بر این اساس تدوین برنامه جامع اقدام مشترک با مبنا قرار دادن این راه‌حل‌ها در آینده نزدیک آغاز خواهد گردید». این در حالی است که منتقدان بر این باورند که این بیانیه یک توافق واقعی است و ماهیت حقوقی داشته و برای جمهوری اسلامی ایران الزام‌آور می‌باشد. اگرچه به نظر می‌رسد با توجه به محتوای بیانیه، نمی‌توان از آن به عنوان یک توافق نام برد با این حال، چه آن را توافق بنامیم یا بیانیه، این حقیقت مسلم است که ماهیت بیانیه بیانگر نقشه راه کلی و چارچوب‌های مسیر است که بر مبنای آن می‌بایست راه‌حل‌ها تدوین شود؛ بنابراین از این موضوع با توجه به موضع وزیر خارجه و معاون وی و خلاصه راه‌حل‌های منتشره توسط وزارت خارجه می‌توان نتیجه دیگری گرفت

که آنچه اتفاق افتاد یک توافق دو مرحله‌ای نیست؛ زیرا این توافق هنوز در مرحله تدوین است؛ این بیانیه قابل تغییر است؛ اعلام موفقیت در این مرحله به معنای اعلام توافق نهایی و یا حتی توافق سیاسی نیست؛ همچنین قطعیتی در دستیابی به توافق نهایی در سه ماه آینده نیز وجود ندارد و در زمان نگارش متن احتمال دارد آمریکایی‌ها زیاده‌خواهی کنند.

۵. مبانی مورد توافق طرفین

۵-۱. خطوط کلی تعهدات ایران:

ردیف	بیانیه مشترک	خلاصه راه‌حل‌ها و مواضع کارگزاران هسته‌ای
۱.	سطح و ظرفیت غنی‌سازی و میزان ذخایر ایران برای دوره‌های زمانی مشخص محدود خواهد شد.	ظریف: در چک نویس بیانیه من و خانم موگرینی راجع به تعداد سانتریفیوژها صحبت شد که بیش از ۵ هزار سانتریفیوژ در نطنز و بیش از هزار سانتریفیوژ در فردو فعالیت خواهد کرد و سانتریفیوژهایی که در نطنز هستند غنی‌سازی خواهند کرد. ظریف: امروز غنی‌سازی ما فقط برای ۱۰ سال محدودیت خواهد داشت آن هم با ضوابطی خاص. عراقچی: غنی‌سازی ما حتماً به صورت علمی و مشخص ادامه می‌یابد و ماشین‌های جدید به تولید می‌رسد و بعد از دوره ۱۰ ساله، به غنی‌سازی صنعتی می‌رسیم. خلاصه راه‌حل وزارت خارجه ایران: دوره زمانی برنامه جامع اقدام مشترک در خصوص برنامه غنی‌سازی ایران ۱۰ ساله

خواهد بود. در طول این مدت، تعداد بیش از ۵ هزار ماشین سانتریفیوژ در نطنز به تولید مواد غنی شده در سطح ۳/۶۷ درصد ادامه خواهند داد. ماشین های اضافه بر این تعداد و زیرساخت های مرتبط با آنها جهت جایگزینی با ماشین هایی که در طول این زمان آسیب می بینند جمع آوری و تحت نظارت آژانس نگهداری خواهد شد. همچنین ایران قادر خواهد بود ذخایر موجود مواد غنی شده خود را برای تولید مجتمع سوخت هسته ای و یا صادرات آنها به بازارهای بین المللی در قبال خرید اورانیوم اختصاص دهد.		
ظریف: نطنز به غنی سازی ادامه خواهد داد و حتی یک روز کار نطنز متوقف و یا تعلیق نخواهد شد. عراقچی: در نطنز، غنی سازی خود را ادامه می دهیم. ما برنامه ای برای ایجاد مرکز غنی سازی جدید تا سال های طولانی نداریم؛ زیرا نیازهای موجود ما را نطنز جواب می دهد. حتی یک سانتریفیوژ را از بین نمی بریم، بلکه برای اعتمادسازی، این دستگاه ها جمع آوری و در انبار پایگاه هسته ای نطنز قرار می گیرد.	نطنز تنها مرکز غنی سازی در ایران خواهد بود.	۲.
ظریف: برنامه تحقیق و توسعه طبق ضوابط علمی به کار خود ادامه خواهد داد.	تحقیق و توسعه غنی سازی در ایران بر	۳.

روی ماشین‌های سانتریفیوژ بر اساس یک جدول زمانی و سطح توافق‌شده، انجام خواهد شد.	سانتریفیوژهای پیشرفته ما که روزی در ابتدای همین مذاکرات، زمانی که ما توافق ژنو را داشتیم برای جلوگیری از IR۸ ما دو ماه مذاکرات را متوقف کردند، مشغول به کار خواهد شد و در این مدت تحقیق و توسعه ادامه خواهد داشت. عراقچی: یکی از دستاوردهای اخیر مذاکرات این است که طرف مذاکره‌کننده موافقت کرد ما روی ماشین‌های آر ۵ وای آر ۶ وای آر ۸ به منظور توسعه، تحقیق کنیم. خلاصه راه‌حل وزارت خارجه ایران: ایران برنامه تحقیق و توسعه خود را روی ماشین‌های پیشرفته ادامه خواهد داد و مراحل آغاز و تکمیل فرایند تحقیق و توسعه سانتریفیوژهای IR-۴، IR-۵، IR-۶ و IR-۸ را در طول دوره زمانی ۱۰ ساله برنامه جامع اقدام مشترک ادامه خواهد داد.
فردو از یک سایت غنی‌سازی به یک مرکز هسته‌ای، فیزیک و فناوری تبدیل خواهد شد و مواد شکافت‌پذیر در فردو نخواهد بود.	ظریف: تصمیم نظام این است که سانتریفیوژهایی که در فردو هستند به عنوان روش ما که برای کار خودمان استفاده می‌کنیم آنجا باشند و بنا نداریم که به آن سانتریفیوژها غنی‌سازی کنیم و هم‌چنان که آمریکایی‌ها گفته‌اند مواد شکافت‌پذیر به سانتریفیوژها تزریق نشود و از مواردی هم هست که در آن [چک‌نویس راه‌حل‌ها] پراتنز نیست و روی آن توافق است که ما هزار

سانتریفیوژ که زنجیره‌اش در حال چرخش بدون مواد است آنجا باقی می‌ماند. عراقچی: یک هزار ماشین و دیگر سیستم‌های دیگر بدون غنی‌سازی در این پایگاه قرار دارد و هرگاه طرف مقابل به تعهدات خود عمل نکند این دستگاه‌ها را فعال می‌کنیم. خلاصه راه حل وزارت خارجه ایران: تأسیسات هسته‌ای فردو به مرکز تحقیقات هسته‌ای و فیزیک پیشرفته تبدیل خواهد شد. بیش از ۱۰۰۰ ماشین سانتریفیوژ و تمامی زیرساخت آنها در فردو حفظ و نگهداری خواهند شد که از این میان دو آبشار سانتریفیوژ در چرخش خواهند بود. همچنین نیمی از تأسیسات فردو با همکاری برخی از کشورهای (۵+۱) به انجام تحقیقات پیشرفته هسته‌ای و تولید ایزوتوپ‌های پایدار که مصارف مهمی در صنعت، کشاورزی و پزشکی دارد، اختصاص پیدا می‌کند.	
ظریف: در این توافق ما به نیروگاه آب سنگین اراک دست یافته‌ایم و این در صورتی است که در گذشته غربی‌ها به شدت با آن مخالف بودند. نیروگاه اراک را ما طراحی می‌کنیم، اما به دلیل تحریم‌ها برخی از قطعات را از بازار سیاه خریداری کرده و این همواره برای ما مشکل‌ساز بوده است؛	۵. راکتور تحقیقاتی پیشرفته آب سنگین در اراک با همکاری مشترک بین‌المللی بازطراحی و نوسازی خواهد شد به گونه‌ای که پلوتونیوم با قابلیت

تسلیماتی در آن تولید نگردد. بازفرآوری صورت نخواهد گرفت و سوخت مصرف شده صادر خواهد گردید.	زیرا برخی اوقات این قطعات عملکرد تخریبی دارد و ما را دچار مشکل می کند. ظریف: ماهیت آب سنگین خود را حفظ خواهد کرد و در سند نهایی نام رآکتور، رآکتور آب سنگین خواهد بود. عراقچی: رآکتور آب سنگین، ماهیت آب سنگین خود را حفظ می کند. دانشمندان داخلی ما گفتند که حاضرند در رآکتور اراک تغییراتی را ایجاد کنند که آب سنگین باشد اما پلوتونیوم آن به حداقل برسد. خلاصه راه حل وزارت خارجه ایران: رآکتور تحقیقاتی اراک آب سنگین باقی خواهد ماند و با انجام بازطراحی ارتقا یافته و روزآمد خواهد شد. در بازطراحی رآکتور ضمن کاهش میزان تولیدی پلوتونیوم، کارایی رآکتور اراک به میزان قابل توجهی افزایش پیدا خواهد کرد. بازطراحی رآکتور اراک در چارچوب یک برنامه زمان بندی مشخص و در قالب یک پروژه بین المللی مشترک تحت مدیریت ایران آغاز و پس از آن بلافاصله ساخت آن شروع و در چارچوب یک برنامه زمان بندی تکمیل خواهد شد. تولید سوخت رآکتور اراک و اعطای گواهی بین المللی سوخت رآکتور از جمله موارد این همکاری های بین المللی خواهد بود. از طرف دیگر، کارخانه تولید آب سنگین نیز مانند
---	---

		قبل به کار خود ادامه خواهد داد.
۶.	مجموعه تدابیری برای نظارت بر اجرای مفاد برجام شامل کد اصلاحی ۳.۱ و اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی مورد توافق واقع شده است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از فناوری‌های مدرن نظارتی استفاده خواهد کرد و از دسترسی‌های توافق‌شده بیشتری از جمله به منظور روشن کردن موضوعات گذشته و حال برخوردار خواهد شد.	عراقچی: تعهد کردیم که به صورت داوطلبانه مفاد این پروتکل را تا تصویب مجلس اجرا کنیم. خلاصه راه‌حل وزارت خارجه ایران: ایران «داوطلبانه» این پروتکل را به صورت «موقت» اجرا می‌کند و «در ادامه فرآیند تصویب این پروتکل طبق یک جدول زمانی در چارچوب اختیارات رئیس‌جمهور و مجلس شورای اسلامی به تصویب خواهد رسید».
۷.		ظریف: زمانی که توافق نوشته می‌شود یک امکانی وجود خواهد داشت که اگر طرف مقابل به ما گفتند که ما نمی‌توانیم تحریم‌ها را برگردانیم ما هم به صراحت می‌توانیم پس از گذشت یک روند از اجرای تعهدات خود امتناع کنیم. خلاصه راه‌حل وزارت خارجه ایران: برای بازگشت‌پذیری متقابل تعهدات مندرج در برنامه جامع اقدام مشترک در صورت نقض تعهدات از سوی هر یک از طرف‌ها سازوکار لازم پیش‌بینی شده است.

۲-۵. تعهدات طرف مقابل:

ردیف	بیانیه مشترک	خلاصه راه‌حل‌ها و مواضع کارگزاران هسته‌ای
۱.	ایران در همکاری‌های بین‌المللی در حوزه انرژی صلح‌آمیز شرکت خواهد نمود که می‌تواند شامل ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای و رآکتورهای تحقیقاتی شود.	خلاصه راه‌حل وزارت خارجه ایران: همکاری‌های بین‌المللی هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران از جمله با اعضای ۵+۱ در حوزه ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای، رآکتور تحقیقاتی، گداخت هسته‌ای، ایزوتوپ‌های پایدار، ایمنی هسته‌ای، پزشکی و کشاورزی هسته‌ای و ... امکان‌پذیر و ارتقا پیدا خواهند کرد. بر
۲.	همکاری ایران و جامعه بین‌الملل در زمینه ایمنی و امنیت هسته‌ای	اساس برنامه جامع اقدام مشترک، دسترسی ایران به بازار جهانی، عرصه‌های تجاری، مالی، دانش فنی و انرژی نیز فراهم خواهد شد.
۳.	در مرکز فردو همکاری بین‌المللی در حوزه‌های تحقیق و توسعه مورد توافق مورد تشویق قرار خواهد گرفت.	ظریف: در آینده فردو با همکاری بین‌المللی به یک مرکز پیشرفته هسته‌ای و تحقیقاتی و فناوری نوین روز تبدیل خواهد شد.
۴.	اتحادیه اروپایی، اعمال تحریم‌های اقتصادی و مالی مرتبط با هسته‌ای خود را خاتمه خواهد داد.	ظریف: بر اساس حقوق بین‌الملل دولت آمریکا متعهد می‌شود که کلیه تحریم‌ها را لغو کند، اما در اتحادیه اروپا وضعیت فرق می‌کند و بعد از نهایی شدن توافق در همان روز بلافاصله تحریم‌ها لغو خواهد شد. در مورد تعلیق تحریم‌ها نماینده اتحادیه اروپا به شرم‌ن ایمیل زده بود که

		چرا موضع ما را خلاف گفتید و حتی به خود کُری هم اعتراض رسمی کرده است.
۵.	ایالات متحده اجرای تحریم‌های مالی و اقتصادی ثانویه ^۱ مرتبط با هسته‌ای را، همزمان با اجرای تعهدات عمده هسته‌ای ایران به نحوی که توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی راستی‌آزمایی شود، متوقف خواهد کرد.	ظریف: از روزی که این قطعنامه اجرایی بشود و آژانس انرژی اتمی تأیید کند که ما اقدامات لازم را انجام داده‌ایم در آن لحظه آمریکا موظف است کلیه تحریم‌های اقتصادی و مالی را که علیه ایران وضع کرده بود متوقف سازد. از نظر حقوق بین‌الملل دولت آمریکا مسئول و موظف خواهد بود که تحریم‌ها را یکباره لغو کند و اگر کسی درباره لغو تدریجی تحریم‌ها صحبت می‌کند باید بدانیم که برخلاف آنچه که تاکنون تصویب شده صحبت می‌کند. زمانی که توافق نهایی حاصل می‌شود و پس از آن نیز مدتی به اندازه چند ماه به دلیل اقداماتی که ما و طرف مقابل باید انجام دهیم تا زمان اجرایی شدن توافق فاصله خواهد داشت. اما همه این اقدامات بر اساس یک برنامه زمان‌بندی شده مصوب شورای امنیت که قابل خدشه نیست خواهد بود.

^۱ - تحریم‌های اولیه، آن دسته از تحریم‌های آمریکا علیه ایران از ابتدای انقلاب است که اتباع آمریکایی را برای همکاری با ایران منع کرده است. تحریم‌های ثانویه، تحریم‌های غیرقانونی آمریکایی‌ها در ارتباط با موضوع هسته‌ای ایران است که کشورهای دیگر را برای همکاری با ایران منع می‌کند.

ظریف: اگر توافق شود، موضوع به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع می‌شود و شورا براساس ماده ۴۱ فصل هفتم قطعنامه را تایید می‌کند و کلیه قطعنامه‌های قبلی را لغو می‌کند و اتفاق در همان لحظه و قبل از اجرا صورت می‌پذیرد و پروژه هسته‌ای از دستور کار شورای امنیت خارج می‌شود. البته برخی از بندهای قطعنامه‌های شورای امنیت که مربوط به اقلام اشاعه‌ای و تسلیحاتی است از قطعنامه شورای امنیت خارج خواهند شد، اما لغو نمی‌شوند و به عنوان محدودیت برای مدت زمان معینی که روی آن توافق خواهد شد اعمال می‌شود. خلاصه راه‌حل وزارت خارجه ایران: همچنین تحریم‌ها علیه اشخاص حقیقی و حقوقی، سازمان‌ها، نهادهای دولتی و خصوصی تحت تحریم‌های مرتبط هسته‌ای ایران از جمله؛ بانک مرکزی، سایر مؤسسات مالی و بانکی، سوئیفت، کشتیرانی و هواپیمایی جمهوری اسلامی، کشتیرانی نفت به‌طور همه‌جانبه فوراً برداشته خواهند شد. همچنین کشورهای عضو گروه (۵+۱) متعهد هستند از وضع تحریم‌های جدید در موضوع هسته‌ای خودداری نمایند.	یک قطعنامه جدید شورای امنیت سازمان ملل متحد صادر خواهد شد که در آن برجام تأیید شده، کلیه قطعنامه‌های قبلی مرتبط با موضوع هسته‌ای لغو خواهد گردید و برخی تدابیر محدودیت‌ساز مشخص، را برای یک دوره زمانی مورد توافق، لحاظ خواهد کرد.	۶.
--	---	-----------

طرف‌های برنامه جامع اقدام مشترک پس از تصویب قطعنامه شورای امنیت، به یک دوره زمانی آماده‌سازی برای اجرای برنامه جامع اقدام مشترک نیاز خواهند داشت. پس از طی مرحله آماده‌سازی و همزمان با شروع به اجرای اقدامات هسته‌ای از سوی ایران در یک روز تعیین‌شده لغو تمامی تحریم‌ها به‌طور خودکار به اجرا در خواهد آمد.		
---	--	--

۶. دستاوردها و ابهامات:

اگرچه هنوز از جزئیات مذاکرات و راه‌حل‌های به‌دست‌آمده اطلاعاتی منتشر نشده با این حال مطالعه بیانیه مشترک و توضیحاتی که دکتر ظریف وزیر خارجه کشور و عراقچی معاون وزیر خارجه پیرامون بیانیه و پاسخ به سؤالات داده‌اند، یکسری ابهامات و سؤالاتی را در اذهان باقی گذاشته که نیاز به توجیه و پاسخ آن توسط مسئولان و اعضای تیم هسته‌ای است. در عین حال نمی‌توان این حقیقت را کتمان کرد که توفیقات قابل توجهی نیز وجود دارد.

۱-۶. دستاوردها:

برخی از دستاوردهایی که از ابرام و شفافیت بیشتری برخوردارند عبارتند از:

- ۱-۱-۶. به رسمیت شناخته شدن حق غنی‌سازی صنعتی برای ایران و چرخه سوخت هسته‌ای و امکان غنی‌سازی در داخل کشور؛
- ۲-۱-۶. حفظ فعالیت‌های غنی‌سازی در تأسیسات صنعتی نطنز؛
- ۳-۱-۶. حفظ ماهیت آب سنگین اراک و مدرن شدن آن

۴-۱-۶. امکان تحقیق و توسعه در کشور اعم از ماشین سانتریفیوژ و فناوری‌های مرتبط روز؛

۵-۱-۶. برگشت‌پذیر بودن تمامی تعهدات ایران؛

۶-۱-۶. عدم ورود به موضوعات غیرهسته‌ای؛

۷-۱-۶. لغو تحریم‌های سازمان ملل و اتحادیه اروپا؛

۸-۱-۶. حفظ تأسیسات فردو البته با توجه به وجود ۱۰۰۰ سانتریفیوژ و تغییر کاربری فردو؛

۹-۱-۶. عدم ذکر PMD در بیانیه مشترک.

۲-۶. ابهامات:

برخی از ابهاماتی که به نظر می‌رسد در این فرایند قابل ملاحظه هستند عبارتند از:

۱-۲-۶. بازه زمانی تعهدات: این سؤال مطرح است که تیم هسته‌ای بر چه مبنایی بازه ده ساله را برای محدودسازی سطح و ظرفیت غنی‌سازی و میزان ذخایر اورانیوم و ۱۵ ساله را برای پلوتونیوم پذیرفته است. این ابهام زمانی بیشتر می‌شود که بازه باقی‌مانده تأمین سوخت هسته‌ای راکتور بوشهر ۷ سال بیشتر نیست.

۲-۲-۶. راستی‌آزمایی آژانس: براساس بیانیه مشترک لغو تحریم‌های آمریکا منوط به اجرای تعهدات ایران و راستی‌آزمایی آن توسط آژانس شده است. از این رو با توجه به سابقه عملکرد آژانس این سؤال و ابهام وجود دارد که در صورت عدم اعلام به موقع آژانس در خصوص اجرای تعهدات ایران، با چه مکانیسمی می‌توان از تطویل این موضوع ممانعت به عمل آورد تا تعهدات آمریکا برای لغو تحریم‌ها اجرا شود.

۳-۲-۶. پروتکل الحاقی و دسترسی‌های اضافی: اگرچه پروتکل الحاقی در دوره‌های گذشته توسط ایران به اجرا گذاشته شده است و توضیحاتی را دکتر

ظریف در مصاحبه تلویزیونی داده‌اند، اما این موضوع همچنان در هاله‌ای از ابهام است که چرا علاوه بر پروتکل الحاقی، دسترسی‌های توافق‌شده بیشتری مد نظر قرار گرفت. در واقع با توجه به افشای اطلاعات محرمانه ایران، ترورهای دانشمندان هسته‌ای و اعلام علنی فرانسوی‌ها مبنی بر ادامه خرابکاری در برنامه هسته‌ای ایران علی‌رغم توافق جامع و تداوم سناریوهای خرابکارانه صهیونیست‌ها، این سؤال را ایجاد می‌کند که چه تضمینی برای این مسایل در نظر گرفته شده است؟

۷. چالش‌های پیش رو

۷-۱. چالش‌های مرتبط با بیانیه مشترک: تردیدی نیست که بیانیه مشترک در لوزان سوئیس به معنای تمام کار نیست و به تعبیر مسئول تیم هسته‌ای «هنوز در آغاز راه هستیم»؛ بنابراین برنامه هسته‌ای ایران تا توافق نهایی با چالش‌هایی روبرو خواهد بود که مهمترین آنها عبارتند از:

۷-۱-۱. زیاده‌خواهی آمریکا. اولین و مهم‌ترین چالش فریبکاری و زیاده‌خواهی آمریکا است. اعضای تیم هسته‌ای نیز بر این امر واقفند که احتمال زیاده‌خواهی کاخ سفید در زمان باقی‌مانده برای نگارش متن وجود دارد.

۷-۱-۲. طولانی شدن زمان توافق: با توجه به دیدگاه‌های منتشرشده آمریکایی‌ها و همچنین اظهار نظرهای وزرای خارجه فرانسه، آلمان و انگلیس در موضوع تحریم‌ها و برخی از مسایل دیگر بیانگر این حقیقت است که سه ماه باقی‌مانده با دشواری‌های بیشتری روبرو است و طرف غربی سعی خواهد کرد با توجه به شرایط جدید و نوع فعل و انفعالات داخل ایران و اظهارات نسجیده برخی از افراد و شخصیت‌ها به‌ویژه فشارهای صهیونیست‌ها و برخی از کشورهای عربی منطقه بحث را تطویل داده و زمان توافق و احیاناً محتوای

توافق را تغییر دهند.

۳-۱-۷. تصویب قطعنامه: تصویب قطعنامه با توجه به حساسیت‌هایی که دارد و با عنایت به آنچه در بیانیه ذکر شد، می‌تواند یکی از موضوعات چالشی جدی باشد. در واقع با توجه به اصل فریبکار بودن دشمن، این گمانه قوی وجود دارد که غربی‌ها به‌ویژه آمریکایی‌ها به دنبال قطعنامه‌ای باشند که شرایط غیر منطقی را بخواهند در آن بگنجانند.

۴-۱-۷. لغو تحریم: اگرچه توضیحات قابل اعتنایی را تیم هسته‌ای در این زمینه داده‌اند، اما شواهد رفتارهای کنونی کاخ سفید و مجموعه کنگره آمریکا و همچنین منطق رفتاری واشینگتن در موارد مشابه بیانگر این موضوع است که لغو تحریم آن‌گونه که گفته می‌شود به سادگی اجرایی نشود.

۲-۷. چالش‌های پیرامونی: علاوه بر چالش ذکر شده، رویداد هسته‌ای لوزان، یکسری چالش‌های غیرهسته‌ای را نیز ممکن است در داخل کشور ایجاد کند.

۱-۲-۷. فراموشی دشمنی آمریکا: شواهد نشان می‌دهد که برخی جریان‌ها سعی دارند در ذیل موضوع مذاکرات هسته‌ای، مسأله رابطه با آمریکا را کلید بزنند و این‌گونه وانمود کنند که با توافق هسته‌ای دشمنی آمریکا با ایران نیز پایان یافته است.

۲-۲-۷. رها کردن اقتصاد مقاومتی و غفلت از ساخت درونی کشور: انتظار برداشته شدن تحریم‌ها و آزاد شدن پول‌های ایران این آفت را به دنبال خواهد داشت که اقتصاد مقاومتی از اولویت‌ها خارج شود و اقدامات جدی و ضروری در این رابطه صورت نگیرد.

۳-۲-۷. مصادره کردن نتایج مذاکرات توسط برخی از جریان‌های سیاسی و ملتهب‌سازی فضای سیاسی کشور و ایجاد جو علیه نیروهای ارزشی.

۴-۲-۷. راه‌اندازی کارناول‌های شادی: در حالی که هرگونه اقدام

نسنجیده و ارسال سیگنال ضعف و تأیید کارساز بودن فشار تحریم‌ها به دشمن یک خطای راهبردی است، اما به نظر می‌رسد که برخی از جریان‌های و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی سعی در بهره‌برداری از این موضوع برای التهاب‌سازی در جامعه داشته و با جا انداختن این الگوی سیاسی ضرورت توافق داخلی (فراموشی فتنه) پس از توافق خارجی برآیند.

۷-۲-۵. شیفت تحریم‌ها به سمت مسایل غیرهسته‌ای: یکی از چالش‌های پیش رو، سنگین کردن وزن تحریم‌های حقوق بشری و موشک‌های بالستیک و همچنین حمایت‌های ایران از حزب‌الله لبنان و جنبش مقاومت فلسطین و... است.

بنابراین این رخداد که شامل قوت‌ها و ضعف‌ها و متضمن فرصت‌ها و تهدیدهایی است نباید عاملی برای ایجاد شکاف داخلی شده و سبب شود دشمن در انتقال و تبدیل دشمنی‌اش با نظام به کینه و اختلاف در داخل موفق شود. در عین حال نباید فراموش کرد آنچه دشمن را وادار به پذیرش مذاکره و کنار گذاشتن سایر گزینه‌ها کرده، روند تولید قدرت در جمهوری اسلامی از جمله دستاوردهای هسته‌ای و مقاومت مردم در برابر فشار دشمن بوده که استحکام‌بخشی به آن مستلزم نگاه به درون و استفاده از منابع داخلی به جای نگاه به دست دشمن است.



تبیین اعتماد متقابل

در علوم سیاسی تقسیم‌بندی‌های گوناگونی از انواع حکومت وجود دارد که از نظر مُدل و نحوه حکومت کردن به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند. اما رهبر معظم انقلاب اسلامی تقسیم‌بندی‌ای کلی از انواع حکومت براساس نحوه اداره آنها دارند و حکومت‌ها را به سه دسته اصلی تقسیم می‌کنند:

دسته اول نظام‌های پلیسی مانند سیستم‌های استبدادی کمونیستی، سلطنتی و شبه‌سلطنتی با ویژگی‌های خاص خود هستند و دسته دوم دموکراسی‌های غربی هستند که با تزویر و تبلیغات اداره می‌شوند. اما سومین مُدل، نظامی است که با محبت و عطف مردم اداره می‌شود (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۰/۰۵/۲۳).

از نگاه امام خامنه‌ای نظام اسلامی نمی‌خواهد و نمی‌تواند با دو شیوه اول اداره شود و بر این اساس «اعتماد و محبت مردم به نظام» از جایگاهی بنیادین در جمهوری اسلامی برخوردار است:

«یک نوع نظام هم نظامی است که با محبت و عطف مردم اداره می‌شود. باید مردم را مورد محبت و احترام قرار داد و به آنها اعتنا کرد، تا به دستگاه حاکمه

وصل باشند و پشت سرش قرار گیرند. نظام ما تا حالا این گونه بوده است؛ بعد از این هم باید این طور باشد» (همان).

شکل گیری جو اعتماد در جامعه از جمله ضروریات پیشرفت و موفقیت است. اعتماد متقابل میان دولت و ملت از مهم ترین مؤلفه های اقتدار و صلابت حکومت ها محسوب می شود. اعتماد متقابل را باید یکی از مهم ترین صفات لازم در رابطه میان حاکمان و مردم به حساب آورد که ریشه عمیقی در فرهنگ اسلامی و سیره سیاسی معصومین^(ع) دارد.

از همین جا می توان علت تأکید رهبر فرزانه انقلاب بر مقوله «اعتماد متقابل مردم و نظام» در پیام نوروزی سال ۹۴ را دریافت که همکاری های صمیمانه و همدلی بیشتر میان ملت و دولت را شرط عملیاتی شدن ظرفیت ها و تحقق آرزوها دانسته و لازمه شکل گیری این همکاری و همدلی را «اعتماد متقابل» معرفی کردند:

«اگر این همکاری صمیمانه [میان ملت و دولت] از دو سو شکل بگیرد، یقیناً همه آنچه را که جزو آرزوهای ما است دست یافتنی است و آثار آن را مردم عزیزمان به چشم خواهند دید... هرچه بین ملت و دولت صمیمیت بیشتر و همکاری بیشتر و همدلی بیشتری باشد، کارها بهتر پیش خواهد رفت. باید به یکدیگر اعتماد کنند؛ هم دولت، ملت را به معنای واقعی کلمه قبول داشته باشد و ارزش و اهمیت و توانایی های ملت را بدرستی بپذیرد، هم ملت به دولت که کارگزار کارهای او است به معنای حقیقی کلمه اعتماد کند».

از منظر امام خامنه ای اعتماد مردم به نظام زمینه ساز پشتیبانی آنها از حکومت را فراهم آورده و دستیابی به اهداف اسلامی را تضمین می کند:

«در حقیقت اعتماد مردم است که پشتیبانی آنها را به وجود می آورد؛ و پشتیبانی و اتصال مردم به دست اندرکاران نظام است که توفیق این حرکت اسلامی را با اهداف اسلامی تضمین می کند... مردم هستند که پشتیبان واقعی نظامند؛ این پشتیبانی، متوقف به اعتماد است و این اعتماد هم باید

باقی بماند» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۷۰/۱۲/۱۲). در این نگاه «رمز موفقیت حاکمیت و قوای سه‌گانه کشور» در همین پشتیبانی ملت از آنها نهفته است و هیچ عاملی نباید به اعتماد به عنوان زمینه‌ساز این پشتیبانی ضربه بزند:

«رمز موفقیت دولت و قوه قضاییه و مقننه، در پشتیبانی قاطبه ملت از آنهاست. هر حرکت و گفتاری که روح اعتماد مردم به این قوا و کارگزاران آن را متزلزل و در این پشتیبانی، اندک خللی وارد سازد، حرام شرعی و خیانت ملی است» (پیام به نمایندگان مجلس و مردم ایران ۱۳۶۸/۱۰/۱۸).

مفهوم‌شناسی

اعتماد در زبان فارسی مترادف با تکیه کردن، وا گذاشتن کار به کسی، اطمینان، وثوق، باور و اعتقاد به کار گرفته می‌شود. در فرهنگ لغت آکسفورد اعتماد به معنی اطمینان به بعضی از صفات یا ویژگی یک شخص و یا حتی درستی و حقانیت یک نظریه تعریف شده است.

اندیشمندان تعاریف بسیاری از اعتماد مطرح کرده اند که در یک جمع‌بندی کلی اشتراکات تعاریف را می‌توان این چنین برشمرد:

۱- اعتماد در فرآیند روابط اجتماعی بین افراد و سازمان‌های اجتماعی با همدیگر تبلور می‌یابد.

۲- اعتماد متضمن نوعی انتظار است.

۳- اعتماد در شرایط و وضعیت مخاطره‌آمیز وجود دارد. مفهوم عدم تعین اجتماعی، یعنی عدم پیش‌بینی رفتارها و امور نیز با مفهوم اعتماد توأم می‌باشد.

۴- حسن ظن فرد نسبت به سایر اعضای جامعه نیز عنصر کلیدی اعتماد محسوب می‌شود؛ چرا که با وجود عدم قطعیت‌ها و وجود خطر در روابط، افراد به خاطر حسن ظن و احساس مثبتی که به یکدیگر دارند به هم اعتماد می‌کنند.

۵- اعتماد واقعیتی اجتماعی و فرهنگی است.

۶- اعتماد خصلت نسبی و متغیر دارد؛ یعنی اینکه در یک جامعه در دوره‌های مختلف تاریخی تغییر می‌کند.

اعتماد، فضایی است که زندگی انسانی در آن جریان می‌یابد. وقتی اعتماد صدمه می‌بیند جامعه به عنوان یک کل آسیب می‌پذیرد و وقتی از میان می‌رود، اجتماعات تزلزل پیدا می‌کند و فرو می‌ریزد. از نظر برخی اندیشمندان این حوزه، سه نوع انتظار باعث و موجب اعتماد به هر فرد یا گروه و یا دولت می‌شود:

- پایبندی به نظم اخلاقی؛
 - توانایی و اجرای وظایف محوله نقش؛
 - ترجیح مسئولیت و تکالیف بر خواسته‌ها و تمایلات فردی یا گروهی.
- «آنتونی گیدنز» اعتماد را مقدمه و شالوده زندگی اجتماعی می‌پندارد که بدون آن زندگی فردی و اجتماعی مشحون از نگرانی‌ها و اضطراب‌ها خواهد شد. گیدنز در بیان ویژگی‌های یک جامعه نوین سه ویژگی را برای نوگرایی بر می‌شمارد:

۱. فاصله‌گیری و جدایی زمان و مکان؛
۲. بی‌ریشگی (توسعه مکانیسم‌های جدا کننده و واگرایی مجدد در فواصل زمانی و مکانی نامعین)؛
۳. قدرت بازاندیشی دانش رو به تزاید که اطمینان ما را به تداوم هویت فردی‌مان و محیط اجتماعی‌مان که کاملاً در کنترل ما نیستند و به‌طور مداوم ما را تهدید می‌کند، سبب می‌شوند.

ساختار و سطوح اعتماد

اعتماد دارای ساختار و پیوستاری است که شکل‌گیری آن بر اساس فرآیندی روان‌شناختی- اجتماعی صورت می‌گیرد. از این رو اعتماد پدیده‌ای است چند بعدی که سطوح مختلفی را در بر می‌گیرد.

سطوح مختلف اعتماد عبارتند از:

۱. اعتماد در بعد فردی و روان‌شناختی افراد (اعتماد شخصی)، که در این سطح عناصر ذهنی و روانی اعتماد از دیدگاه روان‌شناسان مد نظر قرار می‌گیرد.
 ۲. سطح روابط بین فردی و گروه‌ها، که در این سطح رابطه مبتنی بر اعتماد حداقل دو نفر اعتمادکننده و فرد مورد اعتماد است. در اینجا اعتماد به عنوان نوعی رفتار اجتماعی مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی خاص، پذیرفته‌شده توسط اشخاص که در روابط بین شخصی، درون‌گروهی و برون‌گروهی تجلی می‌یابد، در نظر گرفته می‌شود.
 ۳. اعتماد برون‌گروهی که به منزله حسن ظن نسبت به همه افراد جامعه در روابط اجتماعی جدای از تعلق به گروه‌های قومی و قبیله‌ای و سازمانی در نظر گرفته می‌شود، ارتباط پیدا می‌کند.
 ۴. اعتماد عام که در این سطح اعتماد نسبت به نظام‌ها و نهادهای کلان جامعه مد نظر قرار می‌گیرد.
- در مجموع می‌توان اعتماد را به عنوان یک فرآیند روان‌شناختی-اجتماعی در نظر گرفت که علاوه بر اینکه مبتنی بر عناصر روان‌شناختی اعم از خود‌پنداره مثبت، اعتماد به نفس، خطرپذیری، داشتن حسن ظن و پردازش اطلاعات راجع به دیگران و اهداف است در جریان جامعه‌پذیری هر یک از عناصر می‌تواند در شخصیت فرد اعتمادکننده یا مورد اعتماد مسلط شده باشد.

اهمیت و کارکرد اعتماد

اعتماد یکی از عناصر بنیادین تعامل اجتماعی است که در حل مسایل مربوط به اجتماع نقشی تعیین‌کننده دارد. اعتماد پیش‌شرط عمده و کلیدی برای موجودیت هر جامعه‌ای محسوب می‌شود و تسهیل‌کننده مبادلات در فضای اجتماعی است.

اعتماد بین شخصی در روابط اجتماعی شکل می‌گیرد و در طول زمان تقویت می‌شود. سازوکار پیوندهای اجتماعی به افزایش اعتماد اجتماعی منجر می‌گردد؛ بنابراین میزان و گستره روابط و تعاملات در شبکه، در ابعاد ساختی (اندازه و ترکیب شبکه)، تعاملی (فراوانی تماس، صمیمیت) و کارکردی (حمایت‌ها) در ایجاد و تقویت اعتماد تأثیرگذار خواهد بود.

از بین متغیرهای فردی و متغیرهای شبکه‌ای، نقش متغیرهای شبکه‌ای به ویژه صمیمیت پیوند و حمایت‌های متقابل در تبیین اعتماد بیشتر است. به بیان دیگر، ویژگی‌های شبکه، بیش از ویژگی‌های فردی افراد در اعتمادشان به یکدیگر تأثیر دارد.

اعتماد در همه ابعاد زندگی انسان نقش داشته و جزء جدایی‌ناپذیر از زندگی انسان‌ها است. اعتماد اجتماعی از عناصر مؤثر در پذیرش و همدلی اجتماعی محسوب می‌گردد که این خود زمینه سازگاری و همنوایی هر چه بیشتر اعضای جامعه را فراهم می‌سازد.

بنابراین اعتماد از ابعاد و ارکان نظم اجتماعی است و بدون آن نظم اجتماعی برقرار نخواهد شد. اعتماد اجتماعی یکی از ارکان سرمایه اجتماعی و چه بسا مهم‌ترین رکن و دستاورد آن است. جامعه‌ای از حیث اجتماعی غنی است که اعتماد بالایی در آن جامعه، در سطوح مختلفش وجود داشته باشد. هم اعتماد بین اشخاص و در سطح خرد و فردی، و هم اعتماد بین اشخاص و نهادها و هم اعتماد بین ارکان و واحدهای تشکیل‌دهنده جامعه.

اگر اعتماد اجتماعی در سطح پایینی باشد، نتیجه قطعی‌اش این است که جامعه از حیث سرمایه اجتماعی دچار فقر است، و بالعکس جامعه‌ای که بتواند اعتماد اجتماعی را در خودش پرورش دهد و میزان فردی و گروهی آن را تقویت کند، قادر خواهد بود پشتوانه‌های اجتماعی و سرمایه‌های اجتماعی خودش را تقویت کند. چنین جامعه‌ای از انسجام بالاتری برخوردار خواهد بود و همبستگی بین بافت‌ها و ارکان آن بیشتر و هزینه فعالیت‌ها و مدیریت در آن کمتر خواهد بود.



«پاسخ به سؤال»

«سؤال های سیاسی»

۱- به نظر شما فلسفه نام گذاری امسال به نام سال دولت و ملت؛ همدلی و همزبانی چیست؟

دولت به معنای حاکمیت اصلی ترین لایه روپین نظام جمهوری اسلامی است فارغ از اینکه چه کسی رئیس دولت است و یا چه کسانی مسئولیت سنگین اجرا را در قوه مجریه به عهده دارند، آنها باید مورد حمایت قرار گیرند. اعتماد مردم روز به روز باید به دولت بیشتر شود تا دولت بتواند به مسئولیت های ملی و بین المللی خود درست عمل کند. به نظر می رسد حکمت نام گذاری سال ۱۳۹۴ به عنوان همدلی و همزبانی از سوی رهبر حکیم انقلاب به این دلیل است که عمل به اقتضائات و نیازهای آن باعث افزایش توان ملی خواهد شد. با افزایش توان ملی یکی از اهداف اصلی و مهم انقلاب اسلامی تحقق شعار پیشرفت و عدالت که شعار اصلی دهه کنونی است. لازمه این امر

آن است که دولت‌ها و برنامه‌ریزان کشور در تعیین مصادیق اصلی و معیارهای کلان پیشرفت و عدالت به خواسته‌ها و نظرات و اراده ملت توجه کنند و در تعیین چپستی پیشرفت و چگونگی اجرا و تحقق عدالت به ارزش‌ها و اعتقادات اصیل مردم توجه داشته باشند و از این ارزش‌ها و اعتقادات دست نکشند. در چنین صورتی است که حقیقت همدلی و هم‌زبانی ممکن می‌شود. اما جستجوی مصادیق پیشرفت در خارج از مرزهای عقیدتی و ارزشی، همراهی و هماهنگی بدنه اصلی مردم را از دست خواهند داد و همدلی و هم‌زبانی مفقود خواهد بود و در این صورت به جای حرکت به سمت پیشرفت، دچار کشمکش و خنثی کردن تلاش‌ها و نیروهای یکدیگر خواهیم بود؛ بنابراین برای تحقق منویات مقام معظم رهبری شعار همدلی و هم‌زبانی باید از حد شعار خارج شود و مبنای عمل مسئولان کشور و گروه‌های سیاسی، جناح‌ها، سازمان‌ها و نیز عموم مردم قرار گیرد، تا در سایه آن راه رسیدن به عدالت و پیشرفت تسهیل گردد.

۲- ارزیابی شما از برگزاری جشن و شادی در خصوص بیانیه لوزان از سوی برخی مسئولین دولت یازدهم چیست؟

به نظر می‌رسد این امر تنزل موضوع مذاکرات هسته‌ای به خواسته‌های جناحی و انتخاباتی است. برگزاری جشن برای نتایج این مذاکرات از سوی حامیان دولت و همفکران سیاسی‌اش تنها در همین چهارچوب ارزیابی می‌شود؛ چراکه خوشحال نشان دادن از توافقی که با دادن امتیازات بسیاری به دست آمده است نمی‌تواند ذوق‌زدگی مفرط ایجاد کند و این تحرکات آدرس غلط به دشمن خواهد داد. از سوی دیگر رییس جمهور این بیانیه را بر وفق مراد دانست و ابراز امیدواری کرد که در سایر حوزه‌ها نیز با همکاری بین‌المللی مشکلات را مرتفع نمایند. به نظر می‌رسد این گونه موضع گرفتن هموار کردن مسیر مورد نظر دشمنان انقلاب اسلامی است؛ بنابراین ضروری

است دولتمردان ضمن دقت در اظهارنظرها و اقدامات خود با پاسداشت عزت و عظمت ملت ایران مسیر پیش رو تا توافق جامع هسته‌ای را با نرمشی قهرمانانه به سمت آرمان‌های نظام اسلامی طی نمایند.

به نظر شما مهم‌ترین اولویت‌های دستگاه دیپلماسی و تیم مذاکره‌کننده در مذاکرات آینده کدامند؟

اگرچه دستگاه دیپلماسی و تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران در مسیر این مذاکرات در صدد تلاش برای تامین منافع ملی کشور است که از نظر برخی تحلیل‌گران موفقیت‌های خوبی هم کسب کردند، اما به نظر می‌رسد برای توافق جامع، دو امر مهم را باید مدنظر داشته باشند: اول، دقت در فریبکاری‌های احتمالی؛ دوم، پیش‌بینی راه‌کارهای لازم برای تقابل با آنها.

شرط دیپلماسی هوشمندانه این است از هم‌اکنون به چنین احتمالاتی بیندیشد و کار را در روزهای پس از توافق بر خود سخت نکند. حداقل تدبیر لازم آن است همان‌طور که تعهدات ایران باید از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی راستی‌آزمایی شود، تعهدات آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها در زمینه لغو تحریم‌ها هم باید قابل راستی‌آزمایی باشد و همان‌طور که ایران برای نقض تعهد مستوجب تبعات لحاظ شده، نقض عهد طرف غربی نیز باید مستوجب عقاب گردد. همان‌گونه که مقام معظم رهبری تأکید کردند تجربه ۳۶ ساله، سراسر بدعهدی واشنگتن در قبال تعهدات بین‌المللی بوده است؛ بنابراین باور و خوش‌بینی، بیش از حد به مذاکرات خلاف مشی تدبیر دستگاه دیپلماسی است.

۳- به نظر شما مهم‌ترین اولویت اصول‌گرایان در سال جاری

چیست؟

امروز شرایط کشور یکی از امیدوارکننده‌ترین روزهای انقلاب است. جمهوری اسلامی ایران قبله‌گاه انقلابیون جهان شده است. طبیعی است دشمنان قسم‌خورده انقلاب و نظام نیز برای آسیب رساندن به این انقلاب از

هر توطئه‌ای فروگذار نخواهند بود. از سویی طی ۳۶ سال اخیر توسل به انواع روش‌های خصمانه نتایجی برای آنان در پی نداشت؛ بنابراین با تغییر رویکرد به دنبال ایجاد چالش از درون فکر می‌کنند و حتی آنها از اینکه رمقی در اپوزیسیون داخلی نمانده نگرانند لذا سعی دارند بازی خود را به درون رقابت‌های درون گفتمانی انقلاب بیاورند. بنابراین در شرایط موجود با در پیش داشتن دو انتخابات مهم و سرنوشت‌ساز، مهم‌ترین اولویت همه گروه‌ها و جریان‌های سیاسی که دل در گرو انقلاب و نظام دارند به خصوص اصول‌گرایان باید بیش از پیش با همگرایی و وحدت در درون خود و حتی یکصدایی در کل کشور به منظور مقابله با ترفندها و نقشه‌های شوم دشمنان انقلاب بتوانند از مصالح و منافع ملی صیانت کنند.

۴- علی‌رغم توانایی‌هایی که جنبش انصارالله دارد چرا به حملات هوایی عربستان سعودی پاسخ نمی‌دهد؟

جنبش انصارالله با اقدامی هوشمندانه توانست دو سناریو طراحی شده مثلث عبری - عربی آمریکایی که جنگ داخلی و تجزیه‌طلبی یمن را دنبال می‌کرد خنثی کند. از این‌رو با گسیل نیروهای خود به سمت استان‌های جنوبی تحت نفوذ تکفیری‌ها و نیروهای منصور هادی، چالش‌ها و تهدیدهای پیش‌رو را در عمل به فرصت تبدیل کرد. بر روی زمین نیز، برتری میدانی خود را تثبیت نماید تا در برابر تجاوز احتمالی زمینی، زمین را برای دفاع آماده کرده باشد. به عبارت دیگر انصارالله با پیش‌بینی محورهای تهاجم زمینی و آماده‌سازی وضعیت برای مقابله، نسبت به دشمن خود پیش‌دستی کرد.

اما در خصوص سعه‌صدر انصارالله در پاسخ متقابل به جنایات آل‌سعود نیز باید به هوشمندی این جنبش اضافه کرد که از یک‌سو مشت بسته خود را در برابر آل‌سعود و متحدان آن در صحنه نظامی باز نکرد و از سوی دیگر با خودداری و صبر در موضع دفاع عملاً برای مقابله به‌مثل آتی خود،

مشروعیت‌سازی نمود. انصارالله با عدم شتاب در پاسخ به تجاوزات آل سعود، در عمل جنگ نیابتی و جنگ شناختی شیعه-سنی را خنثی نمود.

۵- ارزیابی شما از علل همراهی برخی از کشورهای عربی در تهاجم عربستان به یمن چیست؟

به نظر می‌رسد ائتلاف نمایشی برخی از کشورهای عربی با عربستان به دو دلیل قابل ارزیابی است: نخست، مشکلات درونی آن کشورها که باعث می‌شود با این عمل فضای داخلی را در برابر فضای بیرونی کنترل کنند. کشورهای چون مصر و بحرین در این دسته قرار می‌گیرند. بحرین خود را در برابر تهدیدهای داخلی ناتوان می‌یابد و احساس می‌کند که روی کار آمدن دولت شیعی در یمن می‌تواند انگیزه بخش شیعیان فعال بحرین باشد. مصر نیز می‌کوشد از طریق همراهی با غرب در موضوع یمن، توجه غربی‌ها را از روی مسایل داخلی مصر دور کند و در این مدت دایره سرکوب را گسترش دهد. از طرف دیگر با میلیتاریزه کردن فضای مصر توجیهی برای حاکمیت یک نظامی بر ارکان سیاسی مصر بیابد. دوم نگرانی از الگو شدن انقلاب اسلامی برای ملت‌های مسلمان همچنین مقابله با گسترش نفوذ و قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی ایران.

۶- به نظر شما تهاجم عربستان سعودی چه تأثیری برای محور مقاومت در منطقه خواهد داشت؟

همان‌گونه که می‌دانید نقش منطقه‌ای آل سعود با توجه به شکست‌های قبلی این رژیم در سوریه، لبنان و عراق از بین رفته و برعکس، قدرت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران در منطقه روز به روز در حال افزایش است؛ بنابراین محور مقاومت که جمهوری اسلامی ایران الهام‌بخش این محور در منطقه است ضمن گسترش چشمگیر، توازن راهبردی در منطقه را با برتری در برابر محور غربی، عربی و عبری رقم زده است.

«سؤال‌های اقتصادی»

۱- آیا رکود مسکن در سال ۹۴ تداوم خواهد داشت؟

بازار مسکن در بخش مسکونی از جذابیت خوبی برخوردار است پس از بخش مسکونی، ساختمان‌های چندمنظوره و بعد از آن ساختمان‌های تجاری و اداری جذابیت سرمایه‌گذاری دارند. یکی دیگر از دلایل رکود، کاهش قیمت نفت است؛ زیرا در کشورهایی که اقتصاد آنها تک‌محصولی است رابطه مستقیم بین قیمت محصول نفت و قیمت مسکن وجود دارد و به همین دلیل با کاهش قیمت نفت درآمد دولت هم کاهش می‌یابد و رکود اقتصادی به وجود می‌آید. از آنجا که کشور هنوز با رکود اقتصادی دست‌به‌گriبان است احتمال دارد رکود بخش مسکن هم ادامه داشته باشد. عوامل موثر در بازار مسکن به دو عامل درونی و بیرونی تقسیم می‌شود: نیروهای درونی که بر قیمت بر مسکن اثر می‌گذارد شامل عرضه و تقاضاست و عوامل خارجی شامل نرخ رشد نقدینگی، وضع بازارهای موازی، وضعیت بازار نفت و ارز، شاخص بهای خدمات ساختمانی است. تقاضاکنندگان مسکن را به سه گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول مسکن را به عنوان سرپناه استفاده می‌کنند و در حقیقت مصرف‌کننده مسکن هستند، اما گروه دوم برای سرمایه‌گذاری وارد بازار مسکن می‌شوند و گروه سوم کسانی هستند که هم با هدف سرمایه‌گذاری و هم برای مصرف وارد بازار مسکن می‌شوند. در ایران اکثر افراد با خرید مسکن قصد دارند ارزش دارایی خود را حفظ کنند یا افزایش دهند. بسیاری از تحلیل‌گران بازار مسکن معتقدند رکود مسکن بالاخره در سال ۹۴ به پایان خواهد رسید. البته خیلی از تحلیل‌ها به نهایی شدن مذاکرات هسته‌ای بستگی دارد زیرا این مذاکرات تاثیر زیادی در کل اقتصاد کشور خواهد داشت و اگر به نتیجه برسد ثبات و رشد اقتصادی را به همراه خواهد داشت که بازار مسکن را هم تقویت می‌کند و دوره بهبود سریع‌تر آغاز می‌شود. در کنار این

به نتیجه رسیدن مذاکرات روی انتظارات هم تأثیر دارد و برخی از متقاضیان انتظار دارند قیمت مسکن کاهش یابد و برای قیمت پایین تر منتظر می‌مانند که این موضوع به رکود فعلی دامن می‌زند. با این حال نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد ۶۸ درصد کارشناسان مسکن معتقدند رکود در بخش خرید و فروش ادامه پیدا می‌کند، ۸۸ درصد معتقدند نیمه اول سال ۹۴ رونق بازار اجاره را خواهیم داشت و ۱۲ درصد معتقدند این بازار هم دچار رکود خواهد بود. در یک مرور آماری، در سال‌های ۵۸ تا ۹۳ حدود ۲۰ میلیون واحد مسکونی در کشور تولید شده است. بیشترین تولید مسکن در طول این ۳۰ سال توسط بخش خصوصی بوده است و در این میان دولت‌ها به عنوان سیاست‌گذار عمل کرده‌اند و بیشتر متولی و بستر ساز بوده‌اند. مدیر کل دفتر برنامه ریزی اقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی بیان کرده است تراکم خانوار مسکونی اوایل انقلاب اسلامی به این صورت که به ازای ۱۳۰ خانوار ۱۰۰ واحد مسکونی وجود داشته، اما در حال حاضر این آمار اینگونه است که به ازای هر ۱۰۵ خانوار ۱۰۰ واحد مسکونی وجود دارد. البته این آمار بدون لحاظ کردن خانه‌های خالی موجود است.

۲- ترازهای تجاری مثبت و منفی ایران در سال ۹۳ چگونه بوده

است؟

تراز تجاری ایران در سال گذشته با حدود ۴۹ میلیارد و ۷۴۴ میلیون دلار صادرات غیر نفتی و ۵۲ میلیارد و ۴۷۷ میلیون دلار واردات نزدیک به منفی سه میلیارد دلار بوده است. این در حالی است که در سال ۱۳۹۲ تراز تجاری ایران با ۴۱ میلیارد و ۸۴۸ میلیون دلار صادرات و ۴۹ میلیارد و ۷۰۹ میلیون دلار واردات نزدیک به منفی ۸ میلیارد دلار بوده است که این امر به معنای پیشرفت ۵ میلیارد دلاری ایران در میزان تراز تجاری است. چین، امارات، جمهوری کره، ترکیه و هند بیشترین مبدأ واردات و چین، عراق،

امارات، هند و افغانستان نیز به ترتیب بیشترین مقصد صادرات ایران در سال گذشته بوده‌اند. در این بین ایران با عراق با میزان واردات نزدیک به ۶۰ میلیون دلار و صادرات ۶ میلیارد و ۱۸۳ میلیون دلار بیشترین تراز تجاری مثبت را به میزان ۶ میلیارد و ۱۲۳ میلیون دلار داشته‌است. نسبت به سال ۱۳۹۲ تراز تجاری ایران با عراق ۱۶۵ میلیون دلار افزایش پیدا کرده‌است. پایین‌ترین تراز تجاری در سال گذشته در تجارت با کشورهای امارات، جمهوری کره، چین، سوئیس و آلمان به دست آمده‌است. بر اساس گزارش گمرک، منفی‌ترین تراز تجاری ایران با امارات و به میزان منفی ۸ میلیارد و ۲۳۲ میلیون دلار بوده‌است. ایران در سال گذشته به طور مجموع ۳ میلیارد و ۹۳۲ میلیون دلار صادرات به امارات داشته‌است و در مقابل نزدیک به ۱۲ میلیارد و ۱۶۴ میلیون دلار کالا از این کشور خریداری کرده‌است.

۳- منظور از تحریم‌های ثانویه آمریکا چیست؟

طبق توافق نامه اگر امضا شود تمام قطعنامه‌هایی که در رابطه با مسأله هسته‌ای علیه ایران صادر شده‌است یعنی تمام شش قطعنامه شورای امنیت تحت یک قطعنامه جدید با عنوان قطعنامه اجرای توافق ایران و ۱+۵ چگونگی به اجرا درآمدن توافق ملغی می‌شود. بر همین اساس فقط دو نوع تحریم که از سوی شورای امنیت و به واسطه قطعنامه‌های هسته‌ای اعمال شده‌است ادامه می‌یابد و آنها ربطی به قطعنامه‌ها و تحریم‌های اقتصادی ندارد. یکی تحریم تسلیحاتی است و دیگری تحریم تجهیزات یا کالاهای اشاعه‌ای هستند. یعنی اجازه خرید و فروش تسلیحات و یا خرید و فروش مواد و تأسیسات هسته‌ای فعلاً داده نمی‌شود. آمریکا دو نوع تحریم علیه ایران دارد یکی برآمده از فرمان رییس‌جمهور آمریکاست و دیگری برآمده از مصوبات کنگره این کشور که تعداد آن‌ها به ۲۴ می‌رسد و عمدتاً هم تحت‌الشعاع فرمان رییس‌جمهور و بعضاً در زمان کارتر این تحریم‌ها صورت

گرفته است. از طرفی تحریم های آمریکا به دو قسمت ثانویه و اولیه تقسیم می شود. تحریم های اولیه آنهایی هستند که مربوط به درون آمریکاست یعنی دولت این کشور اجازه تعاملات اقتصادی، تجاری و بازرگانی به تجار آمریکایی، شرکت ها و مؤسسات خودش با ایران را نمی دهد و تحریم های ثانویه آنهایی هستند که از مرزهای آمریکا عبور می کند و مربوط به شرکت ها، کشورها و افرادی است که هم با آمریکا تعامل دارند و هم با ایران و به واسطه تعامل شان با ایران تحریم شده اند که آنها قرار است برطرف شوند.

۴- میزان تجارت ایران و آمریکا در سه دهه چگونه بوده است؟

با گذشت بیش از سه دهه از قطع رابطه سیاسی ایران و آمریکا، روابط تجاری دو کشور با فراز و نشیب های بسیاری روبه رو بوده است. ایران قبل از انقلاب با آمریکا مبادلات تجاری گسترده ای داشت و این همکاری دوجانبه در سال ۱۹۷۸ به اوج خود رسید که در این سال میزان صادرات آمریکا به ایران ۷ میلیارد دلار و واردات آن کشور از ایران برابر با ۹ میلیارد دلار بود. همزمان با انقلاب، آمریکا و آلمان غربی بزرگترین شرکای تجاری ایران بودند. حدود پنجاه هزار آمریکایی در ایران زندگی و کار می کردند و آمریکا، فناوری، تجهیزات صنعتی، کالاهای کشاورزی و مصرفی را به ایران صادر می کرد. همچنین ایران، ۵۰ تا ۷۵ درصد از برنج، گندم و غلات خود را در دهه ۵۰ از آمریکا وارد می کرد. روابط تجاری ایران و آمریکا بعد از انقلاب اسلامی به تیرگی کشید، به خصوص بعد از گروگان گیری ۴۴۴ روزه کارکنان سفارت آمریکا، دولت کارتر از واردات نفت ایران جلوگیری کرد و مراودات تجاری خود با ایران را بعد از ماجرای تسخیر لانه جاسوسی متوقف کرد. اما روابط ایران - آمریکا از سال ۱۹۸۱، با آزاد شدن گروگان های آمریکایی، بار دیگر از سر گرفته شد. در این سال صادرات آمریکا به ایران بالغ بر ۳۰۰ میلیون دلار بود و صادرات ایران به آمریکا نیز ۶۴ میلیون دلار بود البته

شرکت‌های انرژی آمریکایی تا نیمه سال ۱۹۹۰ و پیش از گسترش تحریم‌ها، از طریق شرکت‌های تابعه به خرید نفت ایران - به ارزش سالانه سه میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار - ادامه دادند. تجارت ایران و آمریکا هر سال با نوساناتی روبه‌رو بوده است. پس از آنکه در سال ۱۹۹۵، دولت کلینتون تحریم‌های جدیدی را علیه ایران به تصویب رساند، مبادله تجاری کاهش یافت اما در سال ۲۰۰۰ آمریکا تحریم فروش و خاویار را از ایران برداشت. صادرات اصلی آمریکا به ایران در سال‌های اخیر شامل گندم، برنج، سویا، ذرت، لبنیات، خمیر چوب، پلاستیک، تجهیزات پزشکی و دارویی بوده است. صادرات آمریکا به ایران در سال ۲۰۱۴ از تجهیزات پزشکی تا شکلات را در بر گرفته است. تا پاییز سال ۲۰۱۴، تحریم‌ها به شرکت‌های آمریکایی اجازه فروش قطعات هواپیمایی به ایران را نمی‌داد. ناوگان هوایی ایران دارای ۱۲ هواپیمای بوئینگ است که بعضی از آنها بیش از ۳۰ سال عمر دارند. فروش کتابچه‌های هواپیما، نقشه‌ها و نمودار ناوبری بوئینگ به ایران در اکتبر سال ۲۰۱۴ بیشتر جنبه نمادین داشت که این معامله نخستین معامله علنی شرکت‌های هواپیمایی ایران و آمریکا پس از بحران گروگانگیری ۱۹۷۹ بود. از اواخر سال ۲۰۱۳، در پی توافق موقت ایران با ۶ قدرت جهانی سه قرارداد با بوئینگ امضا شد و تاکنون بوئینگ هفت موتور هواپیمای ایران ایر را تعمیر کرده است.

پایگاه خبری تحلیلی هادی
www.hadinews.ir



◀ آخرین اخبار سیاسی روز

◀ یادداشت و تحلیلهای سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی ، هسته ای

◀ متن بیانات و محورهای بیانات امام خامنه ای (مدظله العالی)

◀ نشریات و گاهنامه های سیاسی

◀ سیر مطالعاتی هادی

◀ رصد خبری

◀ پرسمان سیاسی

◀ باشگاه مقالات در موضوعات مختلف



۱۳۵۷

نماینده ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

معاونت سیاسی